



مرکز تحقیقات رولیندرافقیه اسلام

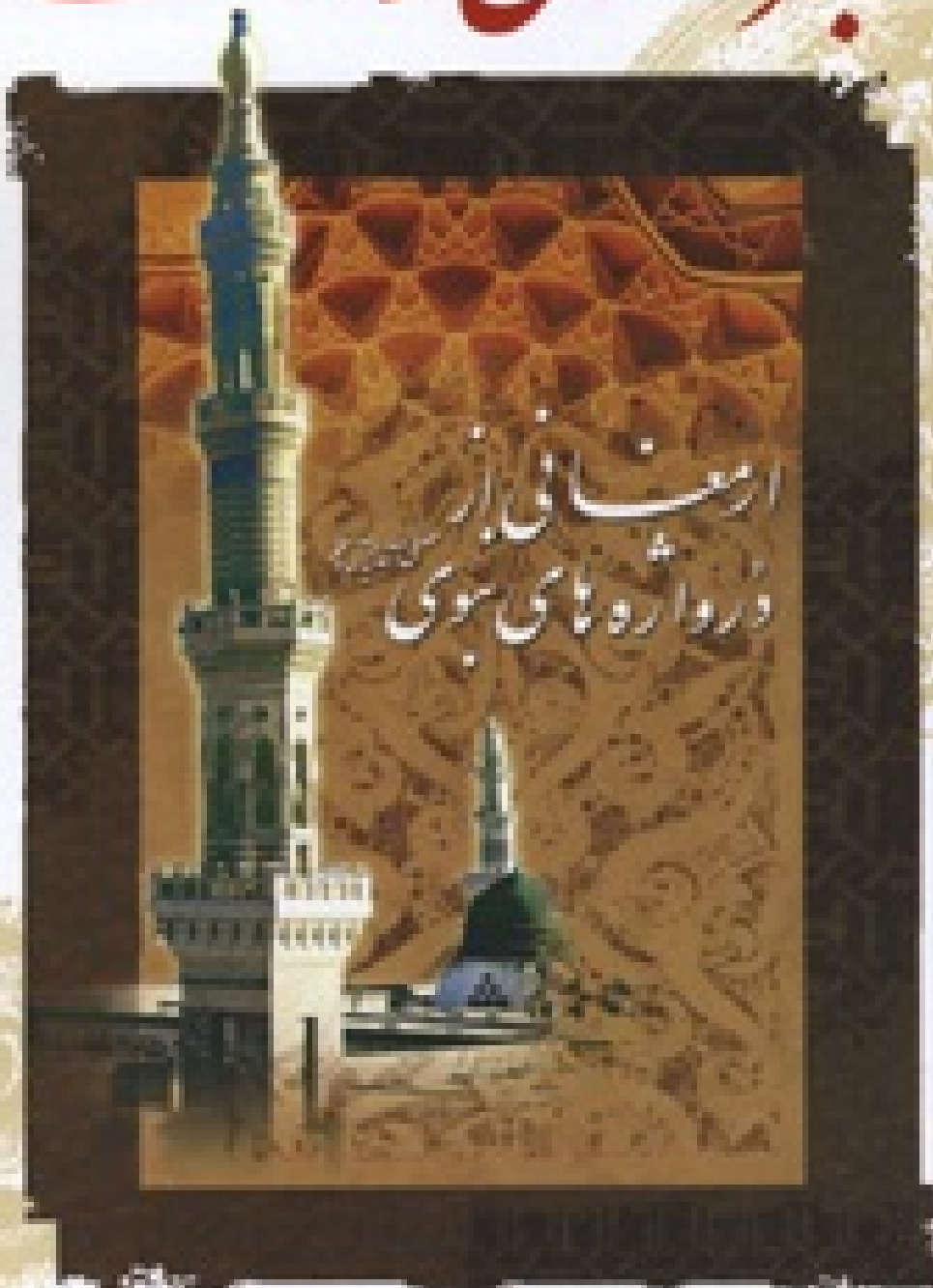


حوزه نمایندگی ولی فقیه امور حج و زیارت (پ)

www.Ghaemiyeh.com

www.Hajj.ir

جرعہ ہامی رسالت



رسالتی ارادت
در وادوں ہامی سونگی

عیدین احسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جرعه های رسالت " ارمغانی از در واژه های نبوی صلی الله علیه و آله و سلم "

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۱	جرعه‌های رسالت " ارمغانی از دروازه‌های نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم "
۲۱	مشخصات کتاب
۲۱	مطلع
۲۲	پیش‌گفتار
۲۶	بخش اول: پیام سعادت
۲۶	آ
۲۶	آبرومندی
۲۸	آخرت فروشی
۲۹	آداب مهمانی
۳۰	آموزش
۳۰	آموزگار خشن
۳۱	آینده‌نگری در کار
۳۲	الف
۳۲	احترام به آموزگار
۳۲	احترام به حقوق دیگران
۳۳	احترام به هم‌نشینان
۳۳	احسان و نیکوکاری
۳۴	ارتباط با ثروت‌مندان
۳۵	ارزش علم و عبادت
۳۵	ارزش هدایت دیگران
۳۶	استبداد رأی
۳۷	استفاده از تجربه‌های دیگران

۳۷	استقامت
۳۸	اظهار خوشحالی از گناه
۳۹	اظهار کردن حق
۳۹	اظهار نکردن فقر
۴۰	اعتدال و میانه‌روی
۴۱	امیدواری به رحمت خداوند
۴۱	ب
۴۱	بازتاب رفتار
۴۲	بازخواست مؤدبانه
۴۳	بازگشت
۴۴	بازی و تفریح
۴۵	بدترین فقر
۴۵	بدگویی در غیاب افراد
۴۶	بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا
۴۷	برادران الهی
۴۷	برخورد جوان‌مردانه با محرومان
۴۸	برخورد مناسب با زیردستان
۴۸	بصیرت به خود
۴۹	بهترین کردار
۵۰	بی‌احترامی به والدین
۵۱	بی‌نیازی و توانگری
۵۱	پ
۵۱	پاسداری در راه خدا
۵۲	پاکیزگی

۵۳	پر حرفی
۵۳	پر خوری
۵۴	پر خوری و سخت دلی
۵۵	پرداخت بدهی برادران دینی
۵۵	پرده پوشی
۵۶	پرسش قیامت
۵۷	پرسش گری
۵۸	پرگویی
۵۹	پرورش روح نیکوکاری
۵۹	پرهیز از دخالت نابجا
۶۰	پرهیز از سخت گیری
۶۰	پرهیز از نجوا
۶۱	پشتکار
۶۱	پناهگاه نیازمندان
۶۲	پندآموزی از درگذشتگان
۶۳	پند و اندرز
۶۳	پیشرفت معنوی
۶۴	پیمان از دواج
۶۵	ت
۶۵	تأخیر در انجام کار
۶۵	تأخیر در پرداخت بدهی
۶۶	تأمین پوشاک مستمندان
۶۶	رعایت عدالت میان فرزندان
۶۷	تحقیق دیگران

۶۸	تدبیر و خویشتن‌داری
۶۸	تربیت فرزند
۶۹	ترحم
۷۰	ترویج فساد
۷۱	تظاهر به گناه
۷۱	تظاهر و ریا
۷۲	تکریم دیگران
۷۳	تلاوت قرآن
۷۴	تنفر از گناه
۷۵	توکل به قدرت الهی
۷۵	تهمت دزدی
۷۶	ث
۷۶	ثروت اندوزی
۷۷	ثروت‌مندان بی‌تفاوت
۷۷	ج
۷۷	جبران نیکی
۷۸	جدال همیشگی
۷۹	جدایی نزدیکان
۸۰	جلب اعتماد مردم
۸۰	جلب رضایت الهی
۸۱	جنس فاسد
۸۲	جواب نامه
۸۲	چ
۸۲	چشم داشتن به مال دیگران

۸۳	ح
۸۳	حفظ آبرو
۸۴	حفظ آبروی دیگران
۸۴	حق کشی
۸۵	حل اختلاف
۸۵	حلال و حرام
۸۶	حیا و ایمان
۸۷	خ
۸۷	خبر ناموثق
۸۷	خداترسی
۸۸	خداخواهی
۸۹	خدامحوری و رضایت الهی
۹۰	خدمت به مردم
۹۱	خدمت‌گزاری
۹۲	خریدار پیشیمان
۹۲	خرید نسیه
۹۳	خشم
۹۴	خواب صبح‌گاهی
۹۴	خواندن نامه دیگران
۹۵	خوش‌بویی
۹۵	خوش‌رفتاری با خانواده
۹۶	خوش‌رفتاری با مردم
۹۷	خوش‌قلبی
۹۷	خیرخواهی

۹۸ د
۹۸ دانش اندوزی
۹۹ دانشمندان بی عمل
۱۰۰ دانشمند فاسد
۱۰۰ دانشوری
۱۰۲ دخالت در درگیری
۱۰۲ در انتظار فردا
۱۰۳ درخت کاری
۱۰۳ درخواست
۱۰۴ دروغ گوئی
۱۰۵ دعا در غیاب دیگران
۱۰۶ دعوت به گمراهی
۱۰۶ دگرگونی های زندگی
۱۰۷ دنیاگرایی
۱۰۸ دوراندیشی
۱۰۸ دورویان
۱۰۹ دوری از مواضع اتهام
۱۱۰ دوستی خدا
۱۱۰ دین داری
۱۱۱ دین گریزی
۱۱۱ ر
۱۱۱ راز داری
۱۱۲ راست گویان دروغین
۱۱۳ راه نجات و رستگاری

۱۱۴	راهنمایی
۱۱۵	رسوایی آخرت
۱۱۵	رسیدگی به خانواده
۱۱۶	رسیدگی به فرزندان
۱۱۷	رضایت خلق
۱۱۸	رفع نیازمندی‌ها
۱۱۸	روش تبلیغ
۱۱۹	ز
۱۱۹	زهد و پارسایی
۱۲۰	زیبا سخن گفتن
۱۲۱	س
۱۲۱	سست ایمانی و تجمل‌گرایی
۱۲۱	سپردن کار به کاردان
۱۲۲	ستایش بدکار
۱۲۳	ستایش فریب‌کارانه
۱۲۴	ستایش‌های بی‌جا
۱۲۴	سحرخیزی و بی‌نیازی
۱۲۵	سخنان دل‌نشین
۱۲۵	سد معبر
۱۲۶	سراشویی سقوط
۱۲۷	سرعت در خیرات
۱۲۷	سستی در عبادت
۱۲۸	سلام
۱۲۹	سودمندی

۱۲۹	سوغات سفر
۱۳۰	سوگند ناصواب
۱۳۱	ش
۱۳۱	شادی چشم‌ها
۱۳۲	شایسته‌سالاری
۱۳۳	شتاب در توبه
۱۳۳	شرکت در مجلس ختم
۱۳۴	شغل مناسب
۱۳۴	شکار بی‌دلیل حیوانات
۱۳۵	شکر نعمت
۱۳۵	شنیدن سخنان خوب
۱۳۶	شهادت دروغ
۱۳۷	ص
۱۳۷	صدا زدن به بهترین نام‌ها
۱۳۷	صداقت در تجارت
۱۳۸	صله رحم
۱۳۸	ض
۱۳۸	ضیافت مقبول
۱۳۹	ط
۱۳۹	طلب عافیت برای دیگران
۱۴۰	ع
۱۴۰	عالم به دنیا و جاهل به آخرت
۱۴۰	عبادت مخفی
۱۴۱	عذرپذیری

- ۱۴۲ عزت نفس
- ۱۴۲ عزیزان به ذلت فتاده
- ۱۴۳ عفت کلام
- ۱۴۳ عفو به هنگام قدرت
- ۱۴۴ علاقه به کار
- ۱۴۴ عیادت از بیماران
- ۱۴۵ غ
- ۱۴۵ غذای دسته جمعی
- ۱۴۶ غرور علمی
- ۱۴۷ غوغا سالاری
- ۱۴۷ ف
- ۱۴۷ فداکاری برای دین
- ۱۴۸ فروش مسکن
- ۱۴۹ فریب کاران
- ۱۵۰ ق
- ۱۵۰ قرض گرفتن
- ۱۵۰ قضاوت
- ۱۵۱ قناعت
- ۱۵۲ ک
- ۱۵۲ کارگشایی
- ۱۵۲ کردار نیک
- ۱۵۳ کسب حلال
- ۱۵۴ کم حوصله بودن
- ۱۵۴ کمک به تحصیل فرزندان

۱۵۵	کمک به نابینایان
۱۵۵	کمک در ابلاغ پیام
۱۵۶	کم‌گویی
۱۵۷	کوچک شمردن دیگران
۱۵۷	کوچک شمردن مشکلات
۱۵۸	کیفیت بخشیدن به کار
۱۵۸	گ
۱۵۸	گذشت
۱۵۹	گردش ایام
۱۶۰	گشاده‌رویی
۱۶۰	گشایش در زندگی
۱۶۱	گوهرهای درخشان
۱۶۲	ل
۱۶۲	لیخند
۱۶۳	لجاجت و ستیزه‌جویی
۱۶۳	م
۱۶۳	مبارزه با هوای نفس
۱۶۴	مدارا با بدهکاران
۱۶۵	مدارا با مردم
۱۶۵	مدارای مشروط
۱۶۶	مداومت بر کار خیر
۱۶۷	مردم‌آزاری
۱۶۷	مزد کارگر
۱۶۸	مشارکت در کارخانه

۱۶۸	مشورت
۱۶۹	ملاحظه‌کاری
۱۷۰	مهمان ناخوانده
۱۷۰	میزان سنجش عقل
۱۷۱	ن
۱۷۱	نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله
۱۷۲	نفرین ستم‌دیدگان
۱۷۲	نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت
۱۷۳	نماز
۱۷۴	نماز شب
۱۷۴	نماز صبح در مسجد
۱۷۵	نیکوکاری
۱۷۶	و
۱۷۶	وساطت در ازدواج
۱۷۶	وصیت‌نامه
۱۷۷	وظایف والدین
۱۷۷	وفای به عهد
۱۷۸	ه
۱۷۸	هدیه
۱۷۹	هدیه معنوی
۱۷۹	هم‌نشینی با فقیران
۱۸۰	هم‌نشینی با نیکان
۱۸۱	ی
۱۸۱	یادداشت دانستنی‌ها

- ۱۸۱ یاد کرد نیکی مردگان
- ۱۸۲ یتیم نوازی
- ۱۸۳ بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی الله علیه و آله
- ۱۸۳ فصل اول: خوشه‌های نور
- ۱۸۳ اشاره
- ۱۸۵ ارزش عمر
- ۱۸۶ بریدن سخن دیگران
- ۱۸۶ به دنبال مال حلال
- ۱۸۶ تکریم سالمندان
- ۱۸۷ توبه در جوانی
- ۱۸۷ خلوت انس
- ۱۸۸ خودشناسی و خدانشناسی
- ۱۸۹ دانشوری
- ۱۸۹ دشمن‌ترین دشمن‌ها
- ۱۸۹ دواى نادانى
- ۱۹۰ راست‌گویی
- ۱۹۰ زن شایسته
- ۱۹۱ سریار جامعه
- ۱۹۱ سودمندترین مردم
- ۱۹۲ طمع ورزی
- ۱۹۳ عزت مؤمن
- ۱۹۳ مسافرت
- ۱۹۴ هدیه نیکو
- ۱۹۴ فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی صلی الله علیه و آله

۱. ادای حق ۱۹۴
۲. امانت‌داری ۱۹۵
۳. انتظار فرج ۱۹۵
۴. بخشندگی ۱۹۵
۵. بخل و بدزبانی ۱۹۶
۶. بدگمانی ۱۹۶
۷. بهترین اخلاق ۱۹۶
۸. پرسشگری ۱۹۶
۹. پرهیزگاری ۱۹۷
۱۰. پستی دنیا ۱۹۷
۱۱. پشیمانی از گناه ۱۹۷
۱۲. تراشیدن شارب (سبیل) ۱۹۷
۱۳. ترک ازدواج ۱۹۸
۱۴. ترک جهاد ۱۹۸
۱۵. ترویج فساد ۱۹۸
۱۶. تقویت حافظه ۱۹۸
۱۷. تفرقه‌افکنی میان زن و شوهر ۱۹۹
۱۸. تنبلی ۱۹۹
۱۹. توبه‌کار ۱۹۹
۲۰. توکل ۱۹۹
۲۱. تهمت ۲۰۰
۲۲. ثروت‌طلبی ۲۰۰
۲۳. حب و بغض ۲۰۰
۲۴. حقیقت بی‌نیازی ۲۰۰

۲۰۱	۲۵. حیا
۲۰۱	۲۶. خدمت‌رسانی
۲۰۱	۲۷. جاودانه‌ها
۲۰۱	۲۸. جایگاه عقل
۲۰۲	۲۹. خشم
۲۰۲	۳۰. خودنمایی
۲۰۲	۳۱. خوش خلقی
۲۰۲	۳۲. خویشن‌داری
۲۰۳	۳۳. دانشوری
۲۰۳	۳۴. دروغ و خیانت
۲۰۳	۳۵. درهای نیکی
۲۰۳	۳۶. ذکر
۲۰۴	۳۷. رحمت الهی
۲۰۴	۳۸. رضایت همسر
۲۰۴	۳۹. روزی
۲۰۴	۴۰. زهد
۲۰۵	۴۱. سخن‌چینی
۲۰۵	۴۲. سرمایه عمر
۲۰۵	۴۳. سلام
۲۰۵	۴۴. شکرگزاری
۲۰۶	۴۵. صبر و شکر
۲۰۶	۴۶. صلوات
۲۰۶	۴۷. صله رحم
۲۰۶	۴۸. عامل کوری و کری

- ۲۰۶ ۴۹. عبرت
- ۲۰۷ ۵۰. عطابخشی
- ۲۰۷ ۵۱. عفو و گذشت
- ۲۰۷ ۵۲. عیب‌پوشی
- ۲۰۷ ۵۳. غفلت
- ۲۰۷ ۵۴. فال بد
- ۲۰۸ ۵۵. فضیلت امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام
- ۲۰۸ ۵۶. کسب حلال
- ۲۰۸ ۵۷. کمال دین
- ۲۰۸ ۵۸. کمال عقل
- ۲۰۹ ۵۹. کم‌خوری
- ۲۰۹ ۶۰. کنترل زبان
- ۲۰۹ ۶۱. گناهان کوچک
- ۲۰۹ ۶۲. گشاده‌رویی
- ۲۱۰ ۶۳. لج بازی
- ۲۱۰ ۶۴. مبارزه با هوای نفس
- ۲۱۰ ۶۵. مصلحت‌اندیشی در گفتار
- ۲۱۰ ۶۶. مهریه
- ۲۱۱ ۶۷. میانجی‌گری
- ۲۱۱ ۶۸. ناسزاگویی
- ۲۱۱ ۶۹. نشان منافق
- ۲۱۲ ۷۰. نشانه اخلاص
- ۲۱۲ ۷۱. نشانه بدبختی
- ۲۱۲ ۷۲. نشانه راست‌گویان

۲۱۳	۷۳. نشانه فاسق
۲۱۳	۷۴. نفاق
۲۱۳	۷۵. نگارش
۲۱۳	۷۶. نگاه مهربانانه فرزند
۲۱۴	۷۷. نماز جماعت
۲۱۴	۷۸. نماز جمعه
۲۱۴	۷۹. نیرنگ
۲۱۴	۸۰. نیرنگ
۲۱۴	۸۱. وفای به عهد
۲۱۵	۸۲. ولایت محوری
۲۱۵	۸۳. هدیه
۲۱۵	۸۴. هم‌نشینی
۲۱۵	۸۵. یاد خدا
۲۱۶	کتاب‌نامه
۲۱۹	درباره مرکز

جرعه‌های رسالت" ارمغانی از دروازه‌های نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم"

مشخصات کتاب

سرشناسه: اسحاقی حسین ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور: جرعه‌های رسالت" ارمغانی از دروازه‌های نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم/ "حسین اسحاقی

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.

شابک: ۱۰۰۰۰ ریال ۹۶۴-۵۴۰-۰۱۰-۴

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه ص [۱۹۹] - ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: ارمغانی از دروازه‌های نبوی

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق -- کلمات قصار.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق -- احادیث

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: احادیث اخلاقی

رده بندی کنگره: BP۱۴۲/۵ / الف ۵ ج ۴ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۶۴۲۴

ص: ۱

مطلع

زان که ملت را حیات از عشق اوست برگ ساز کاینات از عشق اوست

اقبال لاهوری

بیان شیرین و سخن دل‌نشین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، شفابخش‌ترین داروی دل‌های خسته‌ای است که راه و راهنمای کمال و

سرچشمه خورشید را جست‌وجو می‌کنند. حضرت علی علیه‌السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

بی‌گمان دل‌ها نیز بسان بدن‌ها خسته می‌شوند. پس برای رفع خستگی دل، طرفه حکمت‌هایی بجوید.

به راستی، سفارش‌ها و رهنمودهای پیامبر، مانند بهاریه‌ای است که فضای جان را سرسبز و باطراوت می‌سازد.

صرف باطل نکند عمر گرامی پروین آن که چون پیر خرد، راهنمایی دارد

پروین اعتصامی

و خوشا به حال آنان که گل‌های رنگارنگ از شاخ مراد می‌چینند. حال که ناخدای سبزپوش بحر ولایت، جان زمان را به نام همیشه

نورانی رسول وحی و پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله آذین بسته، بهترین فرصت برای این کار است و سخنان گهربار پیامبر بهترین

هدیه‌ای است که می‌توان در آغاز بهار هدیه همراهان

ص: ۲

ساخت. نبی مکرم می‌فرماید:

مسلمان به برادرش، بهتر از کلمه‌ای حکمت‌آمیز که بر هدایت او بیفزاید یا او را از سقوط بازدارد، هدیه نمی‌دهد. (۱)

این مجموعه را که با هدف نهادینه‌سازی رهنمودهای پیامبر تهیه شده است و سبزی بهار را در آئینه سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله می‌جوید، تقدیم خوانندگان ارجمند می‌کنیم؛ باشد که رواق دل‌هایمان با نام و یاد او عطر آگین شود.

پیش‌گفتار

۱-۱. ورام بن ابی فراس اشتری، مجموعه ورام، تهران، چاپ‌خانه حیدری، ج ۲، ص ۲۱۲.

ص: ۳

چه احتیاج به عطر است آن پری رو را به گل ضرور نباشد گلاب پاشیدن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هر جا که دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دید، سخن می‌گفت؛ چه بر منبر، چه روی زمین و چه سوار بر شتر؛ گاه نیز ایستاده سخنرانی می‌کرد. اگر بر فراز منبر می‌رفت، صورت خود را به طرف مردم می‌کرد و به آنان درود می‌فرستاد و پایان خطابه‌اش با استغفار همراه بود.

همواره محور سخنانش، درود بر خداوند و ستایش او به خاطر نعمت‌هایش، توصیف کمال او، آموزش بنیان‌های اسلام، یادآوری بهشت و دوزخ و سرای واپسین، سفارش به پارسایی و تبیین موارد خشم و خرسندی آفریدگار بود.

چنان شمرده سخن می‌گفت که شنونده می‌توانست واژگانش را بشمارد.

همچنین فشرده‌گوترین انسان‌ها بود، ولی در عین ایجاز تمامی آنچه را می‌خواست بگوید، بیان می‌کرد. نه زیاده‌گویی داشت و نه کم‌گویی؛ جمله‌هایش پی در پی بود و میان آنها لحظه‌ای خاموشی می‌ماند تا شنونده، سخنانش را دریابد و به خاطر بسپارد.

شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بود و می‌فرمود: «من فصیح‌ترین عربم». باری، بهشتیان به زبان محمد صلی الله علیه و آله

سخن می‌گویند. جز به ضرورت سخن

ص: ۴

نمی‌گفت و می‌فرمود: «از نشانه‌های دانایی آدمی این است که در مسائل بیهوده، اندک سخن گوید». نه بسیار کم سخن بود و نه پرگو. هنگام حرف زدن، دهان را کاملاً باز نمی‌کرد و زمانی که سخن می‌گفت، شنوندگان سرشان را پایین می‌انداختند و چنان آرام بودند که گویا پرنده‌ای بر سرشان نشسته است و چون خاموش می‌شد، آنان حرف می‌زدند. به پُرگویان هشدار می‌داد و می‌فرمود:

هر که گفتارش بسیار باشد، اشتباهش بسیار شود و کسی که اشتباهش زیاد باشد، گناهانش بسیار گردد و هر که گناهانش بسیار باشد، دوزخ برای او شایسته‌تر است. (۱)

آن حضرت هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نگفت و می‌فرمود: «ما پیامبران، مأموریم که با مردم به اندازه عقل و فهم آنان سخن بگوییم». (۲)

رسول الله صلی الله علیه و آله، نمونه کامل تجلی این هنر و ادب است؛ سخنش عمیق، بامحتوا، زیبا، سنجیده و مختصر بود و اضافه‌گویی و کاستی در سخن ایشان یافت نمی‌شد. آداب سخن را کاملاً رعایت می‌کرد، شمرده و آرام سخن می‌گفت و در گفتارش صراحت لهجه داشت. در سخن گفتن سطح درک و فهم مخاطب را همواره در نظر داشت. او فصیح‌ترین سخن را داشت و لحن سخن او جالب، جذاب و شیرین بود. با صدای کوتاه سخن می‌گفت و کسی را با سخن نمی‌رنجانید. نعمت را هر چند ناچیز، گرامی می‌داشت و از آن بدگویی نمی‌کرد.

سخن از ترسیم سیمای آفتاب است؛ نور و درخشش او چشم‌ها را خیره و دل‌ها را می‌رباید؛ آفتابی که دل و جان هر آزاده‌ای با آن آشناست. این مجموعه، رشحه‌ای

۱-۱. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

۲-۲. همان، ج ۱۶، ص ۲۸۰.

ص: ۵

از کلمات ناب رسول الله صلی الله علیه و آله است که از نور محمد صلی الله علیه و آله برگرفته‌ایم و ما تنها وظیفه گوهرنمایی را برعهده داریم. باشد که آینه کلامان بتواند عطر وجود پیامبر را از خلال گفته‌های حکمت آموزش، به مشام جان‌ها بیافشانند. آنچه پیش روی شماست، اندکی از اقیانوس بی‌کران سخنان رسول الله صلی الله علیه و آله است که به پیشواز سال پر برکت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نگارش یافته است. امید که رهروی شایسته برای نور تابانش باشیم.

یکی خط است ز اول تا به آخر بر او خلق جهان گشته مسافر

در این ره، انبیا چون ساربانند دلیل و راهنمای کاروانند

وز ایشان سید ما گشته سالار هم او اول، هم او آخر در این کار

بر او ختم آمده پایان این راه در او مُنزل شده ادعوا الی الله

شایسته است تا از تلاش دوستان مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما به ویژه آقای محمدصادق دهقان، ویراستار اثر در به سرانجام رساندن این تحفه احمدی سپاس‌گزاری کنیم.

امید است که اندیشه‌ورزان بیش از پیش در دریای موج سخنان رسول اعظم صلی الله علیه و آله غور کنند و به قدر توان از ذخایر ارزشمند آن بهره‌گیرند و ارمغان راه دیگران سازند. و امسال که مزین به ساحت مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله است، بیش از پیش، معطر به عطر سخنان آنحضرت آغشته گردد و اخلاق نبوی در روح و جانمان نقش بندد.

ان شاء الله

ص: ۶

بخش اول: پیام سعادت

آ

آبرومندی

ص: ۷

بخش اول: پیام سعادت

ص: ۹

آ

آبرومندی

انسان‌های شریف و بزرگوار هرگز حاضر نیستند اندکی از آبروی خود را در برابر همه ثروت‌های جهان بدهند. از دیدگاه آنان، انسان بی‌آبرو مانند تن بی‌جان است که از هیچ ارزشی، نصیب و بهره‌ای ندارد. آنان با این اعتقاد می‌کوشند آبروی خود را به هر شکل ممکن، حفظ و در برابر سختی‌ها پایداری کنند. در مقابل، کسانی نیز حاضرند برای به دست آوردن جاه و مال و مقام از آبروی خود مایه بگذارند و به هر کار ناشایستی تن در دهند. اینان تنها به این دل خوشند که توانسته‌اند متاع بی‌ارزش دنیا را به دست آورند. داوری با شماست؟ آیا می‌توان با ثروت و اندوخته‌های دنیوی، آبروی از دست رفته را به انسان آزاده برگرداند؟ پیامبر گرامی اسلام در مقام بیان ارزش و اهمیت حفظ آبرو می‌فرماید:

ذُبُّوا عَنَّا أَعْرَاضِكُمْ بِأَمْوَالِكُمْ. (۱)

با اموال خود از آبروی خویش دفاع کنید.

آخت فروش

بعضی افراد به دلیل برخورداری از مال و مقام و دیگر ظواهر مادی - که صد البته ناچیز و فانی است - معنویت خود را فدا می‌کنند و کالای با ارزش ایمان

ص: ۱۰

را به قیمت کم می‌فروشند. اینان پس از مدتی، خود را در این معامله نابرابر، زیان‌کار می‌بینند و به پشیمانی و عذاب وجدان دچار می‌شوند. آنان به راستی از زیان کارانند. زیان‌کارتر و بدبخت‌تر از این گروه، کسانی هستند که برای دنیای دیگران، دین خود را می‌فروشند. اینان به کسانی یاری می‌رسانند که در روز حساب، یاور آنان نخواهند بود. چنین افرادی به دلیل کمک به دنیاپرستان و مسلط کردن آنان بر مردم، گناه بزرگی به گردن خواهند گرفت. پیامبر راستین اسلام می‌فرماید:

إِنَّ مِنْ شَرِّ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَبْدًا أَذْهَبَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ (۱)

بدترین مردم از نظر مقام در روز قیامت، کسی است که آخرتش را برای دنیای دیگران بفروشد.

آداب مهمانی

پذیرش و بزرگداشت مهمان از صفات پسندیده است. میزبان همواره باید مقدم مهمان را گرامی بدارد. میهمان نیز نباید از این دستور اخلاقی سوءاستفاده کند و با زیاده‌خواهی و خرج تراشی، صاحب‌خانه را به زحمت افکند. مهمان باید بداند که حتی اگر در قالب شوخی، درخواستی بکند، ممکن است میزبان - به دلیل موقعیت میزبانی‌اش - آن را جدی تلقی کند و در راه فراهم آوردن آن، خرج سنگینی را متحمل شود. از آن سو، میزبان نیز نباید با تکلف و دشواری خودخواسته، سفره خویش را رنگین سازد؛ زیرا این کار افزون بر اسراف کاری، میهمان را که در اندیشه جبران مهمانی است، به زحمت خواهد

ص: ۱۱

انداخت. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به ساده بودن سفره‌های مهمانی می‌فرماید:

لَا يَتَكَلَّفَنَّ أَحَدٌ لِّضَيْفِهِ مَا لَا يَقْدِرُ. (۱)

میزبان نباید با تکلف، آنچه را قدرت ندارد، برای میهمان فراهم سازد.

آموزش

کسانی که از دانش بهره‌مندند، حق ندارند به بهانه‌های واهی با درخواست کردن مبلغ‌های بسیار، انتظار دانش‌پژوهان را بی‌پاسخ بگذارند و به تقاضای آنان پاسخ منفی بدهند. علما، استادان و معلمان وظیفه دارند تشنگان دانش را از دانش خویش بهره‌مند سازند. بی‌تردید، کسانی که توانایی انجام آموزش را دارند، ولی از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند، نزد خداوند مسئولند. خداوند با اعطای نعمت دانش و برداشتن موانع گوناگون از پیش پایشان، از آنان انتظار دارد که در برابر این نعمت بزرگ، دیگران را از دانش خود سیراب سازند.

بی‌تفاوتی و بی‌توجهی آموزگاران در برابر دانش‌جویان، با بازخواست شدید خداوند همراه خواهد بود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَسْأَلُ الْعَبْدَ عَنْ فَضْلِ عِلْمِهِ كَمَا يَسْأَلُهُ عَنْ فَضْلِ مَالِهِ. (۲)

خداوند از انسان درباره زیادی علمش بازخواست می‌کند، همان‌گونه که درباره زیادی مالش بازخواست می‌کند.

آموزگار خشن

تعلیم و تربیت در اسلام، جایگاه ویژه‌ای دارد و آموزگار و دانش‌آموز، هر دو مورد احترام هستند، هرچند ارزش استاد و آموزگار به مراتب بیشتر است.

۱-۱ همان، ش ۲۵۲۰.

۲-۲ همان، ش ۷۶۱.

ص: ۱۲

آموزگار وظیفه دارد با شاگردان خود مهربان باشد، تا انگیزه و رغبت آنان به تحصیل دانش افزایش یابد. صبر و حوصله و آگاهی آموزگار از فنون تعلیم و تربیت، بسیار سازنده و کارگشا خواهد بود. برعکس، هرگونه خشونت و فشارهای بی‌امان روحی، می‌تواند نوآموز را دل‌سرد و ناتوان کند و او را به فرار از تحصیل وادارد. افراد بسیاری بوده‌اند که به دلیل برخوردهای ناسنجیده و رفتارهای خشونت‌آمیز آموزگار، از درس و تحصیل بازمانده و به افرادی کم‌ثمر تبدیل شده‌اند. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام به آموزگاران توصیه می‌فرماید:

عَلِّمُوا وَلَا تُعْنِفُوا فَإِنَّ الْمُعَلَّمَ خَيْرٌ مِنَ الْمُعْنِفِ. (۱)

آموزش دهید و خشونت نکنید؛ زیرا آموزگار بهتر از خشونتگر است.

آینده‌نگری در کار

باید پیش از انجام هر کاری، سود و زیان مادی و معنوی آن را سنجید و با مقایسه دریافت که آیا انجام آن کار به سود و صلاح است یا خیر؟ کسانی که در زندگی چنین محاسبه‌ای را در نظر می‌گیرند، نه تنها پشیمان نخواهند شد، بلکه همیشه از نتیجه کار خشنودند. در حقیقت، هر کار سنجیده و حساب شده‌ای به کام‌یابی بسیار نزدیک است. پس یکی از راه‌های موفقیت در زندگی این است که انسان جوانب هر کاری را بسنجد و سود و زیان آن را بررسی کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذَا ارَدْتَ أَنْ تَفْعَلَ أَمْرًا فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا فَاْمُضِهِ وَإِنْ كَانَ شَرًّا فَانْتِهِ. (۲)

۱- ۱. نهج الفصاحة، ش ۱۹۵۸.

۲- ۲. همان، ش ۱۷۱.

ص: ۱۳

هرگاه خواستی کاری انجام دهی، درباره نتیجه‌اش بیاندیش؛ اگر نتیجه نیک است، انجام بده و اگر بد است، از انجام آن پرهیز کن.

الف

احترام به آموزگار

آموزگار، مقدس‌ترین واژه‌ای است که شنیدن آن، مهر، محبت و دانایی را در ذهن انسان تداعی می‌کند. آموزگار با پیام خود، دل‌های مرده را حیات می‌بخشد و آنان را از تاریکستان نادانی به سرزمین آباد و نورانی دانش رهنمون می‌سازد. به راستی، آموزگاران، ادامه‌دهندگان راه پیامبرانند که روزه‌های دانش را به سوی دانش‌پژوهان می‌گشایند. خود مانند شمع می‌سوزند تا در پرتو روشنایی آنان، دیگران راه هدایت را بیمایند. اگر امروز، پرده‌های جهل و تاریکی دریده شده و انسان به پیشرفت‌های جدید دست یافته است، در سایه زحمت‌های طاقت‌فرسای آموزگاران است. پیامبر اسلام که خود، آموزگار انسان‌هاست، می‌فرماید:

وَقَرُّوا مَنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ الْعِلْمَ وَوَقَرُّوا مَنْ تَعَلَّمُوهُ الْعِلْمَ. (۱)

به کسانی که از آنان دانش می‌آموزید و نیز به کسی که به او دانش می‌آموزید، احترام بگذارید.

احترام به حقوق دیگران

ص: ۱۴

همان‌گونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه انسان‌ها را محترم شمارد. اگر خدای ناکرده تصمیم گرفتید نسبت به حق کسی بی‌توجهی کنید، شایسته است پیش از اجرای این تصمیم، خود را به جای او قرار دهید و بیاندیشید که آیا اگر او چنین تصمیمی را درباره شما گرفته بود، ناراحت نمی‌شدید؟ به هر حال، بنابر فرمایش رسول گرامی اسلام، انسان باید به فکر آسایش و آرامش هم‌نوعان خود باشد. ایشان می‌فرماید:

أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. (۱)

آنچه را برای مردم می‌خواهی، برای خود نیز بخواه.

احترام به هم‌نشینان

انسان باید به هم‌نشینان خود احترام بگذارد، با آنان برخوردی بی‌تکلف داشته باشد و آنان را با بهترین اسم بخواند تا پیوند دینی بین آنان مستحکم‌تر شود.

انسان باید با کسانی هم‌نشین شود که هم‌تراز او بوده و از فرهنگ یکسانی برخوردار باشند؛ زیرا هر دسته و گروهی، رفتاری متناسب با فرهنگ خود دارند و اگر با غیر خود مباشرت کنند، به اختلاف و ناسازگاری دچار خواهند شد. بنابراین، برای پایداری دوستی‌ها انسان باید با کسانی معاشرت کند که از نظر دینی و فرهنگی، هم‌تراز او باشند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْحَسَنَاتِ تَكْرِمَةُ الْجُلَسَاءِ. (۲)

بهترین کارهای نیک، گرامی داشتن هم‌نشینان است.

همچنین فرموده است:

لَا تَضْحَبَنَّ أَحَدًا لَا يَرِي لَكَ كَمِثْلٍ مَاتَرَى لَهُ. (۳)

با کسی که تو را هم‌سنگ خود نمی‌داند، هم‌نشینی مکن.

احسان و نیکوکاری

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۸۷.

۲- ۲. همان، ش ۳۹۶.

۳- ۳. همان، ش ۲۴۶۱.

ص: ۱۵

دستگیری از محرومان و کمک به مستمندان، عبادت است و خداوند را خشنود می‌سازد. گاهی صدقه در قالب کمک‌های مالی معنا می‌یابد و خداوند نیز برای صدقه دهنده، پاداش‌های فراوانی را در نظر گرفته است. البته با گسترش مفهوم صدقه، آن را می‌توان به هر گونه ترک آزار دیگران نیز تعمیم داد. اگر کسی سلیم‌النفس باشد و در پی آزار دیگران نباشد، نزد خداوند، ثواب کسی را دارد که به دیگران صدقه داده و در حق آنان احسان کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود:

تَرَكُ الشَّرِّ صَدَقَةٌ. (۱)

ترک کردن بدی، صدقه است.

ارتباط با ثروت‌مندان

امکانات همه افراد یکسان نیست. برخی شرایط اقتصادی مطلوبی دارند و بعضی دیگر در وضع متوسط یا بدی به سر می‌برند. بهتر است خانواده‌های معمولی با خانواده‌های دارا و ثروت‌مند کمتر رفت و آمد کنند؛ زیرا هنگامی که اعضای خانواده‌های معمولی با امکانات و اشیای گران‌قیمت و تجملی توانگران روبه‌رو می‌شوند، به آنچه در خانه خود دارند، بی‌رغبت می‌شوند. این پدیده، اثر مخرب روانی دارد؛ چون پیش از آن هم وضع چندان خوبی نداشتند، ولی بدون تشویش و نگرانی و حسرت، سپاس‌گزار خداوند بودند.

ص: ۱۶

اینک در آتش حسرت و نداری می‌سوزند و چه بسا به راه کفران نعمت‌های بی‌دریغ الهی کشیده شوند. پیامبر گرامی اسلام در این باره سفارش می‌کند:

أَقْلُوا الدُّخُولَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فَإِنَّهُ أَحْرَى أَنْ لَا تَزْدَرُوا نِعَمَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۱)

پیش توانگران کمتر روید؛ زیرا در این صورت، نعمت‌های خدا را خوار نخواهید شمرد.

ارزش علم و عبادت

از دیر زمان این پرسش مطرح بوده است که علم برتر است یا عبادت؟ نشستن در حلقه علمی بهتر است یا پرداختن به تکلیف عبادی. باید دانست که در عبادت، انسان فقط به خود می‌رسد، ولی دانش، هم فایده فردی دارد و هم سود اجتماعی. البته دانشی مورد تأیید اسلام است که به حال فرد و جامعه، مفید باشد. دانشی که فایده‌ای نداشته باشد یا متضمن زیانی باشد، از گردونه این مقایسه خارج است. دانش می‌تواند بشر را به تکنولوژی برتر برساند و نیز می‌تواند زمینه‌ساز وارد آمدن زیان‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه انسانی باشد. نمونه آن در ساختن سلاح‌های میکروبی، شیمیایی یا بمب‌های اتمی و هیدروژنی به خوبی نمایان است. در کنار این نباید از یاد ببریم که بسیاری از پیشرفت‌های بشر در پرتو دانش صورت گرفته است.

پیامبر ارجمند اسلام درباره وزن علم و عبادت می‌فرماید:

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَ أَفْضَلُ دِينِكُمْ الْوَرَعُ. (۲)

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب‌تر است و برترین دستور دین شما، پرهیزگاری و پارسایی است.

ارزش هدایت دیگران

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۴۳۴.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۴۱.

ص: ۱۷

هدایت دیگران و بازداشتن آنان از انحراف، یکی از بزرگ‌ترین وظایف انسان است. برخی می‌پندارند این مهم را تنها یک دانشمند یا عالم دینی باید انجام دهد، در حالی که چنین نیست و همه اعضای جامعه اسلامی باید برای انجام آن بکوشند. چه بسا با یک رفتار سنجیده یا سخن منطقی، آینده روشنی برای یک فرد یا خانواده و در نتیجه، جامعه رقم بخورد. همه روزه، حوادث گوناگونی رخ می‌دهد که اگر افراد در آن مسئله پا در میانی کنند، ممکن است به راه‌های تاریک کشیده نشود. بسیار اتفاق می‌افتد که پس از رخ دادن حادثه‌ای، انسان خود را ملامت می‌کند که چرا در راه صلح و سازش و هدایت دیگران گامی برنداشته است. پیامبر بزرگوار اسلام در این باره می‌فرماید:

لَا يُهْدِي اللَّهُ عَلَىٰ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَّكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَعَرَبَتْ. (۱)

اینکه خداوند به دست تو، شخصی را هدایت کند، از همه چیزهایی که خورشید بر آن طلوع و غروب می‌کند، برای تو بهتر است.

استبداد رأی

استبداد رأی، نشانه خودخواهی و یکی از صفات ناپسند اخلاقی است. دارنده این صفت، انتظار دارد که دیگران حتماً سخن او را بپذیرند و بی‌چون و چرا اجرا کنند. این گونه افراد به دلیل انتظار پوچ و بی‌اساس خود، بیشتر با ناکامی روبه‌رو می‌شوند و مردم به آنان، پاسخ مثبت نمی‌دهند. به‌طور کلی، نفس سلیم انسانی در برابر زورگویی‌ها، واکنش منفی نشان می‌دهد و هرگز زیر بار

ص: ۱۸

تحمیل و اجبار نمی‌رود. شایسته است که افراد، از دیگران انتظار بی‌جا نداشته باشند و خود را با واقعیت‌های موجود، سازگار سازند. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این خصلت ناپسند می‌فرماید:

... وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا إِذَا أَعْجَبَ بِرَأْيِهِ. (۱)

... در گمراهی شخص همین بس که به رأی خود مغرور شود.

استفاده از تجربه‌های دیگران

برخی انسان‌ها با زیرکی و حسابگری ویژه خود، از تجربه‌های دیگران بهره می‌برند. بسیار اتفاق می‌افتد که افراد در کوتاه‌ترین زمان ممکن به کمک تجربه‌های دیگران به مسائل جدیدی دست می‌یابند، در حالی که اگر به خود متکی بودند، برای رسیدن به آن، باید زمان زیاد و هزینه‌های هنگفت صرف می‌کردند. بنابراین، انسان می‌تواند با استفاده از تجربه‌های ارزنده دیگران که حاصل سال‌ها رنج و تلاش آنان است:

الف) کاستی‌های تجربه گذشتگان را برطرف کند.

ب) به تجربه‌های تازه و غیرمنتظره‌ای دست یابد.

انسان می‌تواند از اندوخته‌های جمعی دیگران، بیشترین بهره را ببرد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

... لَا حَكِيمَ إِلَّا دُوَّ تَجْرِبَةٍ. (۲)

... آن کس که تجربه نیاندوزد، خردمند نیست.

استقامت

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۱۲۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۴۹۱.

ص: ۱۹

برخی افراد با اراده نیرومند، کارها را آغاز می‌کنند، ولی پس از رخ دادن کوچک‌ترین مشکل، از آن دست می‌کشند. باید دانست هیچ مشکلی در برابر نیروی شگرف انسان، تاب ایستادگی ندارد و با مقاومت و پایداری می‌توان ضربه‌های نهایی را به عوامل سست کننده اراده وارد کرد. بکوشیم روح استقامت در برابر حوادث و پیشامدها را در وجودمان زنده نگه داریم و با بردباری بر مشکلات چیره گردیم.

اساساً هر انسانی در زندگی با مسائل تلخ و شیرین و فراز و فرودهای گوناگونی روبه‌رو خواهد شد. آدمی هرگاه در سختی‌ها قرار می‌گیرد، نباید ناامید و ناتوان باشد، بلکه باید با توکل به خداوند منان و بردباری، راه موفقیت را بییابد. به طور کلی، کسی که تاب تحمل مشکلات را ندارد و خود را می‌بازد، ظرفیت وجودی متناسب ندارد و مانند بیدی است که با هر بادی می‌لرزد. در مقابل، کسانی که با ایمان و بردبار هستند، در فراز و نشیب زندگی به کوهی استوار می‌مانند که حتی به برادران دینی خود نیز قوت قلب می‌دهند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

اِسْتَقِیْمُوا وَ نِعْمًا اِنْ اِسْتَقَمْتُمْ. (۱)

استقامت کنید و چه خوب است که استوار باشید.

اظهار خوشحالی از گناه

برخی پس از انجام دادن گناه، از کار خود شرم‌منده و پشیمان می‌گردند و همین پشیمانی سبب می‌شود که به خدا روی آورند و دیگر به گناه آلوده نشوند. آنان

ص: ۲۰

می‌کوشند تا دیگران هرگز از کارشان باخبر نشوند. در مقابل، عده‌ای دیگر چنان پرده حیا را دریده‌اند که بدون هیچ نگرانی، دیگران را از کار زشت خود آگاه و حتی از آن، احساس خوشحالی می‌کنند. بی‌تردید، این افراد که در ردیف بدترین انسان‌ها قرار می‌گیرند و در برابر آیین انسان‌ساز اسلام که به پرده‌پوشی گناه دستور داده است، ایستاده‌اند، به عقوبتی دردناک دچار می‌شوند. پیامبر گرامی اسلام در هشدارآموزنده می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ وَهُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ يَبْكِي (۱)

هر که گناه کند و خندان باشد، در حالی که گریان است، وارد آتش می‌شود.

اظهار کردن حق

بسیاری از انسان‌ها با اینکه حق را تشخیص می‌دهند، ولی از بیان صریح و آشکار آن خودداری می‌کنند. این گریز از ادای حق و حقیقت، دلایل گوناگونی دارد. گاهی برای تزییع حقوق دیگران است. زمانی، به خاطر رنجشی است که از طرف مقابل دارند و می‌خواهند بدین وسیله، او را ناراحت کنند و مایه آرامش خود را فراهم آورند. گاهی هم ممکن است با اینکه در قلب، تمایل خاصی به ادای حق دارند، ولی ابهت و قدرت زورمندان، آنان را از بیان واقعیت باز می‌دارد. این در حالی است که بر اساس آموزه‌های آزادی‌بخش اسلام، هر انسان مسلمان و آزاده‌ای وظیفه دارد به کمک مظلوم بشتابد. رسول آزادمردان جهان می‌فرماید:

لَا تَمْنَعَنَّ أَحَدَكُمْ مَهَابَةَ النَّاسِ أَنْ يَقُومَ بِالْحَقِّ إِذَا عَلِمَهُ. (۲)

مبادا ابهت مردم، شما را از اقامه حق باز دارد.

اظهار نکردن فقر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۵۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۴۸۸.

ص: ۲۱

بیشتر مردم بر اساس ظواهر قضاوت می‌کنند؛ یعنی به محض اینکه دریافتند کسی از نظر مالی، وضعیت خوبی ندارد، به تصور اینکه مبادا روزی از او توقع و انتظاری داشته باشد، از وی کناره می‌گیرند. در این حالت، برای شخص فقیر هم پای دیگران احترام قائل نمی‌شوند و حتی حاضر نیستند به سخنان منطقی و با ارزش او به اندازه سخنان پوچ و بی‌ارزش افراد توانگر گوش فرادهند. با وجود این، شایسته است انسان، با عزت نفس و خویشن‌داری، فقر و نداری خود را نزد هر کس و ناکس اظهار نکند تا شخصیت او تخریب نشود.

البته در شرایط اضطراری، انسان باید نیازمندی‌های خود را به دیگران بگوید تا بر اساس دستورهای انسان‌دوستانه اسلام، نیاز او برطرف شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ آبرو و خویشن‌داری می‌فرماید:

مَنْ تَفَاقَرَ افْتَقَرَ. (۱)

هر کس خود را فقیر نشان دهد، فقیر خواهد شد.

اعتدال و میانه‌روی

خوش‌بینی و بدبینی بیش از اندازه ممکن است زیان‌های جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد. بدبینی بیش از اندازه می‌تواند بنای مستحکم خانواده را در هم بکوبد. ساده‌اندیشان بسیاری نیز بوده‌اند که با خوش‌بینی بیش از اندازه و اعتماد نابجا، زمینه‌ساز فساد و تباهی فرزندان‌شان شده‌اند. بنابراین، انسان باید همواره جانب اعتدال و احتیاط را پیش گیرد تا به پشیمانی دچار نگردد.

اعتدال در همه موارد به ویژه وضعیت اقتصادی و معیشتی، توان‌مندی انسان

ص: ۲۲

را افزایش می‌دهد و او را در برابر بحران‌ها بیمه می‌کند. پیامبر رحمت می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ. (۱)

ای مردم! میانه‌روی را پیشه خود سازید.

امیدواری به رحمت خداوند

در هیچ حال، نباید از بخشش خداوند بزرگ ناامید شد. ممکن است گناه فرد، بسیار بزرگ باشد، ولی هرگز نمی‌توان از رحمت پروردگار بزرگ و بخشنده قطع امید کرد. گناه هر قدر بزرگ باشد، هرگز از رحمت بی‌پایان الهی بزرگ‌تر نیست. از این رو، ناامیدی از رحمت خداوند، گناهی بزرگ شمرده شده است.

پس انسان مسلمان باید در خوف و رجا باشد. از یک سو، به آمرزش الهی امیدوار باشد و از سوی دیگر، از گناه خود بترسد و به توبه و استغفار روی آورد. باشد که درهای رحمت حضرت حق بر وی گشوده شود و مورد آمرزش قرار گیرد. پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید:

أَلْفَاجِرُ الرَّاجِي لِرَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى أَقْرَبُ مِنْهَا مِنَ الْعَابِدِ الْمُقْنِطِ. (۲)

بدکاری که به رحمت خدا امید دارد، از عابد ناامید، به خدا نزدیک‌تر است.

ب

بازتاب رفتار

حج گزاردن، صدقه دادن و پیوند با خویشاوندان از جمله کارهایی هستند که پاداش فراوانی در دنیا و آخرت به همراه دارند، ولی بعضی از انسان‌ها فکر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۱۱.

۲- ۲. همان، ش ۲۰۶۲.

ص: ۲۳

می‌کنند که پاداش مالی و توسعه اقتصادی از وعده‌هایی است که باید برایشان کاملاً محسوس باشد. از این رو، وقتی زندگی آنان به شکل محسوسی تغییر نمی‌کند، دچار سردرگمی می‌شوند. غافل از اینکه پاداش دنیوی، تنها به امور اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه شامل هرگونه گشایش در کارهاست.

هر چند در موارد فراوانی، توسعه مالی هم در زندگی محسوس است و اگر هم چنین نیست، بی‌شک به خاطر مصلحتی یا نبودن شرایط لازم برای دریافت است. در مجموع، این توصیه‌ها، حقایقی حتمی و تردیدناپذیر است که باید آن را پذیرفت. کم و بیش دیده یا شنیده‌ایم که این سه عمل افزون بر سازندگی، چه نتایج درخشانی برای انسان در پی داشته‌اند و دقیقاً در فقرزدایی، دفع بلا و درازی عمر مؤثرند.

پیامبر اسلام در صدقه و احسان، زبانزد خاص و عام بود و حتی از اقوامی که پیوند خود را با ایشان می‌بریدند، ارتباط برقرار می‌ساخت. ایشان به دیگران نیز می‌فرمود که پروا پیشه کنید و با خویشان ارتباط داشته باشید که بوی بهشت از فاصله هزار سال راه استشمام می‌شود، ولی کسی که پیوند خویشی بگسلد، آن را استشمام نمی‌کند. ایشان در سخنی زیبا می‌فرماید:

ثَلَاثٌ ثَوَابُهُنَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ: الْحَجُّ يُفْنِي الْفَقْرَ وَالصَّدَقَةُ تَدْفَعُ الْبَلِيَّةَ وَصَلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ. (۱)

سه چیز است که ثواب آنها در دنیا و آخرت پایدار می‌ماند: حج، فقر را نابود می‌سازد؛ صدقه، بلا و گرفتاری را برطرف می‌سازد و صله رحم، عمر را طولانی می‌کند.

بازخواست مؤدبانہ

ص: ۲۴

ممکن است شما از کسی طلب کار باشید. در این حال، اگر به تندی و تحکم با او برخورد کنید، با واکنش منفی او روبه‌رو خواهید شد و چه بسا، کار به دعوا و برخوردهای فیزیکی بیانجامد. در پایان نیز پی‌آمدهای مخرب روحی این کار، شما را آزار خواهد داد. ولی اگر با احترام و محبت، با وی روبه‌رو شوید، او نیز به اندازه توان، در پرداخت حقوق خود خواهد کوشید. در این صورت، کدورت و دشمنی رخ نمی‌دهد، بلکه روابط صمیمانه‌تری برقرار می‌شود و چه بسا اگر روزی، شما به او احتیاج پیدا کنید، وی از هیچ کمکی، دریغ نخواهد کرد. بنابراین، شتاب و تندی نکردن در بازخواست دین‌ها، می‌تواند کارساز باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

... فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمَلُوا فِي الطَّلَبِ. (۱)

... از خدا بترسید و در طلب کردن با ملایمت رفتار کنید.

بازگشت

به جز معصومین علیهم السلام، هیچ کس از گناه ایمن نیست. افراد عادی کم و بیش بر اثر غفلت و ناآگاهی گناه می‌کنند و از یاد می‌برند که عالم محضر خداست و آدمی نباید در حضور خداوند، چنین جسارتی کند. با این حال، چه بسیارند کسانی که توفیق زبانی شامل حالشان می‌شود و از کرده خود پشیمان و به پاک‌سازی دل مشغول می‌شوند. آنان در تلاشند با دلی پاک و روانی آرام از جهان خاکی به سوی ملکوت اعلا پر بگشایند. اینان آن گاه که بر اثر

ص: ۲۵

وسوسه‌های شیطانی، دامن خود را به گناه می‌آیند، از خدا استغفار می‌جویند و رنج توبه را بر خود هموار می‌سازند. این حالت، اعتقاد راسخ آنان به معاد و جهان آخرت را نشان می‌دهد. وقتی انسان در برابر دیدگان همیشه بیدار خداوند، گناه کرد و فقط او از آن آگاه شد، سپس احساس شرمندگی به او دست داد و با رنج عبادت و اشک دیدگان، در صدد جبران لغزش‌ها برآمد، خداوند نیز او را شامل رحمت خود می‌کند و از او درمی‌گذرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به توبه و بازگشت می‌فرماید:

طُوبَى لِمَنْ نَظَرَ اللَّهَ إِلَيْهَا تَبْكِي عَلَى ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَى ذَلِكَ الذَّنْبِ أَحَدٌ غَيْرُ اللَّهِ. (۱)

چه خوش است صورتی که خداوند به آن نظر افکند و بر گناهی که کسی جز خداوند از آن آگاه نیست، گریه می‌کند.

بازی و تفریح

بعضی‌ها گمان می‌کنند که انسان‌های مذهبی اجازه ندارند به تفریح و سرگرمی پردازند. از این رو، اگر افراد مذهبی را در حال بازی و تفریح ببینند، شکفت زده می‌شوند. در حالی که مذهب نه تنها مخالف این گونه رفتارها نیست، بلکه در پاره‌ای روایت‌ها، پیروان خود را به این امر تشویق می‌کند؛ زیرا تفریح و بازی‌های مفید بر سلامتی و نیرومندی انسان‌ها می‌افزاید. البته نوع بازی، بسیار اهمیت دارد و باید با شئون اسلامی سازگار باشد. بازی باید با

ص: ۲۶

شرایط زمانی، مکانی، سن و شخصیت افراد متناسب باشد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:
 اللَّهُوَ وَالْعَبْوَا فَاَنَّىٰ اُكْرَهُ اَنْ يُرَىٰ فِی دِیْنِكُمْ غَلْظَةً. (۱)
 تفریح و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم در دین شما، خشونتی دیده شود.

بدترین فقر

نادانی، بیماری درمان ناپذیری است. نادان از هر خیر و نیکی بی‌بهره است، استقلال فکری ندارد و مانند بید، با هر بادی به سویی می‌چرخد. همیشه چشم به دیگران دوخته است تا برای او تصمیم بگیرند و در این میان نمی‌داند که مسیر هدایت را می‌پیماید یا راه گمراهی را؛ زیرا این موضوع را راهنمایی نادان مشخص می‌کند. اگر انسانی عاقل و باتدبیر راهنمای او شود، مسیر نور و روشنائی نصیب او می‌گردد. در غیر این صورت، از گمراهان خواهد بود.
 داوری‌های نادان، غلط؛ اظهار نظرهای او، نادرست؛ گفتارش، متناقض و کردارش، نامبارک است.
 چنین انسانی تا مرز سعادت و نیک‌بختی بسیار فاصله دارد. اگر به سوی بصیرت و دانایی نرود، در دنیا و آخرت چون کوران، خواهد زیست. پیامبر اسلام درباره فقر فرهنگی این افراد می‌فرماید:
 يَا عَلِيُّ! اِنَّهُ لَا فَقْرًا اَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. (۲)
 ای علی! همانا فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

بدگویی در غیاب افراد

۱- ۱ نهج الفصاحه، ش ۵۳۱.

۲- ۲ تحف العقول، ص ۶.

ص: ۲۷

بدگویی و غیبت از عادت‌های بسیار ناپسند است. شخص بدگو و غیبت‌کننده، در غیاب دیگران درباره آنان سخنانی می‌گوید که ایشان را ناراحت می‌کند. از این رو، همواره از آشکار شدن سخن خود، در رنج و هراس به سر می‌برد تا مبادا چهره منافقانه‌اش پدیدار شود. این ناپسندترین برخورد با دوستان است که در غیاب آنان، اسرارشان را هویدا کنیم یا به بدگویی از ایشان پردازیم. آیا بهتر نیست که انسان، مراقب کردار خود باشد و به دیگران احترام گذارد تا خود نیز محترم باشد. پیامبر گرامی اسلام درباره حفظ زبان می‌فرماید:

مَا كَرِهَتْ أَنْ تُوَجَّهَ بِهِ إِحْكَاءُ فَهْوَ غَيْبَتُهُ. (۱)

هر چیزی را که دوست نداری روبه‌روی برادر خویش اظهار کنی، غیبت است.

بدهکاری در اثر قرض‌های نابجا

انسان گاهی در زندگی خود به کمک مالی دیگران نیاز پیدا می‌کند. پس باید نیازهای اساسی خود را از راه «قرض الحسنه» که یک سنت اصیل اسلامی است، برآورده کند. با این حال، متأسفانه بعضی افراد در بسیاری از مسائل جزئی، به سوی این و آن دست نیاز دراز می‌کنند و در جاهایی که ضرورت چندانی ندارد، خود را مدیون و بدهکار می‌سازند. آدمی باید خویشتن‌دار باشد و بکوشد مقروض دیگران نشود؛ زیرا ممکن است شخصیت والای

ص: ۲۸

انسانی او به دلیل تأخیر در بازپرداخت بدهی خدشه‌دار شود. پیامبر بزرگوار و عزیز اسلام می‌فرماید:

اَيَاكُمْ وَالدِّينَ فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ مَذَلَّةٌ بِالنَّهَارِ. (۱)

از قرض کردن بپرهیزید؛ زیرا غم شب و ذلت روز است.

برادران الهی

تنها دوستانی ارزشمندند که انسان را در مسیر صحیح هدایت کنند و از گرداب‌های انحراف، نجات بخشند. چنین دوستانی، حافظ دین و ایمان انسان هستند و او را در گرفتاری‌های زندگی یاری خواهند کرد. باید بکوشیم با افرادی که از کردار و گفتارشان، عطر الهی برمی‌خیزد، طرح دوستی بریزیم.

افزون بر آن، خود نیز باید به اخلاق الهی آراسته باشیم تا در شمار کسانی درآئیم که پیامبر رحمت و مدارا، آنان را می‌ستاید. ایشان می‌فرماید:

خِيَارُكُمْ مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَيْتُهُ وَ زَادَ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَ رَغَبَكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ. (۲)

بهترین شما آن کس است که دیدار او، خدا را به یاد شما آورد و سخنانش، بر دانش شما بیافزاید و رفتارش، شما را به آخرت، مشتاق سازد.

برخورد جوان مردانه با محرومان

بسیاری از مردم با آنکه خود، بهترین غذاها را مصرف می‌کنند، ولی هنگامی که می‌خواهند به فقیران غذا بدهند، غذایی می‌دهند که خودشان هیچ تمایلی

۱-۱. نهج الفصاحه، ش ۹۹۰.

۲-۲. همان، ش ۱۴۷۸.

ص: ۲۹

برای خوردن آن ندارند. این کار دور از جوان‌مردی است؛ زیرا مروت اقتضا می‌کند انسان همان چیزی را برای دیگران بپسندد که برای خود می‌پسندد.

بر اساس دستور قرآن مجید و سیره ائمه معصومین علیهم السلام، شایسته است انسان از بهترین داشته‌های خود، به فقیران ببخشد و نباید با دادن چیزهای پست و بی‌ارزش، طبع انسانی آنان را خوار بشمارد؛ زیرا پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لَا تُطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. (۱)

از آنچه خودتان نمی‌خورید، به مسکینان ندهید.

برخورد مناسب با زیردستان

انسان نباید با زیردستان، برخورد متکبرانه و غیرانسانی داشته باشد. وظیفه اخلاقی ایجاب می‌کند که با دیگران به لطف و مهر سخن گوئیم و به شکرانه موقعیتی که خداوند در اختیارمان نهاده است، متواضع باشیم. چه بسا ممکن است زیردستان، از توانایی‌ها و کمال اخلاقی برخوردار باشند که نزد خدا و خلق بسیار باارزش‌تر است. انسان‌ها را نباید فقط با عینک جاه و مقام و موقعیت‌ها سنجید؛ زیرا میزان قضاوت درباره دیگران، اخلاق و رفتار و منش آنان است. براین اساس، پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

أَيُّمَا رَاعٍ لَمْ يَرْحَمْ رَعِيَّتَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ. (۲)

هر مسئولی که به زیردست خود رحم نکند، خدا، بهشت را بر او حرام می‌کند.

بصیرت به خود

۱- همان، ش ۲۴۶۵.

۲- همان، ش ۱۰۲۸.

ص: ۳۰

بعضی افراد با تعریف‌های بی‌جای دیگران، احساس غرور می‌کنند و می‌پندارند به راستی آدم‌های خوبی هستند که مورد توجه دیگران قرار گرفته‌اند. در نتیجه، خود را برتر می‌بینند. برعکس، اگر مورد سرزنش و بدگویی دیگران قرار بگیرند، در روحیه آنان، اثر بسیار بدی می‌گذارد و خواب و خوراک را از آنان سلب می‌کند و گمان می‌کنند که انسان‌های بد، کوچک و بی‌ارزش هستند. این دو، هیچ یک خود را با واقعیت تطبیق نداده‌اند. حقیقت آن است که هر انسانی در درون خویش بهتر می‌داند که چگونه آدمی است و چه خصلت‌های خوب و بدی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای ارزشمند می‌فرماید:

إِسْتَفْتِ نَفْسَكَ وَإِنْ أَفْتَاكَ الْمُفْتُونَ. (۱)

(نیکی و بدی) را از خودت بپرس؛ دیگران هر چه می‌خواهند، بگویند.

بهترین کردار

ترک محرمات و انجام واجبات، راه دست‌یابی به کمال و اطاعت از ذات الهی است. در کنار این اعمال عبادی و دوری از گناهان، آدمی باید قناعت پیشه کند و به روزی تقسیم شده الهی راضی باشد. حرص و طمع از موانع کمال آدمی هستند و انسان کمال‌جو، در دام آنها اسیر نمی‌شود. مگر نه این است که خداوند پیش از تولد کودک، روزی او را از پیش مهیا ساخته است و در اعماق دریاها و اوج آسمان‌ها هیچ جنبنده‌ای را بی‌غذا رها نمی‌سازد. پس چگونه

ص: ۳۱

انسان مؤمن در غم روزی فرو می‌رود و به هزاران ترفند دست می‌زند تا نصیب و بهره‌ای بیشتر عایدش شود. چگونه خاطر آسوده نداریم و در آرامش نباشیم وقتی که آفریننده‌ای مهربان، ناظر بر احوال بندگان است؟ آیا بهتر نیست که برای دست‌یابی به زندگی زودگذر، زیر بار منت و تملق نرویم و در هر حال، عزت و کرامت خویش را حفظ کنیم. به راستی که آزادگان از جیفه دنیا و از بند تعلق آزادند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَحَبُّ الْعَمَلِ إِلَى اللَّهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَنْ آتَى اللَّهَ بِمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ فَهُوَ مِنْ عِبْدِ النَّاسِ وَمَنْ وَرَعَ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ فَهُوَ مِنْ أَوْلِيَاءِ النَّاسِ وَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ مِنْ أَعْنَى النَّاسِ. (۱)

بهترین کارها نزد خدا، سه کار است: انجام دادن واجبات و کسی که واجبات خود را به جا بیاورد، از عابدترین مردم است؛ دوری از گناهان و هر کس از محرمات اجتناب کند، از پارساترین مردم است؛ قناعت به داده خدا و شخصی که به روزی خدا قانع باشد، از بی‌نیازترین مردم است.

بی‌احترامی به والدین

پدر و مادر حق بزرگی بر انسان دارند؛ زیرا حیات و هستی انسان‌ها، مرهون وجود والدین است و خدمات شبانه‌روزی فرزندان نمی‌تواند ذره‌ای از تلاش خالصانه و بی‌دریغ آنان را پاسخ‌گو باشد. چه بسیار ناپسند است اگر انسانی که توان کوچک‌ترین حرکتی را نداشت و با مراقبت و نگره‌داری والدین، به دوران شکوفایی و جوانی رسیده است، با ناسپاسی و نمک‌شناسی

ص: ۳۲

به والدین ناسزا بگویند و مایه رنجش خاطر آنان گردد. ادب و انسانیت اقتضا می‌کند که دست کم اگر نمی‌توانیم تلاش‌های طاقت‌فرسای آنان را ارج بنهیم، با آزار دادن و بی‌حرمتی به والدین، خود را گرفتار عذاب و نفرین الهی نسازیم. پیامبر رحمت در کلامی گران‌سنگ می‌فرماید:

مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أَبَاهُ مَلْعُونٌ مَنْ سَبَّ أُمَّهُ. (۱)

کسی که به پدر و مادرش ناسزا گویند، ملعون است.

بی‌نیازی و توانگری

متأسفانه می‌بینیم گاهی افراد ثروتمند به بی‌بند و باری روی می‌آورند و ثروت‌های خدادادی را در مسیر نادرست به کار می‌گیرند. این در حالی است که می‌توان داده‌های خدا را در راه خدایی مصرف کرد که اگر چنین شود، خشنودی خالق و مخلوق را به همراه دارد.

چه بسیار انسان‌هایی که زیر این آسمان کبود حاتم‌وار زیستند و نام نیک‌دنیایی برای خویش به یادگار گذاشتند و پاداش بی‌پایان الهی را در عالم برزخ و دنیای جاویدان ذخیره کردند. آری، می‌توان ثروت فناپذیر دنیا را ارزشمند و جاودانه کرد، به شرطی که بر اساس آموزه‌های دینی از آن بهره‌برداری شود.

رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى (۲)

بی‌نیازی و توانگری، برای پرهیزگاری، خوب یاوری است.

پ

پاسداری در راه خدا

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۷۴۴.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۴۹.

ص: ۳۳

بی‌تردید، کسانی که در شب‌های سرد زمستان و گرمای طاقت‌فرسای تابستان، برای حفاظت از مال و جان و ناموس دیگران، هرگونه خطری را به جان می‌خرند و لحظه‌ای از تلاش و کوشش باز نمی‌مانند، در پیش‌گاه خداوند از پاداش بزرگی برخوردارند. پاسداری در راه خدا در عین عبادت بودن، خدمت بزرگی به جامعه انسانی است. چه کسی می‌تواند خدمات صادقانه این عزیزان را که ماه‌ها از زن و فرزند و خانه و کاشانه خود دور می‌مانند، به هیچ بیانگارد؟ انصاف و جوان‌مردی ایجاب می‌کند که سپاس‌گزار این ایثارگران باشیم. پیامبر گرامی اسلام درباره ارزش عمل این عزیزان می‌فرماید:

عَيْنَانِ لَا يَمْسُهُمَا النَّارُ أَبَدًا عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ حَشْيَةِ اللَّهِ وَعَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (۱)

دو چشم است که هرگز آتش بدان نمی‌رسد؛ چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که شب را به حراست در راه خدا به سر برده است.

پاکیزگی

بهداشت تن و روان در سیره عملی پیشوایان اسلام، جایگاه بس ارجمندی داشته است. از این رو، روایت شده است که آنان با ظاهری آراسته و لباس‌هایی پاکیزه در بین مردم حاضر می‌شدند. باید دانست آراستگی ظاهری به معنای نو پوشیدن نیست، بلکه انسان با لباس‌های ساده، ولی تمیز و مرتب می‌تواند

ص: ۳۴

پاکیزگی را به بهترین شکل نمودار سازد. مردم از انسان‌های کثیف و بی‌نظافت همواره نفرت دارند و می‌کوشند از آنان فاصله بگیرند. پیامبر نیکو خصال می‌فرماید:

اَلْاِسْلَامُ نَظِيفٌ فَتَنْظِفُوا فَاِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ اِلَّا نَظِيفًا. (۱)

اسلام پاکیزه است، شما نیز پاکیزه باشید؛ زیرا جز پاکیزگان، کسی به بهشت نمی‌رود.

پرحرفی

انسان‌های پُرگو، مخزن سخنان پوچ و بی‌ارزشند. آنان برای اینکه رشته سخن را از دست ندهند، می‌کوشند بی‌اندیشه و ناسنجیده، مطالبی را بر زبان آورند.

بدین ترتیب، شنوندگان نه تنها به سخنان او توجه نمی‌کنند، بلکه با ناراحتی و تنفر، هر لحظه منتظرند که سخنان او پایان پذیرد تا دمی بیاسایند. از آن پس نیز سعی می‌کنند که از هم‌نشینی با او پرهیزند. بنابراین، انسان باید در سخن گفتن، اعتدال را رعایت کند تا به لغزش دچار نشود و دل‌زدگی دیگران را فراهم نسازد. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

مَنْ كَثَرَ كَلَامَهُ كَثُرَ سَقَطُهُ. (۲)

هر کس کلامش زیاد باشد، لغزشش نیز زیاد می‌شود.

همچنین می‌فرماید:

نِعْمَ الْهَدِيَّةُ الْكَلِمَةُ مِنْ كَلَامِ الْحَكْمَةِ. (۳)

چه نیکو هدیه‌ای است یک گفتار حکمت‌آموز.

پرخوری

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۰۵۵.

۲- ۲. همان، ش ۲۷۵۱.

۳- ۳. همان، ش ۳۱۳۲.

ص: ۳۵

بعضی افراد گمان می کنند هر چه بر سر سفره گذاشته اند، برای مصرف است و با تلاش و اصرار زیاد می خواهند آن را میل کنند. در حالی که این کار، سرآغاز بسیاری از بیماری ها و بر خلاف توصیه های ائمه معصومین علیهم السلام است. آن بزرگواران تأکید دارند پیش از سیری کامل و با وجود داشتن اشتها به غذا، از سر سفره برخیزید. بسیاری از اوقات، با اینکه پزشکان، افراد را از خوردن غذای بیش از حد منع می کنند، باز می بینیم که آنان نمی توانند از اشتهای کاذب خود جلوگیری کنند. در نتیجه، به بیماری های دیگری دچار می شوند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در بیان زیان های پرخوری می فرماید:

مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَدَنُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقُمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس کم بخورد، بدنش سالم می ماند و هر کس زیاد بخورد، بدنش بیمار و قلبش پر قساوت خواهد شد.

پرخوری و سخت دلی

کسانی که به پرخوری عادت دارند، از کارهای عبادی و وظایف معنوی خود باز می مانند؛ زیرا پرخوری، امکان هر گونه فعالیت را از آنان می گیرد. در این صورت، به تدریج در چنگال انواع بیماری های جسمی و روحی گرفتار می شوند و سلامتی خود را از دست می دهند. نبود سلامتی نیز قدرت اندیشیدن را از آنان می گیرد. افزون بر این، ممکن است بعضی افراد، برای سیر

ص: ۳۶

کردن خود، به هر حلال و حرامی پناه ببرند. بدین ترتیب باید منتظر عذاب الهی باشند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

مَنْ تَعَوَّدَ كَثْرَةَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ قَسَا قَلْبُهُ. (۱)

هر کس به پرخوری عادت کند، سخت دل می‌شود.

پرداخت بدهی برادران دینی

بر عهده گرفتن پرداخت بدهی بدهکاران، یکی از با ارزش‌ترین کارها است. بعضی افراد به دلایلی، به دیگران بدهکار شده‌اند و چون توان باز پرداخت آن را ندارند، اکنون در گوشه زندان‌ها به سر می‌برند و خانواده‌های آنان با مشکلات فراوانی دست به گریبانند. در چنین حالی، اگر کسی توان مالی دارد، باید پیش‌گام شود و با بر عهده گرفتن پرداخت بدهی بدهکار، او و خانواده‌اش را از پی آمدهای فقر و ناداری نجات دهد. این عمل که نشانه جوان‌مردی و آزادگی است و ارمغان‌رهایی با خود دارد، خداوند متعال را خشنود می‌سازد. پیامبر گرامی اسلام یکی از بهترین اعمال را نزد خداوند زدودن غصه و رنج بدهکاران دانسته است:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ ... أَوْ دَفَعَ عَنْهُ مَغْرَمًا أَوْ كَشَفَ عَنْهُ كُرْبًا. (۲)

بهترین کارها نزد خداوند این است که قرض مدیون را پرداخت کنند یا غم را از چهره او بزایند.

پرده‌پوشی

۱- ۱. نهج الفصاحة، ش ۲۷۷۶.

۲- ۲. همان، ش ۷۶.

ص: ۳۷

چون انسان معصوم نیست، ممکن است در طول زندگی مرتکب گناه یا اشتباهی شود که هر چند از نظر گاه الهی دور نمی ماند، ولی دوست ندارد اسرارش در بین مردم، آشکار و رسوای عام و خاص شود. بنابراین، اگر انسان از اعمال پنهانی کسی آگاه شود، اجازه ندارد آن را آشکار کند؛ زیرا سبب لکه دار شدن حیثیت و آبروی آن فرد می شود و چه بسا وی گستاخ تر شود و حتی آشکارا به کارهای بدتر دست یازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حفظ اسرار دیگران می فرماید:

لا تَخْرِقَنَّ عَلَيَّ سِتْرًا. (۱)

هرگز پرده اسرار دیگران را ندرید.

پرسش قیامت

یکی از نام های قیامت، «یوم الحساب» است. در این روز، انسان باید پاسخ گوی گفتار و رفتار خود باشد، هر چند خداوند از نمان و پنهان ما آگاه است. در این روز، از سرمایه عمر انسان می پرسند و از اینکه عمر گرانمایه را در چه راهی به کار گرفته است. از بهترین دوران عمر که می تواند بار و بنه فراوان برچیند (یعنی جوانی) می پرسند که چگونه از بهار عمر، بهره برداری کرده است. از مالش می پرسند که آن را از چه راهی به دست آورده و در چه طریقی مصرف کرده است. در پایان نیز می پرسند که آیا عشق و محبت

ص: ۳۸

اهل بیت علیهم السلام را در تار و پود وجود خود تنیده یا از آن فاصله گرفته و جاده گمراهی را پیموده است. به هر حال، سعادت و شقاوت هر کس در گرو پاسخی است که در چنته دارد. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

لَا تَزُولُ قَدَمًا قَدَمًا عَيْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيْمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيْمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيْمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (۱)

روز قیامت، هیچ بنده‌ای قدم از قدم بر نمی‌دارد تا اینکه چهار چیز از او پرسیده شود: از عمرش که در چه کاری آن را گذرانده است؛ از جوانی‌اش که در چه کاری آن را صرف کرده است؛ از مالش که آن را از کجا به دست آورده و در چه موردی خرج کرده است و از محبت ما اهل بیت.

پرسش‌گری

اساساً هر پرسشی که از اهل آن پرسیده شود، بر دانسته‌های آدمی افزایش و درجه‌ای هم نزد خالق هستی می‌یابد. اگر انسان رنج پرسیدن را بر خود هموار کند، در پرتو نور و روشنایی دانش، آرامش می‌یابد. پرسیدن، عیب نیست و چیزی از مقام و مرتبه او نمی‌کاهد، بلکه ندانستن، عیب است. آدمی هیچ‌گاه نباید به خاطر حیای نابجا، لذت دانستن را از دست بدهد. پس شایسته است در هر موقعیتی، پرسش‌های خود را با عالمان مطرح کنیم.

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۵۸؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵.

ص: ۳۹

پرسش می‌تواند منشأ علم و کمال شود و اسلام هم همگان را به پرسشگری فرا می‌خواند، ولی پرسش‌های نهفته در ذهن آدمی، کارگشا نیست. عیب‌های آدمی با پرسشگری رفع و با هر پرسشی، گنجینه دانش دانشمندان به سوی دیگران گشوده می‌شود و آنان شایسته برخورداری از پاداش معنوی می‌شوند. چه بسا افراد دیگری نیز همین پرسش را دارند که با پاسخ عالم، جان خویش را از جام دانش سرشار می‌سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

الْعِلْمُ خَزَائِنُ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ:

السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ. (۱)

دانش، گنجینه‌ها و پرسیدن کلیدهای آنها است. پس پرسید. خدا رحمت کند شما را؛ زیرا در این بین، چهار نفر پاداش می‌برند: پرسنده، پاسخ‌گو، شنونده و دوستدار آن.

پژگویی

برخی افراد چنان پرحرفند که عرصه را بر شنونده تنگ می‌کنند. در این حالت، شنونده در جست‌وجوی راهی است تا خود را از شرّ این گوینده پرحرف خلاص کند. این گونه افراد چون زیاد سخن می‌گویند، هر سخن پوچ و کم ارزشی را بر زبان می‌رانند و چه بسا دچار مکررگویی و دروغ‌گویی می‌شوند و بعدها ناگزیرند پاسخ‌گوی سخنان ناسنجیده خود باشند. بنابراین،

ص: ۴۰

شایسته است انسان، مختصر و مفید سخن بگوید و توجه داشته باشد که پر حرفی، از اعتبار او در جامعه می‌کاهد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این صفت ناپسند می‌فرماید:

شَرَّ أُمَّتِي الثَّرَاوُونَ. (۱)

پرگویان و پرچانه‌ها، بدهای امت من هستند.

پرورش روح نیکوکاری

فرزندان، هر خوب و بدی را ابتدا از اولین خاستگاه تربیتی؛ یعنی خانواده می‌آموزند. اگر والدین به آنچه می‌گویند، عمل کنند، او احساس می‌کند که در جمع افراد صادق و متعهد زیست می‌کند. از این رو، از همان دوران کودکی، روح گذشت و ایثار در فرزند تقویت می‌شود. پدر و مادر نیز از دیدن روحیه گذشت فرزندشان لذت خواهند برد؛ زیرا محصول رفتار پسندیده خودشان بوده است. اگر این عمل تکرار شود، به ملکه تبدیل خواهد شد و فرزند نیز این عمل را به فرزندانش خویش منتقل خواهد کرد. در نتیجه، در پایه‌گذاری این سنت پسندیده و اجر آن همگان شریک خواهند بود. پیامبر مهربان اسلام چنین سفارش فرموده است:

رَحِمَ اللَّهُ وَالِدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ. (۲)

خدا رحمت کند پدری را که فرزندش را در راه نیکوکاری یاری دهد.

پرهیز از دخالت نابجا

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۸۰۴.

۲- ۲. همان، ش ۱۶۶۰.

ص: ۴۱

یکی از صفات ناپسند این است که انسان درباره موضوعی اظهار نظر کند که به او مربوط نیست. این امر ممکن است برای فرد، خانواده و جامعه، زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد. ممکن است انسان به دلیل کم‌تجربه بودن یا به هر دلیل دیگری، در کاری که به او مربوط نیست، دخالت کند و در نتیجه، قدر و منزلت خود را از دست بدهد. بر این اساس، پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَغْنِيهِ. (۱)

عالی‌قدرترین مردم کسی است که در آنچه به او مربوط نیست، دخالت نکند.

پرهیز از سخت‌گیری

سخت‌گیری بر دیگران، نه تنها بر احترام و ارزش انسان نمی‌افزاید، بلکه روز به روز از محبوبیت او نیز می‌کاهد. به طور کلی، سخت‌گیری، روش و منش کسانی است که از وجدان انسانی پیروی نمی‌کنند و به دیگران به دیده تحقیر می‌نگرند. فرد سخت‌گیر، به بیماری خودکم‌بینی دچار است و اینک که روزگار، وی را به ظاهر بر دیگران مسلط کرده است، می‌کوشد عقده‌های پیشین را فرافکنی کند. پیامبر رحمت و شفقت در توصیه به مهربانی می‌فرماید:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا، عَلَى كُلِّ هَيِّنٍ لَيْنٍ قَرِيبٍ سَهْلٍ. (۲)

آیا می‌خواهید شما را خبر دهم که فردا آتش بر چه کسی حرام است؛ هر کس که ملایم، نرم‌خو، زودجوش و آسان‌گیر باشد.

پرهیز از نجوا

۱- همان، ش ۳۵۵.

۲- همان، ش ۴۵۹.

ص: ۴۲

اگر خواستید سخنی خصوصی را به کسی بگویید، سعی کنید گفت و گوی تان در حضور دیگران، نجواگونه نباشد؛ زیرا در این حالت، اطرافیان می‌پندارند درباره آنان صحبت می‌کنید یا اینکه شما، آنان را غریبه فرض کرده و سخن تان را با ایشان در میان گذاشته‌اید. در نتیجه، بدگمانی پدید می‌آید و رشته محبت و دوستی از هم گسیخته خواهد شد. شایسته است از گفت و گوهای خصوصی در حضور دیگران بپرهیزیم تا زیان‌های روحی به دیگران وارد نیاید. پیامبر گرامی اسلام نیز در هشدار می‌فرماید:

اِذَا كَانُوا ثَلَاثَةً فَلَا يَتَنَجَّى إِيَّانَ دُونَ الثَّلَاثِ. (۱)

وقتی سه تن با هم هستند، دو نفرشان جدا از سومی نجوا نکنند.

پشتکار

بعضی افراد با اینکه هوش و استعداد کافی دارند و زمینه‌های رشد و تعالی نیز برای آنان فراهم است، ولی پیشرفت چندانی ندارند. این ناکامی بیشتر به دلیل نداشتن همت و پشتکار کافی است. در مقابل، افراد بی‌استعدادی را می‌بینیم که با پشتکار و تلاش و پی‌گیری همه جانبه به بهترین موفقیت‌ها دست می‌یابند. باری، آدمی با پشتکار می‌تواند بسیاری از ضعف‌ها و ناتوانی‌های خود را جبران کند و به پیروزی‌های عالی دست یابد. رسول الله صلی الله علیه و آله در تشویق به پی‌گیری و تلاش می‌فرماید:

مَنْ يَدْمُ قَرْعِ الْبَابِ يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لَهُ. (۲)

هر کس به کوفتن در ادامه دهد، در را به سوی او بگشایند.

پناهگاه نیازمندان

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۳۵.

۲- ۲. همان، ش ۳۰۶۵.

ص: ۴۳

بعضی از انسان‌ها نزد مردم جایگاهی بس ارزشمند دارند و مردم در رفع مشکلاتشان به سوی آنان می‌شتابند. این توفیقی ربّانی است که شامل حالشان شده است تا گشایشگر گره‌های کور زندگی دیگران باشند. زمانی که به این اشخاص مراجعه می‌کنیم، با نهایت احترام و عزّت با دیگران برخورد می‌کنند، به گونه‌ای که فرد احساس حقارت نمی‌کند، بلکه آنان را چون برادرانی مهربان می‌بیند. این بزرگواران، بی‌اعتنا از کنار مشکلات دیگران نمی‌گذرند، بلکه خود به سویشان می‌شتابند و رنج سؤال را از دوش آنان برمی‌دارند. آنان از کمک به دیگران شادمانند و رفع خواسته‌های دیگران را تحفه‌ای رحمانی می‌شمارند. چه سعادت‌ی از این بهتر که آدمی، پناه‌گاهی برای دیگران باشد؛ تکیه‌گاهی مطمئن که خود به پناه‌گاهی قدرتمند پیوسته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره چنین انسان‌هایی می‌فرماید:

أَنَّ لِلَّهِ عِبَادًا يَفْرُغُ إِلَيْهِمُ النَّاسُ فِي حَوَائِجِهِمْ، أَوْلِيكَ هُمُ الْأَمْثُونَ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

خداوند بندگانی دارد که مردم در نیازمندی‌ها و مشکلاتشان به آنان مراجعه می‌کنند و پناه می‌برند. آنان در روز قیامت از عذاب خدا ایمن هستند.

پندآموزی از درگذشتگان

رفتن به گورستان و اندیشیدن درباره فرجام کار، انسان را متوجه سرنوشت آینده خود می‌کند و با اندکی تأمل، پی می‌برد که دوران خوشی‌ها و ناخوشی‌ها به سرعت ابر و باد در گذر است. باری، آنچه انسان را به سعادت و

ص: ۴۴

سربلندی می‌رساند، رفتار نیک اوست. پس نیکوست که از گذر ایام و سرگذشت مسافرانی که به سرای آخرت شتافته‌اند، عبرت گیریم و خود را برای این سفر خطیر آماده کنیم. پیامبر بزرگوار اسلام درباره اهمیت پندآموزی از درگذشتگان می‌فرماید:

أَطْلِعْ فِي الْقُبُورِ وَ اَعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ. (۱)

در قبرها بنگر و از روز رستاخیر پند بگیر.

پند و اندرز

هیچ کس نباید خود را از نصیحت بی‌نیاز بداند. چه بسا بزرگانی که به دلیل بی‌توجهی، دچار لغزش می‌شوند، به راهنمایی نیاز دارند. در حکومت اسلامی، مسئولان ارشد و عالی رتبه نیز باید خود را از اشتباه مصون ندانند و در همه حال، پذیرای راهنمایی اهل منطق باشند. همچنین اگر مردم، سیاست‌مداران یا حاکمان خود را در لغزش و اشتباه ببینند، باید به نصیحت آنان پردازند. بنابراین، همگان وظیفه دارند تا با نصیحت یکدیگر، راه از چاه باز شناسند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

اِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ لِأَخِيهِ نُصْحًا فِي نَفْسِهِ فَلْيَذْكُرْهُ لَهُ. (۲)

اگر کسی برای برادر خود نصیحتی در خاطر می‌یابد، باید به او بگوید.

پیشرفت معنوی

امروزه مردم به جمع آوری مال و حتی یک‌دست کردن وسایل زندگی اهمیت فراوانی می‌دهند و اگر وسیله‌ای را کم ببینند، با گذشتن از وقت ارزشمند و

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۳۳۰.

۲- ۲. همان، ش ۲۴۵.

ص: ۴۵

مال خود می‌کوشند آن را به دست آورند. این همه تلاش برای امری زودگذر و فناپذیر که باید نیروی آن را برای دیگران واگذارند، آیا خردمندانه است؟

ای کاش همان قدر که به امور دنیوی اهمیت می‌دهیم، در اندیشه اصلاح کاستی‌های روحی و معنوی خود بودیم. انسان کامل کسی است که دو روزش مثل هم نباشد. اگر صداقت، سپاس‌گزاری، حیا و گشاده‌رویی‌اش کم رنگ است، باید آنها را با جدیت و کوشش پررنگ کند و همان شود که خدا و رسولش انتظار دارند. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

ارْبَعٌ مَنْ يَكُنْ فِيهِ كَمَلٌ اِسْلَامُهُ: الصَّدْقُ وَ الشُّكْرُ وَ الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ. (۱)

چهار صفت هستند که اگر در کسی باشند، اسلام آن شخص کامل است:
راست‌گویی، سپاس‌گزاری، حیا و خوش‌رویی.

پیمان ازدواج

با ازدواج، پیوندی صمیمی و ناگسستنی میان زن و مرد پدید می‌آید و هر دو زوج عهد می‌بندند که در سختی‌ها و آسانی‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، یاور یکدیگر باشند. هیچ یک از طرفین، نباید این پیمان مقدس را نادیده بگیرند و با رخ دادن کمترین مشکلی، از جدایی سخن بگویند. هم‌دلی زن و شوهر، ضامن یک عمر سعادت و دل‌خوشی خانوادگی است. این گونه است که می‌توان ضریب دوام آن را افزایش داد. باید با ثبت و ضبط این پیوند، از هر گونه سوء استفاده و بی‌مسئولیتی پیش‌گیری کرد. تثبیت ازدواج، تعهد

ص: ۴۶

زوجین را افزایش و احتمال گسست آن را کاهش می‌دهد. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تثبیت ازدواج می‌فرماید:

أَشِيدُوا النِّكَاحَ وَاعْلُنُوهُ. (۱)
نکاح را محکم و آشکار کنید.

ت

تأخیر در انجام کار

یکی از ویژگی‌های انسان‌های سست اراده این است که با وجود آگاهی از ارزش فرصت‌های زمانی، انجام کارها را به فردا حواله می‌دهند و گاهی تا هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها از انجام آن خودداری می‌کنند. تأخیر در کار، هیچ توجیهی ندارد و در پایان نیز خود وی زیان می‌بیند؛ زیرا فرصت‌ها هیچ‌گاه تکرار نمی‌شود. گاهی هم کارها چنان انباشته می‌شود که به هیچ وجه نمی‌توان آنها را انجام داد. بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه‌ای نیکو می‌فرماید:

لَا تَدْعَنَّ حَقًّا لَعْدٍ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَافِيهِ. (۲)
کاری را برای فردا مگذار؛ زیرا هر روزی را کاری هست.

تأخیر در پرداخت بدهی

بعضی افراد با اینکه توان پرداخت بدهی خود را دارند، ولی در این کار درنگ می‌کنند. اینان چنان به این کار عادت کرده‌اند که با پرداخت به موقع قرض،

۱- ۱ نهج الفصاحه، ش ۳۱۳.

۲- ۲ همان، ش ۲۴۳۳.

ص: ۴۷

احساس کمبود به آنان دست می‌دهد و فکر می‌کنند حقی از آنان ضایع شده است. این افراد همان قدر که در پرداخت بدهی، تعلل می‌ورزند، در گرفتن مطالبات خود شتاب دارند و با بدهکاران به شدت برخورد می‌کنند و تأخیر آنان را بر نمی‌تابند. اینان با چنین رفتاری، اعتبار خود را از دست خواهند داد و در موارد نیاز، دیگر کسی به آنان اعتماد نخواهد کرد. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در نکوهش چنین اخلاق ناپسندی می‌فرماید:

أَلْمَعُكُ طَرْفٌ مِنَ الظُّلْمِ. (۱)

تأخیر در پرداخت دین، گوشه‌ای (پرده‌ای) از ستم است.

تأمین پوشاک مستمندان

پوشاک، یکی از نیازهای اساسی هر انسان است؛ زیرا او را از گزند گرما و سرما در امان می‌دارد. البته تهیه پوشش آبرومندانه برای افراد بی‌بضاعت، کار پسندیده‌ای است که بر آن تأکید شده است.

به فرض اگر در آستانه عید نوروز، پوشاک مناسب فصل را در قالبی آبرومندانه به خانواده‌های بی‌بضاعت اهدا کنیم، موجی از شادمانی، آن خانواده را فرامی‌گیرد و رضایت خداوندی را فراهم می‌سازد. بدین ترتیب، کودکان بی‌بضاعت آن خانواده‌ها، با حسرت به لباس‌های اطرافیان نمی‌نگرند و خانواده‌ها نیز نزد فرزندان‌شان شرمسار نخواهند شد. پیامبر گرامی اسلام در ترویج این سنت پسندیده می‌فرماید:

مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتُرَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ بِثَوْبِهِ فَلْيَفْعَلْ. (۲)

هر کس از شما می‌تواند برادر مؤمن خویش را به جامه‌ای بپوشاند، بپوشاند (این کار را انجام دهد).

رعایت عدالت میان فرزندان

۱-۱. همان، ش ۳۱۱۶.

۲-۲. همان، ش ۲۹۵۷.

ص: ۴۸

تبعیض میان فرزندان، در روحیه فرزندان آثار نامطلوبی به جا می‌نهد. والدین نباید به یکی از فرزندان محبت فراوان نشان دهند، ولی با دیگری، سرد و عادی برخورد کنند. این گونه برخوردها، بذر حسادت و دشمنی را در فرزندان، بارور و آنان را به عقده خود کم‌بینی دچار می‌سازد. درگیری‌های خانوادگی و اختلال در تعادل روانی از مهم‌ترین پی‌آمدهای این گونه برخوردهاست. بکوشیم همیشه محبت را به مساوات میان فرزندانمان تقسیم کنیم؛ زیرا پیامبر گران‌قدر اسلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ. (۱)

خداوند، عدالت و برابری میان فرزندان را دوست دارد، حتی در بوسه.

بنابراین، پدر و مادر هیچ‌گاه نباید میان فرزندان خود با تبعیض رفتار کنند؛ یعنی به بعضی، امتیازهای بیشتری بدهند و برخی دیگر را از آن امتیازها محروم کنند. چنین کاری، حسات فرزندان را به یکدیگر برمی‌انگیزد و کانون گرم خانواده را از آموزشگاه مساوات و یکسان‌نگری، به محیط پر آشوب و جدال تبدیل می‌کند. والدین باید بکوشند روح لطیف و آسیب‌پذیر کودکان را از بحران‌های روحی دور نگاه دارند. پیامبر ارجمند اسلام برای کودکان احترام و ارزش فوق‌العاده‌ای قائل بود. ایشان می‌فرماید:

اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَبْرؤَكُمْ. (۲)

از خدا بترسید و میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید. همان‌گونه که می‌خواهید با شما به نیکی رفتار کنند.

تحقیر دیگران

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۷۵۴.

۲- ۲. همان، ش ۳۶.

ص: ۴۹

هر انسانی برای خود احترام قائل است و هرگز نمی‌خواهد دیگران، او را تحقیر کنند. چگونه انسان مسلمان حاضر می‌شود روح و روانِ برادر دینی خود را آزرده سازد؟ به راستی، انسانی که شخصیت والا- و روحی لطیف و پاک دارد، هرگز حاضر نیست به دیگران اهانت کند و آنان را بی‌ارزش و حقیر سازد. چنین کاری، مخالفت صریح با دستور پیامبر اسلام است که می‌فرماید:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ. (۱)

خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

تدبیر و خویشتن‌داری

انسان در صورت از دست دادن روحیه خود، روز به روز و لحظه به لحظه در منجلاب تباهی‌ها فرو خواهد رفت. بی‌تردید، اگر انسان به خود تلقین کند که نیروی فوق‌العاده‌ای دارد و می‌تواند با تلاش و پشتکار و همت بلند خویش بر ناکامی‌ها چیره شود، به پیروزی‌های چشم‌گیری دست خواهد یافت.

برعکس، اگر خود را کوچک شمارد، در برابر کوچک‌ترین مشکلی، تاب مقاومت را از دست می‌دهد و شکست را پذیرا خواهد شد. پس بکوشیم به کمک همت بلند انسانی، با نابسامانی‌ها و حوادث به مبارزه برخیزیم و خویشتن‌دار باشیم. پیامبر گرامی اسلام در این باره فرموده است:

لَاعْقَلَ كَالْتَدْبِيرِ وَلَاوْرَعَ كَالْكَفِّ. (۲)

عقلی، مانند تدبیر و تقوایی چون خویشتن‌داری نیست.

تربیت فرزند

۱- ۱. همان، ش ۲۵۰.

۲- ۲. همان، ش ۲۵۰۴.

ص: ۵۰

بسیاری از پدران و مادران، از وضع ناهنجار روحی و جسمی فرزندان خود شکایت می کنند. این در حالی است که آنان باید از بی‌مبالاتی‌ها و سهل‌انگاری‌های خودشان متأثر باشند. فرزند مانند نهالی است که با مراقبت شایسته، به درختی بارور تبدیل خواهد شد؛ یعنی اگر برای پرورش روح و روان آنان سرمایه‌گذاری کنیم، افرادی سالم و صالح به جامعه اسلامی تحویل داده می‌شود. بنابراین، والدین باید در تربیت فرزندان از هیچ کوششی دریغ نورزند و آنان را با آداب اسلامی آشنا کنند؛ زیرا این کار به سود فرد، خانواده و جامعه است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مسئولیت پرورش فرزندان را بر دوش والدین می‌داند و در این باره می‌فرماید:

اَكْرُمُوا اَوْلَادَكُمْ وَاَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ. (۱)

فرزندان را گرامی شمارید و آنان را نیکو پرورش دهید.

تروحم

رحمت و رأفت به دیگران در نهاد آدمی به ودیعت نهاده شده است. انسان دوست دارد به دیگران کمک کند و دست‌فِتادگان را بگیرد و آنان را به اوج برساند. به‌ویژه کسانی که زمانی برای خود مقام و مرتبه‌ای داشته‌اند، ولی بر اثر ناملایمات و فراز و فرودهای دنیوی، مال و مقام و موقعیت و منزلت خویش را از دست داده‌اند. بدیهی است کسانی که در وضعیت متعادلی زندگی می‌کنند یا زیر خط فقر هستند، به همان حالت عادت کرده‌اند و به‌گونه‌ای از آن رضایت دارند، ولی برای کسانی که زندگی خوبی را تجربه کرده‌اند،

ص: ۵۱

رو آوردن به زندگی معمولی بسیار دشوار و عذاب آور است. کسانی که در زمانی نه چندان دور و به سبب پست و مقام خود، مورد احترام عوام و خواص بوده‌اند یا ثروتمندانی که افراد زیادی بر خوان کرم او روزی می‌خورده‌اند، اینک باید مانند یک فرد معمولی زندگی کنند و این وضعیت برایشان درد آور است.

برای مثال، اگر اندیشمندی که قدرت علمی بالایی دارد، در میان کسانی قرار گرفته است که هیچ استفاده علمی از او نمی‌برند، خود را بی‌فایده می‌شمارد؛ زیرا نمی‌تواند زکات علم خود را که انتشار آن است، بپردازد. بر این اساس، رسول رحمت در توصیه‌ای گران سنگ می‌فرماید:

ارْحَمُوا عَزِيزًا ذَلَّ وَعَتِيًّا اُفْتَقَرَ وَ عَالِمًا ضَاعَ فِي زَمَانٍ جُهَالٍ. (۱)

[به سه کس رحم کنید:] آدم عزیز و ارجمندی که به خاک خواری افتاده است؛ شخص بی‌نیاز و توانگری که به فقر و هلاکت دچار شده است؛ دانشمندی که در زمان مردمی نادان حضور دارد و تباه گشته است.

ترویج فساد

بنیان‌گذار هر مکتب و ایده‌ای، عامل اساسی در ترویج آن سنت و ایده است.

چه بسا کسانی که مکتبی را تأسیس و در طول تاریخ، افراد زیادی از آن مکتب پیروی می‌کنند. این اشخاص ممکن است سنت نیکویی را پایه‌گذاری کنند یا راه غلطی را به دیگران رهنمون شوند. بی‌شک، هر ایده‌پردازی به پیروانی نیاز دارد که افکار او را تبلیغ کنند و آن را در میان مردم رواج دهند. افرادی که فکر نادرست یا کردار زشتی را در میان دیگران رواج می‌دهند، در فرهنگ‌سازی

ص: ۵۲

غلط، نقش فراوانی دارند. آنها می‌کوشند تا روز به روز افراد دیگری را در مسیر راه و رسم نادرست هم‌فکران خود قرار دهند و آنان را از جاده سلامت خارج سازند. اگر نبود تلاش‌های این افراد، هیچ‌گاه آن‌گونه که باید و شاید، آن ایده یا فکر نادرست در میان دیگران نهادینه نمی‌شد. پس اگر بنیان‌گذار مکتب انحرافی، گناه‌کار است، ترویج‌گران این ایده‌ها نیز بخشی از مسئولیت و بار گناهان را بر دوش می‌کشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ اِذَاعَ فَاِحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِعِهَا. (۱)

کسی که گناهی را انتشار دهد، مانند کسی است که آن را ایجاد کرده باشد.

تظاهر به گناه

گناهی که انسان آشکارا و در حضور دیگران مرتکب می‌شود، مستوجب مجازات بیشتری خواهد بود؛ زیرا این کار به معنای بی‌اهمیت دانستن دستورهای الهی و پشت پا زدن به آنهاست. تظاهر به گناه، حیا و عفت عمومی را خدشه‌دار می‌کند و سبب می‌شود تا دیگران برای انجام گناه گستاخ شوند.

در نتیجه، میزان گناه و فساد در جامعه افزایش می‌یابد و محیط پاک و سالم جامعه اسلامی آلوده می‌شود. پیامبر گرامی اسلام درباره نکوهش این ناهنجاری می‌فرماید:

كُلُّ اُمَّتِي مُعَافِي اِلَّا الْمُجَاهِرِينَ. (۲)

همه امت من بخشیده خواهند شد مگر تظاهرکنندگان به گناه.

تظاهر و ریا

۱- ۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۳۵۶.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۲۱۶۷.

ص: ۵۳

ریا، نوعی بیماری است که بعضی از مردم به آن دچار هستند. این افراد در هر کار خیری و در هر عمل مفیدی، به ریا و تظاهر عادت دارند. اینان اگر بدانند در کاری، نام و نشانی از آنها نیست و تعریف و تمجیدی نمی‌شوند، از انجام آن سر باز می‌زنند. این انسان‌های متظاهر، خواه ناخواه در اجتماع شناخته می‌شوند و مردم به نیت‌شان پی می‌برند. آنان عبادت‌ها و رفتارهای خیر خود را به دلیل تظاهر، باطل و بی‌ارزش می‌کنند. در مقابل، شخص با ایمان، با اخلاص کامل، عملش را برای رضای خدا انجام می‌دهد و انتظار تشکر از سوی مردم را ندارد؛ زیرا پاداش الهی، بزرگ و بی‌پایان است. وی به روزی چشم دوخته است که مال و فرزند و متاع دنیوی فایده‌ای ندارد و اخلاص، گشاینده بسیاری از درهای بسته به روی او خواهد بود. بنابراین، کردار نیک خود را با ریا به هدر نمی‌دهد. اگر هم نیت بدی از دلش گذشت، به فکر چاره می‌افتد تا خود را از این بیماری مهلک برهاند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشانه ریاکار را چنین برمی‌شمارد:

لِلْمُرَائِي ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ: يَنْشَطُ إِذَا كَانَ عِنْدَ النَّاسِ وَ يَكْسَلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ. (۱)

شخص ریاکار سه نشانه دارد: وقتی که میان مردم است، با نشاط است؛ هنگامی که تنهاست، کسل است و دوست دارد که در همه کارها از او ستایش شود.

تکریم دیگران

ص: ۵۴

احترام به دیگران باید بر اساس عقل، دانش، شرافت، بزرگی و کرامت افراد باشد. اگر این عوامل منشأ احترام قرار گیرند، تکریم همیشگی و از روی رضایت قلبی خواهد بود. در مقابل، اگر احترام به فردی بر اثر ترس و محافظه کاری باشد، احترام تنها از اعضا و جوارح خارجی او سر می‌زند و با قلب او همراه نیست. انسان به ظاهر، در حال تکریم است، ولی در درون از او اکراه دارد. پس احترام او برای خلاص شدن از یک وظیفه اجباری است.

چه خوب است که به این سخن ارزشمند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله توجه کنیم که فرمود احترام به منظور امنیت از شر دیگران شایسته احترام شونده نیست:

إِلَّا أَنْ شَرَّ أُمَّتِي الَّذِينَ يُكْرِمُونَ مَخَافَةَ شَرِّهِمْ، إِلَّا وَمَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ فَلَيْسَ مِنِّي. (۱)

آگاه باشید! بدترین پیروان من، کسانی هستند که از ترس شرشان، مورد احترام باشند. آگاه باشید! کسی که مردم به خاطر ایمن بودن از شرش به او احترامی می‌نهند، از من نیست.

تلاوت قرآن

آدمی در طول زندگی و در رویارویی با مسائل گوناگون مادی به زنگارها و آلودگی‌هایی دچار می‌شود که برای زدودن آن، به تصفیه روحانی نیاز دارد.

یکی از بهترین راه‌های تصفیه ناخالصی‌ها، تلاوت قرآن است. قرآن، گوهر گران‌بهایی است که با هر چه برخورد کند، به آن رنگ خدایی می‌دهد و ناخالصی‌ها را به نورانیت و صفا تبدیل می‌کند. در حقیقت، کلام قرآن،

ص: ۵۵

معجون شفا بخش و داروی هر دردی است که خدای بزرگ، آن را برای تصفیه دل‌های بیمار قرار داده است. با شنیدن آیات الهی، نورانیت به قلب انسان وارد می‌شود و معنویت خاصی، سراسر وجود آدمی را فرا می‌گیرد و احساس آرامش و آسایش به او دست می‌دهد. پس بیایم ساعتی از شب یا روز را به این مهم اختصاص دهیم که پیامبر اسلام فرموده است:

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَصْدَأُ كَمَا يَصْدَأُ الْحَدِيدُ. قِيلَ فَمَا جَلَاءُهَا؟ قَالَ: ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ. (۱)

دل‌ها مانند آهن زنگ می‌زند. گفتند: «صیقل آن چیست؟» گفت: «یاد مرگ و خواندن قرآن».

تنفر از گناه

ممکن است انسان بر خلاف میل خود ناگزیر شود در محل معصیت یا جایی که گروهی در آنجا گناه می‌کنند، حضور یابد. در چنین شرایطی، اگر احساس ناراحتی به او دست دهد و مایل باشد که هر چه زودتر آنجا را ترک گوید، باید به خود و ایمانش امیدوار باشد، ولی اگر از بودن در آنجا احساس ناراحتی نمی‌کند و چه بسا با آنان هم‌گام شود یا در درون خود خوشحال است، باید به حال خود متأسف باشد. باید بدانیم اگر شخصی در جمع معصیت‌کاران باشد و از این توقف احساس ناراحتی کند، مانند کسانی است که در آن شرکت نداشته‌اند. برعکس، اگر قلب و فکر او، با مجالس لهو و لعب باشد و از حضور در آن احساس شادمانی کند، مانند حاضران در آن است. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۹۳۴.

ص: ۵۶

مَنْ حَضَرَ مَعْصِيَةَ فِكْرِهَا فَكَأَنَّهَا غَابَ عَنْهَا وَمَنْ غَابَ عَنْهَا فَرَضِيهَا فَكَأَنَّهَا حَضَرَهَا. (۱)

هر کس ناظر گناهی باشد و از آن متنفر شود، مانند کسی است که در آنجا نیست و هر کس در محل گناه نباشد و از آن راضی باشد، مانند کسی است که در آنجا حضور دارد.

توکل به قدرت الهی

انسان از نظر جسمانی، از بسیاری موجودات دیگر ضعیف تر است، ولی از نظر قدرت اراده و استعداد، اشرف مخلوقات است. همین قدرت روحی سبب شده است تا خداوند، موجودات دیگر را به تسخیر او در آورد. انسان با قدرت اراده، زمین و آسمان و آنچه را در آن وجود دارد، تا حدودی به سیطره خود در آورده است. آن گاه که انسان به قدرت بی پایان الهی می پیوندد و پای خود را از محدوده زندگی مادی فراتر می نهد، این توانایی افزایش می یابد. در این حال، خود را از هر چیز جز قدرت الهی بالاتر می بیند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توجه دادن و پیوند داشتن به این رشته مستحکم الهی می فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (۲)

هر کسی دوست دارد از همه مردم قوی تر باشد، باید به خدا توکل کند.

تهمت دزدی

بعضی مال باختگان پس از دزدیده شدن اموالشان، به هر کس بخواهند تهمت می زنند. آنان بدون تحقیق کافی و استدلال منطقی، بی درنگ دادگاه غیابی

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۲۷.

۲- ۲. همان، ش ۲۸۱۹.

ص: ۵۷

تشکیل می‌دهند و آبروی دیگران را بر باد می‌دهند، در حالی که هتک حیثیت یک انسان آبرومند در دید شرع و عرف خطاست. آبروی افراد نباید بازیچه پندارهای ناصواب ما شود. پس در چنین مواردی، فرد باید تعادل روحی خود را حفظ کند و اگر دلیل و مدرک مستندی دارد، به دادگاه صالح مراجعه کند، نه اینکه با هیاهو، حقوق دیگران را پای مال سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش چنین رویه‌ای می‌فرماید:

لَا يَزَالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِي تَهْمَةٍ مَنْ هُوَ بَرِيٌّ مِنْهُ حَتَّى يَكُونَ أَكْثَرُ جُزْمًا مِنَ السَّارِقِ. (۱)

دزد زده کسانی را که از دزدی بی‌خبرند، آن قدر تهمت می‌زند که گناهش از خود دزد بیشتر خواهد شد.

ث

ثروت اندوزی

بی‌تردید، ثروت در رفع نیازهای فردی و اجتماعی می‌تواند اثربخش باشد.

ثروت‌مندی که در مسیر سازندگی تلاش می‌کند، می‌تواند اسباب آسایش اجتماعی را فراهم آورد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی جلوگیری کند. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که نه تنها از ثروت خود در راه منافع جمعی سود نمی‌برند، بلکه از به‌کارگیری آن در رونق زندگی شخصی خود نیز دریغ می‌ورزند. این انبارکنندگان ثروت، از چرخش صحیح پول در جامعه جلوگیری می‌کنند و سرمایه‌ای را که می‌تواند گشایشگر مشکلات دیگران باشد، در انحصار خود نگه می‌دارند. این افراد

ص: ۵۸

با به کارگیری درست سرمایه خود، می‌توانند نیک‌نامی دنیا و آخرت را برای خویش فراهم آورند. رسول الله صلی الله علیه و آله در ترغیب به این اقدام خداپسندانه می‌فرماید:

... طوبی لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ وَ انْفَقَ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ. (۱)

... خوشا به حال کسی که به علم خویش عمل کند و زیادی مال خود را ببخشد.

ثروت‌مندان بی‌تفاوت

ثروت‌مندان در برابر درماندگان وظیفه سنگینی بر عهده دارند و نباید به بهانه‌های واهی از این تکلیف الهی - وجدانی شانه خالی کنند. اگر هم نمی‌خواهند به دیگران کمک کنند، با برچسب‌هایی همچون دروغ گو، دارا، شیاد، کلاه‌بردار، تنبل و مانند آن، دیگران را نرنجانند. توانگران نباید به ثروت‌های بی‌شمار خود مغرور شوند. چه بسا ممکن است در حادثه‌ای، همه دارایی‌شان را از دست بدهند یا به دلیل بیماری و از دست دادن سلامتی، هیچ یک از سرمایه‌های دنیایی برایشان سودمند نیافتد. آیا بهتر نیست به شکرانه بازوی توانا و دارایی خدادادی، به یاری ناتوانان بشتابند و بدانند که این‌گونه اعمال نه تنها از ثروت‌شان نمی‌کاهد، بلکه خوش‌نامی دنیا و آخرت را برایشان به ارمغان می‌آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نکوهش ثروت‌مندان بی‌تفاوت می‌فرماید:

وَيْلٌ لِلْأَغْنِيَاءِ مِنَ الْفُقَرَاءِ. (۲)

وای بر توانگران [به دلیل رسیدگی نکردن به نیازمندان.

ج

جبران نیکی

۱- ۱ نهج الفصاحه، ش ۱۹۱۱.

۲- ۲ همان، ش ۳۱۸۷.

ص: ۵۹

پاسخ دادن به احسان دیگران، نشانه ادب و بزرگی آدمی است، ولی شیوه پاسخ گویی به توان آدمی بستگی دارد. اگر کسی می‌تواند، به هدایای مالی مردم پاسخ مالی بدهد، نباید از آن دریغ ورزد. اگر هم توانایی این کار را نداشت، باید قدردانی و سپاس‌گزاری خود را حتی با زبان و سخن ابراز کند.

چنین پاسخی بازتاب‌های خوبی هم برای خود فرد و هم برای هدیه‌دهنده در پی دارد. سپاس‌گزار با این کار، احساس سبکی و آرامش می‌کند و احسان‌کننده نیز به کار خیر تشویق می‌شود. به طور کلی، باید دانست کسی که از خوبی‌های دیگران سپاس‌گزاری نکند، در مقابل نعمت‌های بی‌شمار الهی نیز زبان به قدردانی نمی‌گشاید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره دستورالعمل ویژه‌ای صادر کرده است:

مَنْ آتَى الْيَكْمَ مَعْرُوفًا فَكَافُوهُ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَآتُوهُ فَإِنَّ الثَّنَاءَ جَزَاءٌ. (۱)

کسی که به شما احسان کرد، آن را جبران کنید و اگر نتوانستید، تشکر کنید؛ زیرا سپاس‌گزاری، پاداش و جبران به شمار می‌آید.

جدال همیشگی

بعضی افراد همیشه در فکر جدال و با دیگران در حال ستیزند و به بهانه‌های واهی، محیط امن خانواده را به صحنه‌های جنگ و جدال تبدیل می‌کنند. از همه بدتر اینکه حتی با خود نیز درگیرند و همیشه زیرلب غرولند می‌کنند.

ص: ۶۰

رفتار و گفتار آنان نشان می‌دهد که در درون خویش با کسی، درگیری لفظی یا فیزیکی دارند. اینان در خواب آرامش ندارند و با داد و قال‌های کذایی از خواب می‌پرند و عرصه را بر خود و همگان تنگ می‌کنند. این افراد تعادل روحی ندارند. اطرافیان باید با کمک همدیگر، از انجام دادن کارهایی که آنان را تحریک می‌کند، پرهیز کنند. پیامبر گرامی اسلام، جدال همیشگی را مردود شمرده است و می‌فرماید:

كَفَى بَكَ إِثْمًا أَنْ لَا تَزَالَ مُخَاصِمًا. (۱)

همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه‌جویی باشی.

جدایی نزدیکان

اسلام با توجه به لزوم ارتباط سالم و عاطفی میان اعضای یک خانواده و جامعه، برای تحکیم آن، توصیه‌های مؤکدی صادر کرده است. اسلام، کسانی را که به شکل‌های گوناگون می‌کوشند رابطه افراد را تیره و تار و آنان را نسبت به هم بدبین کنند، نکوهیده و عذاب‌های بسیار رنج‌آوری به آنان وعده داده است. از بدترین نوع جدایی، گسستن پیوند زناشویی است که کودک از مادر و برادر از برادر دور می‌افتد. آنان سالیان سال در آرزوی دیدار یکدیگر لحظه‌شماری می‌کنند و آتش حسرت در دل دارند. به راستی آیا بچه‌های طلاق با این ضربه‌های جبران‌ناپذیر روحی و عاطفی، می‌توانند شخصیت سالم داشته و فرد مفیدی برای آینده میهن خویش باشند؟

افراد بسیاری هستند که عجولانه و تحت تأثیر احساسات، به جدایی تن می‌دهند و سپس پشیمان می‌شوند یا اینکه فرد سومی با وسوسه‌های شیطانی، پیوند زناشویی آنان را به هم می‌زند. تفرقه‌گرایان، به آنان وعده‌های پوچ

ص: ۶۱

می‌دهند و دیری نمی‌پاید که آنان به ناپسند بودن عمل خویش پی می‌برند، ولی افسوس که دیگر امیدی به اصلاح کار نیست. پیامبر عظیم‌الشان اسلام در نکوهش تفرقه‌افکنان می‌فرماید:

لَعَنَ اللَّهُ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَوَلَدِهَا وَبَيْنَ الْأَخِ وَآخِيهِ. (۱)

خدا لعنت کند کسی را که میان فرزند و مادر و برادر و برادر جدایی می‌افکند.

جلب اعتماد مردم

بعضی‌ها آن قدر پاک و با ایمانند که دیگران در امور دین و دنیای خود به آنان اعتماد می‌کنند و در گرفتاری‌ها و سختی‌ها، آنان را پشتوانه خویش می‌دانند. بسیار نیکوست که انسان به چنان مرتبه والایی دست یابد که دیگران او را مایه دلگرمی خود بشمارند و اسرار و درخواست‌های خود را با او در میان بگذارند. چنین فردی که برای وجدان و شرافت انسانی احترام قائل است، در هیچ حالی، ارزش‌های معنوی خویش را فدای خواسته‌های زودگذر دنیوی نمی‌کند. به یقین، خداوند به این افراد که پناه‌گاه و تکیه‌گاه مردمند، نظر لطف دارد و آنان را مشمول رحمت خویش قرار می‌دهد. پیامبر اسلام، اعتماد مردم را مایه خوشبختی انسان می‌داند و می‌فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ سَعَادَةً أَنْ يُوثِقَ بِهِ فِي أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ. (۲)

در خوشبختی مرد همین بس که در کار دین و دنیايش به او اعتماد کنند.

جلب رضایت الهی

۱-۱. همان، ش ۲۲۴۰.

۲-۲. همان، ش ۲۱۳۵.

ص: ۶۲

اگر انسان تشخیص دهد که کاری مورد رضایت الهی است، باید با تمام توان در انجام آن بکوشد، هر چند دیگران را ناخوش آید. حتی اگر دیگران به او اعتراض کنند، وی نباید در انجام وظیفه کوتاهی کند. آنچه اهمیت دارد، ترجیح دادن رضایت الهی بر رضایت بندگان است. چنین کرداری از اعتقاد عمیق و ایمان راسخ انسان‌های وارسته ریشه می‌گیرد که دنیا را بسیار ناچیز و هر حب و بغضی را در برابر خشم و رضای الهی ناپایدار می‌دانند. جلب رضایت الهی از توصیه‌های پیامبر گرامی اسلام است. ایشان می‌فرماید:

مَنْ اِتَّمَسَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ (۱)

هر کس رضای خدا را بر خشم مردم ترجیح دهد، خداوند از او راضی می‌شود

جنس فاسد

بعضی افراد سودجو، اجناس فاسد شده را با ظاهرسازی، به عنوان جنس سالم به مشتریان می‌فروشند. این عمل بیشتر در میدان‌های میوه‌فروشی و تره‌بار شایع است و فروشنده با اینکه می‌داند یک طرف میوه فاسد شده و قابل استفاده نیست، آن را به شیوه مخصوصی می‌چیند. آن گاه با تردستی ویژه‌ای به فروشنده می‌فروشد. این عمل بسیار ناپسند و اجحاف است و نارضایتی خریدار از جنس خریداری شده، فروشنده را مدیون خواهد کرد. در نتیجه، برکت از مال و دارایی فروشنده رخت برمی‌بندد. رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۷۸۳.

ص: ۶۳

مَا مِنْ عَبْدٍ يَبِيعُ قَالِدًا إِلَّا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ تَالِفًا. (۱)

خداوند به هر کس که جنس فاسد بفروشد، تلف کننده‌ای مسلط خواهد کرد.

جواب نامه

بعضی افراد در پاسخ دادن به نامه دوستان و آشنایان درنگ می‌کنند یا نامه را برای زمانی طولانی یا برای همیشه بی‌پاسخ می‌گذارند. وقتی کسی نامه‌ای می‌نویسد، در انتظار پاسخ است و پاسخ ندادن، نوعی سهل‌انگاری و بی‌توجهی به نویسنده نامه است. چه بسا در نامه درخواستی داشته باشد که با پاسخ‌گویی به آن، تکلیف کار معلوم شود و فرد بتواند خواسته خود را از راه دیگری تأمین کند. بر این اساس، پیامبر اسلام می‌فرماید:

إِنَّ لِي جَوَابَ الْكِتَابِ حَقًّا كَرَدَّ السَّلَامِ. (۲)

به درستی که پاسخ نامه لازم است، همان‌گونه که پاسخ سلام واجب است.

چ

چشم داشتن به مال دیگران

چه خوب است که انسان به فکر کار خویش باشد و فکر و ذهنش را به کار و مال دیگران ندوزد؛ زیرا این کار، نه تنها سودی برای وی ندارد، بلکه سبب اختلال روحی او می‌شود و از وقت و انرژی او می‌کاهد. بدین ترتیب نیرویی را که می‌تواند در

۱-۱. همان، ش ۲۶۸۴.

۲-۲. همان، ش ۸۸۰.

ص: ۶۴

توسعه زندگی خود به کار گیرد، در خیال‌ها و اوهام هزینه می‌کند. موضوع اینکه فلانی چه می‌کند، چه معامله‌ای انجام داده، چقدر سود برده و چقدر مال و منال اندوخته است، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه مایه نگرانی فرد می‌شود و گاهی درصدد مقایسه برمی‌آید. گاهی هم دچار تردید در روزی‌رسانی خداوند می‌شود و به همین سبب، خود و دیگران را سرزنش می‌کند. رسول الله صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

مَنْ مَدَّ عَيْنَيْهِ إِلَىٰ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ مِنْ دُنْيَاهُمْ طَالَ حُزْنُهُ وَ سَخَطَ مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ مِنْ رِزْقِهِ وَ تَنَغَّصَ عَلَيْهِ عَيْشُهُ. (۱)

کسی که به مال و منال مردم چشم داشته باشد، غم و اندوه او طولانی می‌شود و از رزقی که خدا برای او مقرر فرموده است، خشم‌ناک می‌گردد و زندگی برای او تیره می‌شود.

ح

حفظ آبرو

آبرو برای هر انسانی مسئله با اهمیتی است که برای حفظ آن حاضر است جان خود را فدا کند. آبروی انسان، بزرگ‌ترین تکیه‌گاه شخصیت اوست، ولی متأسفانه در بعضی موارد، بجای نابجا، چنان آبروی افراد بر باد می‌رود که تا پایان عمر از زیر بار سنگین بی‌آبرویی خارج نمی‌شوند. در این حال فکر می‌کنند همه حیثیت آنان لکه‌دار شده است و زبانزد خاص و عام گشته‌اند. به این دلیل از مشارکت دست می‌کشند و خود را از دیگران پنهان می‌سازند. چه پسندیده است حتی در مواردی که فرد، اشتباهی انجام داده است، گونه‌ای با او رفتار شود که آبرویش محفوظ بماند. به یقین، اگر کسی، حیثیت بی‌گناهی را

ص: ۶۵

بی دلیل لکه‌دار کند، خود نیز به خواری خواهد افتاد. پیامبر بزرگوار اسلام درباره حفظ آبروی برادران دینی می‌فرماید:

مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ اخِيهِ رَدَّ اللَّهُ عَنْ وَجْهِ النَّارِ. (۱)

خدا، آتش را از چهره کسی که از آبروی برادر دینی خویش دفاع کند، باز می‌دارد.

حفظ آبروی دیگران

بارها دیده یا شنیده‌ایم که افرادی، با ایثار و گذشت، آبروداری می‌کنند و نمی‌گذارند آبروی دیگران بریزد. در نتیجه، پیش وجدان خویش و خلق خدا سرفراز شده‌اند. از سوی دیگر می‌بینیم برخی افراد، به دلیل مسائل کم‌اهمیت و بی‌ارزش، آبرو و حیثیت دیگران را از بین می‌برند. گاهی این آبروریزی چنان سنگین است که فرد ناگزیر می‌شود شهر و کاشانه خود را ترک کند و به جایی پناه برد که کسی او را نمی‌شناسد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حفظ آبروی مسلمان را واجب می‌داند و می‌فرماید:

أَرْبَى الرَّبَا شَتْمُ الْأَعْرَاضِ (۲)

بدترین ربا، ناسزایی است که نسبت به آبروی مردم گفته شود

حق‌کشی

برخی افراد، تنها و تنها به منافع خویش می‌اندیشند و برای به دست آوردن سود بیشتر می‌کوشند از راه‌های گوناگون، اموال و حقوق دیگران

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۳۰۱۴.

۲- ۲. همان، ش ۲۶۰.

ص: ۶۶

را از چنگ آنان بیرون آورند. این افراد، گاهی مستقیم و زمانی غیرمستقیم، برای اجرای این مقاصد شوم، نقشه‌های گوناگونی طرح می‌کنند تا صاحب حق را به چشم‌پوشی از حق خویش وادار کنند. طول دادن، امروز و فردا کردن و به تأخیر انداختن حق یا کار مردم به منظور خسته کردن و گذشتن از حق خویش از این نقشه‌های فریب‌کارانه به شمار می‌رود. پیامبر گرامی اسلام در نکوهش این عمل ناپسند می‌فرماید:

وَيْلٌ لِّمَنْ اسْتَطَالَ عَلَىٰ مُسْلِمٍ فَأَنْتَقَصَ حَقَّهُ. (۱)

وای بر کسی که حق مؤمنی را به تدریج می‌خورد.

حل اختلاف

رفع اختلاف، از بهترین کارهایی است که مورد رضای خداوند و مخلوقات اوست. این اختلاف‌ها ممکن است در سطح خانواده به وجود آید که اگر ریشه‌دار شود، سبب از میان رفتن بنیان‌های خانوادگی می‌گردد. چنانچه اختلاف در سطح اجتماع باشد، زیان‌های آن به مراتب بیشتر است. البته گاهی طرفین دعوا از کرده خود پشیمان می‌شوند و انتظار دارند کسی با میانجی‌گری، آنان را آشتی دهد و محبت و مودت پیشین را به آنان بازگرداند.

رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ. (۲)

بهترین صدقه، اصلاح و آشتی میان دو نفر است.

حلال و حرام

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۳۱۹۲.

۲- ۲. همان، ش ۴۰۷.

ص: ۶۷

برخی می‌پندارند برای رسیدن به مقام‌های معنوی، باید بسیاری از نعمت‌های پروردگار را بر خود حرام کنند و از آنها بهره‌نگیرند. از این رو، می‌کوشند با پرهیز از خوردنی‌ها و نعمت‌های گوناگون خداوند، بر خود و خانواده خویش، سخت‌گیری کنند. چنین رفتاری، آنان را به مراتب قرب معنوی نمی‌رساند، بلکه به چاه کفران و گمراهی درخواهد افکند. رشد مادی و معنوی، به سلامت مزاج و روح آدمی بستگی دارد و این مسئله، هنگامی برای او فراهم می‌آید که در مسیر طبیعی و در چارچوب حلال و حرام الهی، گام بردارد. سخت‌گیری بی‌مورد، روح و جسم انسان را بیمار و به کسالت و ملال دچار می‌کند. در نتیجه، پیمودن مسیر تعالی بر او ناممکن می‌شود. پیامبر رحمت در تشبیه هشدار دهنده‌ای می‌فرماید:

إِنَّ مُحَرَّمِ الْحَلَالِ كَمُحَلِّلِ الْحَرَامِ. (۱)

کسی که حلال خدا را حرام می‌کند، مانند کسی است که حرام خدا را حلال می‌کند.

حیا و ایمان

حیا با فلسفه وجودی انسان، پیوندی دیرینه دارد. از نظر اسلام کسی که حیا ندارد، دین ندارد؛ زیرا دین می‌کوشد تا انسان، به اخلاق و رفتار انسانی آراسته شود، در حالی که شخص بی‌حیا، از این هدف فرسنگ‌ها فاصله دارد. البته حیا به این معنا نیست که انسان به گونه‌ای سر به زیر باشد که در هر جا فریب بخورد یا توان پرسش از مشکلات خود را نداشته باشد یا نتواند از

ص: ۶۸

حقوق خود پاسداری کند. اسلام چنین حیایی را مردود می‌شمارد. انسان با حیا کسی است که در گفتار و کردار، ادب و نزاکت را رعایت و در زمان مناسب، از منافع دنیوی و اخروی خود دفاع کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله:

الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ قُرْنَا جَمِيعًا فَإِذَا رُفِعَ أَحَدُهُمَا رُفِعَ الْآخَرُ. (۱)

حیا و ایمان قرین یکدیگرند. وقتی یکی رفت، دیگری هم خواهد رفت.

خ

خبر ناموثق

بعضی افراد به محض اینکه خبری را شنیدند، بدون آگاه شدن از درستی یا نادرستی‌اش، آن خبر را برای دیگران نقل می‌کنند و به گونه‌ای رفتار می‌کنند که انگار خود شاهد ماجرا بوده‌اند و این کار در پیش دیدگان‌شان انجام شده است. این کار، نشانه بی‌توجهی و بی‌دقتی گوینده است و شاید سبب پیدایش اختلاف یا ریختن آبروی دیگران شود. اگر واقعی نبودن خبر آشکار شود، گوینده، احترام و اعتبار خود را نزد دیگران از دست می‌دهد و از آن پس، مردم حتی اخبار صادقانه او را نیز نامستند و غیرواقعی می‌پندارند. بنابراین، انسان باید سخنان خود را با دلیل و سند و اطمینان از درستی آن نقل کند تا به پی‌آمدهای منفی آن دچار نشود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله - آن امین راست‌گو - می‌فرماید:

كَفَى بِالْمَرْءِ إِثْمًا أَنْ يُحَدِّثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ. (۲)

در گناه کار بودن فرد همین بس که هر چه را می‌شنود، نقل کند.

خداترسی

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۴۲۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۱۳۶.

ص: ۶۹

انسان پرهیزگار در شرایط گوناگون زندگی، خود را در محضر پروردگار متعال می‌بیند و خدا را شاهد و ناظر رفتار خویش می‌داند. ایمان به خداوند در اعماقِ جانِ چنین فردی ریشه دوانیده است و رشته حضور الهی را هیچ‌گاه گسسته نمی‌بیند. وی به هنگام خوشی و ناخوشی، سختی و سادگی، خداوند را نزدیک‌ترین یاور خود می‌داند و همچون کسانی نیست که تنها در سختی‌ها به درگاه ربوبی روی می‌آورند و پس از حل مشکل، به خدا فراموشی و خودگرایی مبتلا می‌شوند. او، مودت و امنیت الهی را بر جاذبه مال و مقام ترجیح می‌دهد و دار قرار را بر دار فرار نمی‌فرشد. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

اتَّقِ اللَّهَ فِي عُسْرِكَ وَيُسْرِكَ. (۱)

هنگام سختی و خوشی، خدا ترس باش.

خداخواهی

مردان خدا می‌توانند با رفتار پسندیده خود، دیگران را نیز با طریق قرب الهی آشنا کنند. آنان می‌توانند با سخنان دل‌نشین و عمیق خود، وجدان خداجو و خداگرای افراد را بیدار سازند و با کردار خود، اسوه عملی دیگران باشند. رفتار خالصانه اهل حق، اکسیری است که قلب بندگان را جلا می‌بخشد و به محبت و مودت خالق، رهنمون می‌کند. چه زیبا است انسان به درجه‌ای از ایمان و یقین برسد که دیگران با دیدن او به یاد خداوند بزرگ بیافتند. همانا

ص: ۷۰

اینان رستگارانند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله؛ بنده برگزیده خدا که بشریت را از بربریت به معبودی یگانه، رهنمون ساخت، می فرماید:

حَبَّبُوا اللَّهَ إِلَىٰ عِبَادِهِ يُحِبُّكُمْ اللَّهُ. (۱)

خدا را نزد بندگانش محبوب سازید تا او شما را دوست بدارد.

خدامموری و رضایت الهی

انسان موحد در همه کارها، رضای الهی را محور قرار می دهد و کارهای خود را با آن تنظیم می کند. هر جا که کاری را هم سو با رضایت الهی نیافت، ترک می کند و اگر کاری را پر مشقت، ولی مقبول الهی دید، تمام زحمت هایش را به جان می خرد تا آن را به انجام رساند. بی شک، خداوند از چنین فردی راضی است و بهشت در انتظارش خواهد بود. پیداست کسی که به چنین مقامی دست می یابد، با افراد عادی متفاوت است و حب و بغض او تنها برای خدا خواهد بود. اگر با کسی دوستی می کند، چون او را بنده خوب خدا می داند، هم نشینی با او را مطلوب می پندارد؛ زیرا دیدار و رفتار آن دوست، او را به یاد خدا می اندازد و بر درجه یقین و حضورش می افزاید. اگر کسی را نیز از خود می راند، به این سبب است که او مسیر رحمانی را رها کرده و به جاده شیطانی وارد شده است. پس چون هم گامی با او را سراسر زیان می بیند، از او می برد. به راستی که رسیدن به این مقام، بسیار دشوار است و به خاطر دشواری آن، چنین آدمی را می توان از برگزیدگان خاص الهی به شمار آورد، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

ص: ۷۱

وَأُذِ الْمُؤْمِنِ الْمُؤْمِنِ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّ فِي اللَّهِ وَابْتَعْصَ فِي اللَّهِ وَاعْطَى فِي اللَّهِ وَمَنْعَ فِي اللَّهِ فَهُوَ مِنَ الْأَصْفِيَاءِ. (۱)

دوستی مؤمن با مؤمن برای رضای خدا، از بزرگ‌ترین رشته‌های ایمان است و کسی که برای خدا دوست بدارد و برای خدا با کسی دشمن باشد و برای خدا بخشش داشته باشد و برای خدا از دادن، خودداری کند، از برگزیدگان است. انسانی که در دایره خشنودی خداوند گام برمی‌دارد، برای انجام کار، از تمام امکانات لازم بهره می‌گیرد. حتی اگر به نتیجه هم نرسید، اندوهگین نمی‌شود؛ زیرا به وظیفه خویش عمل کرده و مصلحت او چنین بوده است. چه بسیار نتایجی که آدمی به گمان خود، آنها را نیکو می‌شمارد، ولی در واقع، جز زیان نصیبش نمی‌شود. درباره نعمت‌ها هم انسان باید بخشنده واقعی را بشناسد و از او سپاس‌گزاری کند. ممکن است واسطه‌هایی این نعمت‌ها را به آدمی برسانند، ولی نباید هرگز سبب اصلی را فراموش کند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه‌ای می‌فرماید:

إِنَّ مِنَ الْيَقِينِ أَنْ تَرْضَى أَحَدًا بِسَخَطِ اللَّهِ وَلَا تَحْمَدَ أَحَدًا بِمَا آتَاكَ اللَّهُ وَلَا تَدُمَّ أَحَدًا عَلَى مَا لَمْ يُؤْتِكَ اللَّهُ. (۲)

از نشانه‌های یقین آن است که برای رضای کسی، خدا را از خود خشمگین نسازی. در برابر نعمت‌هایی که خداوند به تو داده است، فردی را سپاس‌نگویی و در مورد آنچه خدا به تو نداده است، کسی را نکوهش نکنی.

خدمت به مردم

۱-۱. تحف العقول، ص ۴۸.

۲-۲. همان، ص ۶.

ص: ۷۲

بعضی از مردم برای خدمت به دیگران هیچ علاقه‌ای ندارند و همچون طلب‌کاران در انتظار کمک و یاری دیگران نشسته‌اند. آنان با اینکه امکانات کافی نیز دارند، ولی همچنان منتظر مساعدت بیشتر هستند. از سوی دیگر، با نیکانی روبه‌رو می‌شویم که در راه خدمت به خلق الله، چنان شیفته و از خود باخته‌اند که سر از پا نمی‌شناسند و هر شب به امید آن می‌خواهند که فردا، باری از دوش درمانده‌ای بردارند و دل‌های شکسته‌ای را آرامش بخشند. اینان نه تنها از خدمت به مردم خسته نمی‌شوند، بلکه هر روز در این راه تشنه‌تر می‌شوند. در حقیقت، آنان محبوب خداوندند که رفع نیاز مردم دردمند به دست آنان سپرده شده است. پیامبر رحمت می‌فرماید:

إِذَا ارَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ. (۱)

وقتی خداوند برای بنده‌ای نیکی بخواند، حاجت مردم را در دست او قرار می‌دهد.

خدمت‌گزاری

خدمت به خلق خدا ارزش والایی دارد؛ زیرا رضایت الهی را فراهم می‌آورد. در راه خدمت به مردم با دو گروه روبه‌رو هستیم؛ دسته‌ای، با تبلیغ‌های رنگارنگ و دمیدن در بوق و کرنا، چنان وانمود می‌کنند که از خیرخواهان و نیکوکاران نامدار هستند، در حالی که با اندکی بررسی درمی‌یابیم که انگیزه‌های غیرخدایی، چهره آنان را پوشانیده است. گروهی دیگر، بی‌صدا و

ص: ۷۳

بی‌ریا، سودمندترین خدمت‌ها را برای مردم نیازمند انجام می‌دهند و تنها خداوند را ناظر رفتار خود می‌دانند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام درباره خدمت به مردم و سود رساندن به دیگران می‌فرماید:

أَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمْ لِلنَّاسِ. (۱)

بهترین مردم کسی است که برای مردم سودمندتر باشد.

خریدار پشیمان

ممکن است خریدار، پس از گذشت چند ساعت یا چند روز از معامله پشیمان شود. در این حال، فروشنده باید با صبر و حوصله و گذشت و سعه صدر با او برخورد کند. هرچند فروشنده می‌تواند از قبول جنس فروخته شده خودداری کند، ولی رسم جوان‌مردی ایجاب می‌کند که درخواست او را بپذیرد و او را مورد لطف و مرحمت خود قرار دهد. به یقین، این برخورد، اثر عمیقی بر آن شخص خواهد گذاشت و هنگام برخورد با آن فرد یا شنیدن نام وی در محافل دیگر، با احترام خاصی از او یاد خواهد کرد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

مَنْ أَقَالَ نَادِمًا يَتَّبِعُهُ أَقَالَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَثْرَتَهُ. (۲)

هر کس، معامله پشیمانی را پس بگیرد، خداوند از لغزش او درمی‌گذرد.

خرید نسبه

بعضی افراد به خریدن جنس نسیه‌ای عادت کرده‌اند. آنان حتی اجناس غیرضروری را با وعده و وعید به نسیه می‌خرند و بعدها به دلیل بدقولی،

۱-۱. همان، ش ۳۱۷.

۲-۲. همان، ش ۲۸۶۰.

ص: ۷۴

اعتبار خود را از دست می دهند. تجربه نشان داده است که بیشتر اوقات، نسیه خریدن این افراد چنان گسترش می یابد که معامله های بزرگ انجام می دهند و در پایان، به سرشکستگی و ورشکستگی دچار می شوند. انسان مسلمان باید آینده نگر باشد و اقتصاد متوازی را در پیش بگیرد و آنچه را ضروری نمی داند، بر خود تحمیل نکند تا رسوای عام و خاص نشود. پیامبر عظیم الشان در معرفی سیره پسندیده خویش می فرماید:

لَا أَشْتَرِي شَيْئًا لَيْسَ عِنْدِي ثَمَنُهُ. (۱)

خشم

اسب سرکش، گاهی اختیار را از سوارش می گیرد و با بی رحمی تمام، او را بر زمین می کوبد و برای مدتی وی را در پی دوا و درمان راهی می کند. حتی ممکن است این سرکشی، به قیمت جان او تمام شود. خشم و غضب نیز همین حالت را دارد؛ یعنی تعادل روحی و روانی آدم را برهم می ریزد و ابزار تعقل او را از کار می اندازد. در این هنگام، تصمیم هایی می گیرد که پی آمدهای جبران ناپذیری خواهد داشت. چه بسا انسان هایی که برای یک لحظه عصبانیت، سالیان درازی از عمر ارزشمند خود را پشت میله های زندان به سر برده و حتی جان خود را از دست داده اند. افزون بر این، بر اثر خشم فراوان، آدمی کارهایی انجام می دهد یا سخنانی را بر زبان می آورد که از وقار او می کاهد و چهره اجتماعی و خانوادگی وی را زیر سؤال می برد. برای رهایی

ص: ۷۵

از چنین پی آمده‌های زیان‌باری، راهنمایان دینی، آدمیان را به بردباری و مهار خشم و غضب فراخوانده‌اند. مردی به پیامبر اسلام گفت: مرا سفارشی بفرماید. حضرت فرمود: خشم مکن. بار دیگر عرض کرد: باز هم توصیه‌ای بفرماید: حضرت باز هم فرمود: خشم مکن. سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرَعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۱)

نیرومند آن نیست که دیگری را بر زمین بکوبد، بلکه نیرومند آن است که هنگام خشم بر نفس خود مسلط باشد.

خواب صبح‌گاهی

بعضی افراد، صبح‌گاهان از بستر خواب برمی‌خیزند و با نشاطی مضاعف، کار و تلاش را از سر می‌گیرند. عده‌ای دیگر با گذشت زمانی از روز، همچنان در بستر خود به این سمت و آن سمت می‌غلتنند و مانند بیماری رنجور، توان برخاستن ندارند. این سستی، ناشی از پرخوابی آنان است که به دلیل همین عادت ناپسند، بسیاری از فرصت‌ها را از دست می‌دهند. در حالی که دیگران بخشی از کارهای روزانه خود را از انجام داده‌اند، وی با کسالت از خواب برمی‌خیزد و تا پایان روز همچنان در سستی باقی می‌ماند. پس شایسته است که به توصیه‌های حضرت رسول صلی الله علیه و آله عمل کنیم و از خواب بی‌ثمر چشم‌پوشیم. ایشان می‌فرماید:

الْصُّبْحَةُ تَمْنَعُ الرَّزْقَ. (۲)

خواب صبح‌گاهی مانع روزی است.

خواندن نامه دیگران

۱- ۱. تحف العقول، ص ۴۷.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۱۸۵۷.

ص: ۷۶

از عادت‌های زشتی که در برخی افراد وجود دارد، این است که بی اجازه، نامه دیگران را می‌خوانند یا در کار دیگران تجسس می‌کنند. اینان برای توجیه کار نادرست خود می‌گویند: «من و او نداریم»، «بین ما یگانگی کامل وجود دارد». البته این عذری ناپذیرفتنی است و حتی اگر پدر و فرزند، نامه‌های همدیگر را بخوانند، ناراحت می‌شوند؛ زیرا ممکن است مطالبی وجود داشته باشد که صاحب نامه نمی‌خواهد دیگران از آن آگاه شوند. پیامبر گرامی اسلام با توصیه به ترک چنین کار نکوهیده‌ای، می‌فرماید:

مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ. (۱)

هر کس بی‌اجازه برادرش به نامه او نگاه کند، مانند آن است که در آتش نگریسته است.

خوش بویی

انسان بنا بر طبیعت خود، بوی خوش و نیکو را دوست دارد و از بوی بد بیزاری می‌جوید. از این رو، همواره می‌کوشد فضای زیستگاهش عطر آگین باشد و از بوی بد پرهیز دارد. مکتب اسلام، پاکیزگی و بهداشت فردی و اجتماعی را سرلوحه دستورهای ارزشمند خود قرار داده است و بر رعایت آن در مکان‌های ارزشمند مانند مساجد و زیارت‌گاه‌ها بیشتر تأکید می‌کند؛ زیرا سبب جذب بیشتر مردم به این مکان‌ها می‌شود. پیامبر اسلام نیز همیشه خوش بو بود و به دیگران توصیه می‌فرماید:

أَنَّ خِيَارَ عِبَادِ اللَّهِ الْمُؤَفَّوْنَ الْمُطَيَّبُونَ. (۲)

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به وعده وفا می‌کنند و عطر به کار می‌برند.

خوش رفتاری با خانواده

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۶.

۲- ۲. همان، ش ۸۵۰.

ص: ۷۷

اعضای خانواده در برابر یکدیگر، وظایف و حقوقی دارند، مانند: تأمین امکانات رفاهی و آسایش و خوش رفتاری متقابل. متأسفانه افرادی یافت می‌شوند که در بیرون از محیط خانه، بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد هستند، ولی زمانی که وارد محیط امن خانواده می‌شوند، بسیار سخت گیرند و مانند انسان‌های خودخواه و پرتوقع، انتظار دارند که دیگران مطیع در بست آنان باشند. اینان هرگز با کسی مشورت نمی‌کنند و برای اعضای خانواده ارزشی قائل نیستند. به سخنان دیگران گوش نمی‌دهند و بی‌حوصله و زورگو هستند. گویی این فرد همان انسان خوش رو و خوش اخلاق بیرون از خانه نیست. اسلام این خصلت ناپسند را بسیار نکوهش کرده است و پیامبر گرامی اسلام برای تأمین ثبات و آسایش خانواده و توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده می‌فرماید:

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ. (۱)

بهترین شما کسانی هستند که برای اهل خود بهترینند.

خوش رفتاری با مردم

خوش رفتاری از راه‌های جلب محبت دیگران است. خوش رفتاری، اکسیری است که دل‌ها را به هم پیوند می‌زند و کارهای به ظاهر ناشدنی را ممکن می‌سازد. خداوند رحیم به پیامبر خدا اعلام می‌دارد که اگر تو فردی خشن و بداخلاق بودی، همگان از پیرامونت پراکنده می‌شدند. باری، راز موفقیت پیامبر گرامی اسلام، برخورداری از اخلاق نیکو بود و همین عامل

ص: ۷۸

سبب شد مردم گروه گروه به ایشان بیوندند و دین مبین اسلام در همه جا گسترش یابد. ایشان می فرماید:

أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا. (۱)

بهترین بندگان خداوند، خوش اخلاق ترین آنهاست.

خوش قلبی

خوش قلب کسی است که می کوشد از هیچ کس کینه و کدورتی به دل راه ندهد. وی از خوشحالی دیگران، شادمان و از بدحالی آنان، اندوهگین می شود. خود را از هم نوعان جدا نمی داند و در فراز و نشیبها در کنار آنان، احساس آرامش می کند. این ویژگی، نشانه پاکی روح و رشد و کمال مقام انسانیت اوست. بعضی افراد گاهی پا را فراتر می نهند و حتی بدیها را با خوبی پاسخ می گویند. چنین برخورد سازنده ای در سیره پیامبر گرامی اسلام دیده می شود. ایشان می فرماید:

مَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ صَالِحٌ تَحَنَّنَ اللَّهُ عَلَيْهِ. (۲)

خداوند مشتاق کسی است که قلبی نیکو دارد.

خیرخواهی

انسان مسلمان خود را در غم و شادی دیگران شریک می داند؛ یعنی آنچه را برای خود می خواهد، برای دیگران نیز خواهان است و آنچه را برای خود آرزو می کند، برای دیگران نیز آرزومند است. در این حال، اگر موفقیت و کمالی نصیب دیگران شود، لذت می برد و این، اوج خیرخواهی است.

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۸۴.

۲- ۲. همان، ش ۲۹۱۳.

ص: ۷۹

مسلمانان عضو خانواده بزرگ اسلامی اند و باید در غم و شادی یکدیگر شریک باشند. پس بکوشیم به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله جامه عمل بپوشانیم و چنین احساسی را در خویشتن پدید آوریم، آنجا که می فرماید:

أَحِبِّ لِلنَّاسِ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ. (۱)

آنچه برای خود می پسندی، برای دیگران نیز بخواه.

د

دانش اندوزی

همه کسانی که به مراتب بالایی از علم و آگاهی رسیده‌اند، از هر فرصتی برای کسب دانش سود جستند. آنان از مطالبی که دیگران قابل مطالعه نمی‌دانند و به راحتی از کنار آن می‌گذرند، بی‌اعتنا نمی‌گذرند و در راه تحصیل علم، مرارت‌ها و سختی‌های فراوانی را بر خود هموار می‌کنند. آنان با چشم‌پوشیدن از خواب و خوراک، کنار نهادن تکبر و غرور و با فروتنی و احترام در برابر استاد، ساعت‌ها و ماه‌ها و سال‌ها به تعلیم و آموختن نشسته‌اند. در نظر اینان، دانش همانند آب دریا است که هرچه از آن می‌آشامند، همچنان خود را تشنه‌تر و نیازمندتر می‌بینند. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به فراگیری دانش می‌فرماید:

أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَيْهِ. (۲)

دانشمندترین شخص آن است که علم دیگران را بر علم خود بیافزاید.

دانشجو باید از تنبلی و بی‌کاری دوری کند و با پشتکار به کسب دانش بپردازد. دانشجو باید از هر فرصتی که پیش می‌آید، بیشترین بهره را ببرد تا

۱- همان، ش ۸۷.

۲- همان، ش ۳۶۰.

ص: ۸۰

موفقیت لازم را به دست آورد. دانش طلبان از شتاب نکردن در بهره گیری از زمان، بیشترین زیان را می بینند؛ زیرا دانشجو باید در طلب علم همچون تیری از چله کمان رها شود و از اما و اگرها و امروز و فرداها رها باشد. پیامبر گرامی اسلام که پی جویی و پی گیری علم را تا راه های دوردست توصیه می کرد، درباره جد و جهد برای فراگیری دانش، سخنی نیکو به یادگار گذاشته است:

اغْدُوا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ فَإِنَّ الْغُدُوَّ بَرَكَةٌ وَ نَجَاحٌ. (۱)

در طلب دانش زودخیز باشید؛ زیرا در زودخیزی، برکت و کام یابی است.

دانشمندان بی عمل

بعضی از مردم، دیگران را ارشاد و راهنمایی می کنند و راه خیر و سعادت را به آنان نشان می دهند. آنها را از زشتی گناه آگاه می کنند و راه خیر و سعادت را پیش پای آنان قرار می دهند. به طور کلی، مردم در پرتو دانش و فضل این دانشمندان به رضوان الهی دست می یابند و سعادت مند و رستگار می شوند، ولی آن گاه که نوبت به خودشان می رسد و باید به دانستنی های خود عمل کنند، درمانده می شوند و در مقام عمل کم می آورند. تو گویی این اندوخته ها را فقط برای راهنمایی دیگران در مخزن ذهن خود بایگانی می کنند. این افراد جز حسرت و پشیمانی و گزیدن زبان های خویش بهره ای ندارند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره وضعیت این عالمان بی عمل می فرماید:

يُطَّلِعُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ مَا ادْخَلَكُمُ النَّارَ وَقَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ لِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَ لَا نَفْعَلُهُ. (۲)

۱- ۱. نهج الفصاحة، ش ۳۷۶.

۲- ۲. وافی، ج ۱۴، ص ۵۲.

ص: ۸۱

گروهی از بهشتیان به عده‌ای از دوزخیان نظر می‌افکنند و می‌گویند: چه کاری شما را به آتش کشانید در صورتی که ما به برکت تأدیب و آموزش شما داخل بهشت شده‌ایم. آنان در پاسخ می‌گویند: ما به نیکی امر می‌کردیم، ولی خودمان به آن عمل نمی‌کردیم.

دانشمند فاسد

اگر دانشمندی از جاده سلامت خارج شود و از دانش خود در مسیر نادرست بهره‌برداری کند، می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای بشریت داشته باشد.

عالم چون از ظرایف امور آگاه است، اگر گمراه شود، می‌تواند تعداد زیادی را به ورطه نابودی بکشد. عالم، راه گمراه کردن مردم را بهتر می‌شناسد و می‌داند چگونه حقیقت را وارونه و باطل را حق جلوه دهد. امروزه بسیاری از آسیب‌ها و زیان‌های جامعه انسانی بر اثر سوءاستفاده دانشمندان از دانششان رخ می‌دهد. دانشمند، نه تنها می‌تواند فکر مردم را بیمار کند، بلکه از راه دستاوردهای علمی او، گاهی زیان‌های فراوانی متوجه مردم می‌شود.

بنابراین، همان‌گونه که یک عالم بافضیلت می‌تواند افراد زیادی را به سوی رستگاری راهنمایی کند تا جامعه انسانی از دانش او بهره بگیرد، عالم گمراه هم منشأ آسیب‌های بسیاری خواهد شد. از پیامبر گرامی اسلام پرسیدند: «أَيُّ النَّاسِ شَرُّ؟» کدام یک از مردم بدترند؟ ایشان فرمود: «الْعُلَمَاءُ إِذَا فَسَدُوا؛ دانشمندان هر گاه فاسد شوند». (۱)

دانشوری

ص: ۸۲

علم در منطق اسلام، نوری است که پروردگار آن را در قلب‌های مستعدی پروراند و او را به راه راست و بندگی عاشقانه و عارفانه فرا می‌خواند. سعادت و نیک فرجامی آدمی در سایه این دانش به دست می‌آید. علم، آدمی را از تاریکی و ظلمت می‌رهاند و او را به سوی نور و روشنایی رهنمون می‌سازد.

آدمی چگونه می‌تواند از این منبع درخشان، روی گردان و بی‌بهره بماند، در حالی که در آموزه‌های روایی، پی‌گیری آن حتی در دوردست‌ترین سرزمین‌ها (یعنی چین) سفارش شده است. اصولاً آدمی برای رسیدن به گوهری ارزشمند، تا اعماق زمین و دریاها را می‌کاود و دانش نیز چنین است؛ گوهری ارزشمند و عاقبت‌آفرین که هر رنج و زحمتی برای به دست آوردن آن رواست. باید کوشید و لباس زیبای دانش را بر تن کرد و خود را به زیور ارزش‌ها آراست که اگر چنین شود، منزلت دنیوی و سعادت اخروی نصیب آدمی می‌شود. علم ارزشی، مسیر زندگی را به درستی می‌نمایاند و بهترین یار و یاور آدمی در حل مشکلات و آراستن به فضایل اخلاقی است. انسان دانشمند، بسیار دقیق است و هر چیزی را آن‌گونه که باید، ادا می‌کند. پیامبر دانش گستر و دانشمند پرور در فضیلت دانش می‌فرماید:

بِالْعِلْمِ يُطَاعُ اللَّهُ وَيُعْبَدُ وَ بِالْعِلْمِ يُعْرَفُ اللَّهُ وَيُوحَدُ وَ بِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ وَ يُعْرَفُ الْحَلَالُ وَ الْحَرَامُ وَ الْعِلْمُ أَمَامُ الْعَقْلِ. (۱)

با دانش، اطاعت و پرستش خدا انجام می‌گیرد. به واسطه دانش، خداوند شناخته می‌شود و عقیده به یگانگی او پیدا می‌شود. به وسیله دانش، حق خویشان ادا

ص: ۸۳

می شود و حلال و حرام شناخته می گردد و دانش، پیشوای عقل است.

دخالت در درگیری

یکی از بدترین کارها این است که انسان بی آنکه درباره موضوعی آگاهی کافی داشته باشد، پیشاپیش درباره آن نزاع کند یا بدون دلیل منطقی و تنها برای خودنمایی و غرور بی جا، در دعوی دیگران دخالت کند. در این صورت، نزاعی که ممکن است با مصلحت‌سنجی طرفین، پایان پذیرد، به یک اختلاف ریشه‌ای و عمیق تبدیل می شود. البته این گونه افراد به زودی از کرده خود پشیمان خواهند شد، ولی «چرا عاقل کند کاری / که باز آرد پشیمانی؟» پیامبر گرامی اسلام با انتقاد از این عمل ناسنجیده می فرماید:

مَنْ جَادَلَ فِي خُصُومَةٍ بغيرِ عِلْمٍ لَمْ يَزَلْ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَنْزِعَ. (۱)

هر کس بدون آگاهی در خصومتی شرکت کند، در خشم خداست تا آن گاه که از آن دست بردارد.

در انتظار فردا

حقیقت این است که هیچ کس نمی تواند به زندگی فردای خود اعتماد داشته باشد؛ زیرا هر لحظه در معرض مرگ است و نمی داند چه چیزی برایش اتفاق خواهد افتاد.

چگونه انسان می تواند فردا را جزو عمر خود به حساب آورد، در حالی که پیرامون خویش، کسانی را می بیند که در یک چشم برهم زدن با مرگ طبیعی یا حوادث ناگهانی، به سوی سرای دیگر کوچ می کنند. پس برای تهیه ره توشه آخرت، با امید به فردا و فرداها نمی توان زیست. باید لحظه‌ها را غنیمت دانست و از آن بهره برد؛ زیرا جز ذات الهی، کسی نمی داند چه سرنوشتی برای فردای او رقم خورده است.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله درباره امید داشتن واهی به فرداها می فرماید:

ص: ۸۴

مَنْ عَدَّ عَدًّا مِنْ أَجَلِهِ فَقَدْ أَسَاءَ صُحْبَةَ الْمَوْتِ. (۱)

هر کس، فردا را از عمر خویش شمارد، مرگ را خوب نشناخته است.

درخت کاری

اگر نهال کوچکی در زمین بنشانید، پس از مدتی به درخت بزرگی تبدیل خواهد شد که همگان می‌توانند از سایه دل‌پذیر آن و میوه‌های شیرین و آب‌دارش بهره‌گیرند. درخت کاری در پاکیزگی و تلطیف هوا نیز اثرگذار است. البته این همه فایده، به یک تصمیم به ظاهر ساده برمی‌گردد. هنگامی که انسان می‌تواند با کاشتن یک نهال کوچک، این گونه برای خود و دیگران سودمند باشد، چرا چنین نکند و در سرسبزی و زیبا سازی محیط پیرامون خود نقش نداشته باشد؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این عمل را بسیار ستوده است:

مَنْ غَرَسَ غَرْسًا لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ آدَمِيٌّ وَلَا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ. (۲)

هر که درختی بکارد، هر بار که انسان یا یکی از مخلوقات خدا از میوه آن بخورد، برای وی صدقه است.

درخواست

تمنا کردن از دیگران، از شخصیت و بزرگی آدمی می‌کاهد. بر این اساس، اسلام برای تکریم شخصیت انسانی، دستور داده است تا آنجا که می‌توانید دست نیاز به سوی این و آن دراز نکنید. در حقیقت، بی‌نیازی در پس پرده مناعت طبع قرار دارد. کسی که عزت نفس و بزرگی دارد، هیچ‌گاه به خاطر تأمین اندکی از نیازهای خود، رنج خواهش از دیگران را بر خود هموار

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۲۶.

۲- ۲. همان، ش ۲۹۲۱.

ص: ۸۵

نمی‌کند و خود را پیش دیگران خوار و کوچک نمی‌سازد. عملکرد معصومین ما در قناعت و درخواست نکردن بسیار آموزنده است. آنان هیچ‌گاه برای به دست آوردن چیزی از دیگران مطالبه نمی‌کردند و بردباری پیشه می‌کردند تا در زمان مناسب به خواسته مشروع خود دست پیدا کنند. فقر و غنا به داشتن مال و منال نیست، بلکه چه بسیار فقیرانی که در حقیقت، استغناى نفس داشته‌اند و بزرگند و چه دارندگانی که هنوز هم دست نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان در واقع، خود به نوعی فقر و نیازمندی دچارند که در ظاهر دیده نمی‌شود. به راستی ما جزو کدام دسته‌ایم؟

پیامبر ارجمند اسلام درخواست کردن غیر ضروری را نشانه فقر می‌شمارد و می‌فرماید:

قَلَّةٌ طَلَبَ الْخَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرُ وَ كَثْرَةُ الْخَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ وَ هُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرُ. (۱)

کم خواهش کردن از مردم، بی‌نیازی حاضر و زیاد خواهش کردن از مردم، خواری و فقر حاضر است.

دروغ‌گویی

دروغ یکی از انحراف‌های شدید اخلاقی است. دروغ‌گو پیوسته دچار تشویش و نگرانی است و بیم آن دارد که حقیقت مطالب آشکار و او رسوا شود. بر اثر کشف حقایق، شرافت ذاتی دروغ‌گو از دست می‌رود و وی نزد دیگران حقیر و ناچیز می‌شود. دروغ‌گویی از صفات ناپسندی است که در همه آیین‌ها عامل انحطاط شخصیت فرد و آسیب اجتماعی شمرده شده

ص: ۸۶

است. هر کس راست‌گوتر باشد، سخن مردم را زودتر باور می‌کند و هر که دروغ‌گوتر است، بیشتر مردم را دروغ‌گو می‌شمارد. از روایات معصومین برمی‌آید که درمان دروغ‌گویی بر بهسازی روحی و معنوی آدمی تأثیر فراوانی دارد. در حقیقت، وقتی آدمی، مادر زشتی‌ها را ترک می‌کند، رفته رفته کاستی‌های اخلاقی دیگر را نیز از خود دور می‌سازد.

پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر پرهیز از دروغ می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يُسَوِّدُ الْوَجْهَ، ثُمَّ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا وَأَنَّ الصُّدْقَ يُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَيُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا وَأَعْلَمُ أَنَّ الصُّدْقَ مُبَارَكٌ وَالْكَذِبُ مَشُؤُومٌ. (۱)

از دروغ پرهیز؛ زیرا دروغ، رو را سیاه می‌کند و سپس مرتکب آن، نزد خداوند دروغ‌گو نوشته می‌شود و راست‌گویی، رو را سفید می‌کند و نزد خداوند راست‌گو نوشته می‌شود و بدان که راست‌گویی، مبارک و دروغ‌گویی، شوم است.

دعا در غیاب دیگران

دعاهایی که در نبود افراد، در حق آنان انجام می‌شود، بسیار به اجابت، نزدیک و نشان‌دهنده کمال اخلاص دعا کننده است؛ زیرا ممکن است دعاهایی که در حضور دیگران انجام می‌شود، با شایبه ریا و جلب اعتماد و رضایت ذی‌نفع همراه باشد. به یقین، چنین اعمالی نزد پروردگار متعال، هیچ ارزشی نخواهد داشت. دعا کننده در دعاهای پنهانی که تنها برای رضایت الهی است، دعا را حتی پس از اجابت نیز فاش نمی‌سازد تا ذی‌نفع متوجه نشود که با چه

ص: ۸۷

واسطه‌ای، مورد لطف خداوند قرار گرفته است. پیامبر اسلام، عمل خالصانه را گران‌سنگ‌ترین و با ارزش‌ترین اعمال می‌داند و می‌فرماید:

اسْرِعُ الدُّعَاءِ اجَابَةً دَعَاءُ غَائِبٍ لِغَائِبٍ. (۱)

سریع‌ترین دعا که اجابت می‌شود، دعای غایب برای دیگری است.

دعوت به گمراهی

هر کس مسئول رفتار و گفتار خویش است، ولی گاهی انسان با گفتار یا رفتار خویش در گناه یا ثواب دیگران شریک می‌شود و آن در صورتی است که فرد، دیگران را به انحراف بکشاند. برعکس، چنانچه انسان، دیگران را به کار و سنت نیکو فرا بخواند تا به سعادت دنیا و آخرت برسند، در ثواب عمل‌کنندگان نیز شریک خواهند بود. پس مبدا که با گفتار و کردار خویش، دیگران را گمراه کنیم؛ زیرا در آن صورت، عذابی دردناک در انتظارمان خواهد بود. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

إِيْمَا دَاعٍ دَعَا إِلَى ضَلَالَةٍ فَاتَّبِعْ فَإِنَّ عَلَيْهِ مِثْلَ أَوْزَارِ مَنْ اتَّبَعَهُ ... (۲)

هر کس که مردم را به گمراهی بخواند و از او پیروی کنند، گناهی مثل گناه عمل‌کنندگان به آن خواهد داشت ...

دگرگونی‌های زندگی

زندگی همیشه یکنواخت نیست، بلکه همیشه تغییر، دگرگونی و فراز و نشیب‌هایی دارد. انسان اندیشمند از تحول‌های مثبت و منفی روزگار، درس زندگی می‌آموزد و درمی‌یابد که چه عواملی در شکست یا پیروزی اثرگذار

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۱.

۲- ۲. همان، ش ۱۰۲۶.

ص: ۸۸

است. از طبیعت بی جان که با رویش جوانه‌ها و دمیدن روح بهار، طراوت و سرزندگی می‌یابد و از پایدار نبودن جاه و مقام‌ها، به ماهیت این سرای گذر، پی می‌برد. در نتیجه، از خواب غفلت برمی‌خیزد و خود را برای روزی آماده می‌کند که مال و فرزند به یاری انسان نمی‌شتابند. بلکه قلب سلیم و پرهیزگاری، دستگیر انسان است. پیامبر اسلام، کسانی را که از گذر زمان و فراز و فرودهای روزگار پند نمی‌گیرند، نکوهش می‌کند و می‌فرماید:

اغْفَلُ النَّاسُ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ. (۱)

غافل‌ترین مردم کسی است که از دگرگونی‌های دنیا پند نگیرد.

دنیایابی

مردم دنیا پرست بسیاریند و افراد دنیادار هم بی‌شمار. تمام فکر این افراد در دایره مادیات سیر می‌کند و اندیشه آنان از شهوت‌ها فراتر نمی‌رود. اگر از دین سخن می‌گویند، بسیار سطحی و گذرا است. آنان دین را هم وسیله دست‌یابی به اهداف دنیوی خویش قرار داده‌اند. اگر میان دین و دنیایشان تراحمی پیش آید و مجبور شوند یکی را برگزینند، حتماً در پی دنیا خواهند رفت. در صورت به مخاطره افتادن دینشان، هیچ حساسیتی نشان نمی‌دهند و بی‌اعتنا از کنار آن می‌گذرند، ولی شتابان به دور دنیا می‌چرخند و تمام نیروی خود را به کار می‌گیرند تا توشه دنیایی را به دست آورند. حتی در این راه از ستمگری و حق‌کشی، نیرنگ و مانند آن هم روی گردان نیستند. آنان نمی‌دانند که چه گوهرهای ارزشمندی را در راه به دست آوردن مال ناچیز دنیا هدر داده‌اند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای پیش‌گیری از این وضعیت اجتماعی و بر حذر بودن از این گونه افراد می‌فرماید:

ص: ۸۹

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُبَالِي الرَّجُلُ مَا تَلَفَ مِنْ دِينِهِ إِذَا سَلِمَتْ لَهُ دُنْيَاهُ. (۱)

زمانی برای مردم پیش خواهد آمد که مردم به تلف شدن دین اهمیتی نمی دهند، هنگامی که دنیای آنها محفوظ و سالم باشد.

دوراندیشی

شتاب زدگی در کارها، نتیجه‌ای جز زیان و پشیمانی به همراه ندارد. برای انجام هر کاری باید جنبه‌های آن را خوب سنجید و پیش بینی‌های لازم را انجام داد و به عاقبت کار نیز توجه داشت. بی‌شک، با چنین مقدمه‌چینی‌هایی، درصد موفقیت کارها بالا می‌رود و بیشتر می‌توان به نتیجه کار خوش بین بود. باید گفت مشورت و مراجعه به افراد شایسته، خردمند و کارشناس، کارگشا خواهد بود. هرگونه رای زنی با ناآگاهان نه تنها مشکلی را نمی‌گشاید، بلکه مشکلی بر مشکلات خواهد افزود.

در آموزه‌های دینی، درباره پیمودن مسیر صحیح برای دستیابی به نتایج کار توصیه‌های مؤکدی بیان شده است. برای مثال، مردی از پیامبر اسلام پرسید: حزم چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

تَشَاوُرُ امْرَأَةٍ ذَارَأِيٍّ ثُمَّ تُطِيعُهُ. (۲)

حزم آن است که با مردی که دارای اندیشه صحیح و رأی عاقلانه باشد، مشورت و از او پیروی کنی.

دورویان

ظاهر و باطن بعضی از انسان‌ها با هم متفاوت است. آنان در ظاهر، ادعای دوستی می‌کنند، ولی در پنهان بر طبل دشمنی می‌کوبند؛ در جمع، به تعریف و تمجید

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۲.

۲- ۲. همان، ص ۴۶.

ص: ۹۰

می پردازند و در پنهان، هزار و یک عیب درست و نادرست را برجسته می سازند و می کوشند تا از قدر و قیمت افراد بکاهند. این افراد اگر به کسی هم احترام بگذارند، از روی صداقت نیست، بلکه برای رفع نیازهای خود، نزد دیگران کرنش می کنند. در ظاهر برای او هزاران دعای خیر می کنند، ولی اگر غمی به دیگران روی آورد، شادمان می شوند. در حقیقت، اعتماد کردن به این انسان‌های دورنگ و در دام آنها گرفتار آمدن، آسیب‌های جدی به روح و روان آدمی و دین و ایمان او وارد می کند. چه بسا با تعریف‌های او غرور و بزرگی در خود احساس کند و از جاده بندگی خارج شود. پس شایسته است با آشنایی با ویژگی‌های این افراد که به وسیله پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بازگو شده است، از دوستی با آنان پرهیز کنیم. رسول حقیقت می فرماید:

انَّ لِلْمُتَكَلِّفِ مِنَ الرِّجَالِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: يَمَلِّقُ إِذَا شَهِدَ وَيَعْتَابُ إِذَا غَابَ وَيَشْتُمُ بِالْمُصِيبَةِ. (۱)

مردمان ظاهر ساز و حيله گر سه نشانه دارند: رودر روی اشخاص، چاپلوسی می کنند؛ پشت سرشان، غیبت و بدگویی می کنند و به خاطر مصیبتی که به دیگران رسیده است، شادی می کنند.

دوری از مواضع اتهام

گاهی انسان، خود، شخص محترم و آبرومندی است، ولی به دلیل نشست و برخاست با کسانی که مورد اتهام هستند، در معرض تهمت قرار می گیرد. مردم می پندارند او نیز در سلک و پیشه آنان است؛ چون اگر با آنان مخالف بود، به هم نشینی با آنان ادامه نمی داد. چه بسا ممکن است او فرد درست کاری باشد، ولی به دلیل رفت و آمد با بدان، به تدریج خوی و خصلت آنان را بگیرد و رنگ الهی

ص: ۹۱

خویش را از دست بدهد. بنابراین، بسیار شایسته است که انسان، برای سلامت روح و روان و دوری از اتهام، دوستی با چنین افرادی را ترک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَوْلَى النَّاسِ بِالْتُّهْمَةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ التُّهْمَةِ. (۱)

هر که با متهمان هم‌نشینی کند، بیش از همه سزاوار تهمت است.

دوستی خدا

آفرینش انسان به گونه‌ای است که حب به ذات دارد، هرچند به دیگر انسان‌ها نیز علاقه نشان می‌دهد. حب به ذات سبب می‌شود انسان برای حفظ جان خویش تلاش کند و برای پایداری دوستی‌ها به فداکاری و جانبازی دست بزند. برترین گونه عشق و محبت که به آن عشق واقعی می‌گویند، حب به ذات لایزال الهی است. عاشق خداوند، دوستی او را بر هر چیزی مقدم می‌دارد و همه هستی خویش را برای محبت او فدا می‌کند. محبت به خدا در زندگی دنیوی، با کمک به نیازمندان، انجام خدمات خداپسندانه و اصلاح امور هم‌نوعان تجلی می‌یابد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به علاقه مُحَبِّ و محبوب می‌فرماید:

مَنْ أَثَرَ مَحَبَّةَ اللَّهِ عَلَى مَحَبَّةِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ مَوْنَةَ النَّاسِ. (۲)

هر که محبت خدا را بر محبت مردم ترجیح دهد، خداوند، گرفتاری مردم را از او کفایت می‌کند.

دین داری

هرچند سرپرست خانواده در برابر تأمین مخارج زندگی مسئول است، ولی این به آن معنا نیست که در تأمین نیازمندی‌ها، از دین و شرف و انسانیت

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۹۷۵.

۲- ۲. همان، ش ۲۸۳۷.

ص: ۹۲

بگذرد. منظور آن است که او بکوشد از راه‌های پسندیده و مقبول، امرار معاش کند. سرپرستی که به هر شیوه‌ای دست می‌یازد تا رفاه و امکانات زندگی را فراهم کند، افزون بر اینکه در مسیر دیانت حرکت نمی‌کند، به گونه‌ای، افراد خانواده را نیز در دام چنین روش‌های نادرستی خواهد افکند. چنین شخصی باید بداند که به زودی، همه اندوخته‌های مادی او به دست وارثان می‌افتد و تنها اعمال او می‌تواند او را از عذاب آخرت نجات دهد. چرا انسان باید دیانت خود را فدای کسانی کند که نمی‌توانند در سختی‌ها و تنگناهای حساب‌رسی، اندک کمکی به او کنند؟ بر این اساس، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله هشدار می‌دهد:

الْوَيْلُ لِمَنْ تَرَكَ عِيَالَهُ بِخَيْرٍ وَقَدِمَ عَلَى رَبِّهِ بِشَرٍّ. (۱)

وای بر آن کسی که خیر برای اهل خود نهد و با شر نزد خدا برود.

دین‌گریزی

عمل به مفاهیم دینی جز خوش‌بختی و پیروزی مادی و معنوی به بار نمی‌آورد، همچنان که سرنوشت کسانی که به این گنج عظیم پشت می‌کنند، جز پشیمانی نخواهد بود. هر آن کس که خواهان سعادت جاودانه است، باید هم‌پای دستورهای دینی حرکت کند؛ زیرا دین‌داری، انسان را از حالت سرگردانی می‌رهاند و راه هدایت را فرا روی او می‌نمایاند. بعضی دین‌گريزان می‌کوشند چهره دین را ترسناک نشان دهند و رشته انس و الفت دینی را در جامعه بگسلند. در حالی که بهترین انسان‌ها، دین‌داران هستند که با دین‌داری، محبوب قلب‌ها شده‌اند. پیامبر محبوب اسلام می‌فرماید:

لَا تُخِيفُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْدِينِ. (۲)

خوشتن را از دین مترسانید.

د

راز داری

۱- ۱ نهج الفصاحه، ش ۳۲۰۲.

۲- ۲ همان، ش ۲۴۳۲.

ص: ۹۳

اگر شخصی، رازی نزد شما دارد، نباید آن را آشکار سازید؛ زیرا گناه آن کمتر از خیانت در امانت نیست. در حقیقت، هنگامی که کسی، رازی را با شما در میان می‌گذارد، به شما اعتماد کرده و امانتی سپرده است. اگر این راز آشکار شود، نه تنها در امانت او خیانت شده است، بلکه ضربه‌های شدید روحی و روانی بر او وارد می‌شود که جبران‌ناپذیر است. آشکار کردن راز دیگران، مایه آبروریزی برادر مسلمان و زمینه‌ساز جدال و بدبینی است. پیامبر بزرگوار در باره حفظ اسرار دیگران می‌فرماید:

إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ بِحَدِيثٍ ثُمَّ التَّفَتَ فِيهِ أَمَانَةٌ. (۱)

وقتی کسی حرفی زد و اطرافش را نگاه کرد (که دیگران نفهمند)، آن حرف امانت است.

راست‌گویان دروغین

ظاهر و باطن برخی افراد یکسان است و به دلیل این ویژگی، همواره مورد احترام مردم هستند و دیگران به آنان اعتماد دارند. در مقابل، با افرادی روبه‌رو می‌شویم که با ظاهرسازی و ریاکاری‌های حساب شده، خود را به عنوان انسان‌های راست‌گو معرفی می‌کنند، ولی در مواقع مقتضی، برخلاف انتظار ظاهر می‌شوند. در این حالت، افرادی که به آنان اطمینان کرده‌اند، پشیمان می‌شوند و اعتماد آنان به‌طور کامل از بین می‌رود. رسول الله صلی الله علیه و آله، این راست‌گویان دروغین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و می‌فرماید:

ص: ۹۴

كَبِرَتْ خِيَانَةٌ أَنْ تُحَدِّثَ أَخَاكَ حَدِيثًا هُوَ لَكَ بِه مُصَدِّقٌ وَأَنْتَ لَهُ كَاذِبٌ. (۱)

خیانتی بس بزرگ است که تو به برادر خویش سخنی بگویی که او تو را راست گو شمارد، در حالی که دروغ گفته باشی.

راه نجات و رستگاری

انسان در مسیر زندگی، همواره در دو راهی انتخاب قرار دارد؛ راه شقاوت یا راه سعادت. آدمی بر اساس فطرت خدادادی و آموزه‌های وحیانی راه را از بی‌راه می‌شناسد، ولی مانعی به نام هوای نفس هم بر سر راهش قرار دارد که او را از رسیدن به کمال باز می‌دارد. در نتیجه، عاقبتی جز ناکامی و بدفرجامی بهره‌اش نمی‌گردد. چه نیکوست که آدمی در مسیر هدایت و صراط مستقیم، آموزه‌های نورانی نبی اکرم صلی الله علیه و آله را چراغ راهش سازد که راه نجات و رستگاری را در ملکه کردن فضیلت‌های انسانی می‌شمارند و می‌فرماید اگر این اخلاق پسندیده و ارزش‌ها در وجود آدمی ریشه گیرد؛ چه در حالت رضا و چه در حال نگرانی و خشم، رویه‌ای واحد در پیش می‌گیرد و از جاده اعتدال خارج نمی‌شود.

اگر بر خلاف این راه حرکت کند، مانند کسی است که خلاف جریان آب شنا می‌کند. در نتیجه، جز خستگی چیزی برایش به همراه ندارد و او را از مسیر کمال و سعادت دور می‌سازد. توصیه‌های رسول اعظم صلی الله علیه و آله چنین است:

وَأَمَّا الْمُتَنَجِّياتُ: فَالْعَدْلُ فِي الرِّضَا وَالْعُضْبُ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرُ وَخَوْفُ اللَّهِ فِي السَّرِّ وَالْعَلَايِيهِ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ. (۲)

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۱۲۰.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۸.

ص: ۹۵

عوامل نجات و رستگاری عبارتند از: عدالت و میانه‌روی در حال خشنودی و غضب؛ میانه‌روی در بی‌نیازی و نیازمندی؛ بیم از خدا در نهان و آشکار، به گونه‌ای که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نبینی، او تو را می‌بیند.

پادشاه‌ها و ثواب‌ها سلسله‌مراتبی دارند و بعضی کارها، ثواب فراوان و بعضی دیگر ثواب کمتر دارند. ما انسان‌ها به معاملات دنیوی اهمیت بسیاری می‌دهیم و همه چیز را به خوبی می‌سنجیم. در نهایت، وارد معامله‌ای می‌شویم که امکان دست‌یابی به سود سرشاری برای ما فراهم باشد. شایسته است همین دوراندیشی را برای فضیلت‌های اخلاقی نیز به کار بندیم تا از گنج بی‌پایان الهی، بهره لازم را به دست آوریم. تا آنجا که از کلمات نورانی رسول مکرم برمی‌آید، اخلاق خوب، خوش برخوردی و معاشرت نیک، از جمله کارهایی است که مقام بالایی برای انسان به همراه می‌آورد. در ترازوی عمل کسی در روز قیامت، چیزی بهتر از خوش خلقی گذاشته نشده است و خوش اخلاق، نزدیک‌ترین هم‌نشین رسول الله صلی الله علیه و آله در روز رستاخیز است. رسول اخلاق می‌فرماید:

أَحْسِنْ خُلُقَكَ مَعَ أَهْلِكَ وَ جِيرَانِكَ وَ مَنْ تُعَاشِرُ وَ تُصَاحِبُ مِنَ النَّاسِ، تُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى (۱)

با اهل خانه، همسایه‌ها و کسانی که با آنان معاشرت داری، خوش اخلاق باش تا نزد خداوند در شمار اشخاصی نوشته شوی که درجات عالی دارند.

راهنمایی

از کارهای پسندیده آن است که ره گم‌کردگان را به راه راست هدایت کنیم تا به

ص: ۹۶

مقصد برسند. در یک قیاس کوچک می‌توان گفت گاهی به افرادی که مسافر و غریبه‌اند، برمی‌خوریم که کوچه‌ها و خیابان‌های شهر ما را نمی‌شناسند. ما وظیفه داریم تا آنان را به مقصد راهنمایی کنیم؛ زیرا کاری پسندیده و ارزشمند است. همچنین گاهی افرادی هستند که راه را از چاه باز نمی‌شناسند و گمراهند. در اینجا نیز انسان مشفق و خیرخواه می‌کوشد تا راه راست را به او باز شناساند و وی را به سوی جاده سلامت و سعادت رهنمون شود. پیامبر گرامی اسلام درباره هدایت رهجویان می‌فرماید:

... اِرْشَادُكَ الرَّجُلَ فِي اَرْضِ الضَّلَالِ لَكَ صَدَقَةٌ ... (۱)

... راهنمایی کسی که راه را گم کرده است، صدقه است ...

رسوایی آخت

بی‌شک، انسان پس از مرگ با نتیجه اعمال خود روبه‌رو خواهد شد و روز حساب بیش از هر چیز دیگری به انسان نزدیک‌تر است. راست‌گوترین افراد؛ یعنی پیامبران و امامان، با تصدیق این امر، مردم را از انجام کارهای زشت برحذر داشته و فرموده‌اند که نتیجه هر کار خوب یا بدی به انسان بازمی‌گردد.

روزی فرامی‌رسد که پرده‌ها فرو می‌افتد و باطن و حقایق انسان آشکار می‌شود و انسان‌های بدکار، رسوای عام و خاص خواهند شد. پس ای عزیز! ما که حاضریم برای حفظ آبروی خود در دنیا، هزینه‌های گزاف پردازیم، چگونه در برابر حفظ آبروی خود در زندگی جاوید بی‌توجهیم. آیا نباید برای حفظ آبروی خود در دنیای دیگر چاره‌ای بیاندیشیم؟ پیامبر راستین اسلام در این باره می‌فرماید:

فُضُوحُ الدُّنْيَا أَهْوَنُ مِنْ فُضُوحِ الآخِرَةِ. (۲)

رسوایی دنیا آسان‌تر از رسوایی آخت است.

رسیدگی به خانواده

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۱۱۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۰۵۷.

ص: ۹۷

در اسلام، تأمین نفقه و مخارج زندگی بر عهده مرد نهاده شده و از او خواسته شده است تا در این راه، از هیچ کوششی کوتاهی نرزد. اسلام، پدر را در مقابل همسر و فرزند، مسئول می‌داند و از او می‌خواهد تا برای فراهم آوردن خواسته‌های معقول آنان بکوشد. حتی سفارش می‌کند که شوهر باید وضعیت بهتری از خانه پدری همسر را برای او ایجاد کند. بی‌تردید، تنبلی و کسالت در تأمین مخارج و سخت‌گیری در ادای حقوق خانواده، در پیش‌گاه وجدان انسانی و خداوند بزرگ محکوم است و آتش بی‌مهری و نزاع را در محیط آرام خانواده شعله‌ور می‌سازد. پیامبر اسلام در تشویق کسی که مسئولیت حفظ و بقای خانواده را به عهده گرفته است، می‌فرماید:

أَوَّلُ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ نَفَقَتُهُ عَلَى أَهْلِهِ. (۱)

نخستین چیزی که در ترازوی بنده می‌گذارند، خرجی است که برای خانواده کرده است.

رسیدگی به فرزندان

بسیاری از خانواده‌ها در رسیدگی به فرزندان، راه افراط و تفریط را در پیش می‌گیرند. برخی، چنان بر فرزندان خود سخت می‌گیرند که آنان به عقده‌های روانی دچار و به راه ناصواب کشانده می‌شوند. بعضی دیگر نیز چنان امکانات بی‌حساب در اختیار فرزند خویش قرار می‌دهند که او را نازپرورده بار می‌آورد. چنین فرزندگی در رویارویی با کوچک‌ترین مشکل، روحیه خود را

ص: ۹۸

از دست می‌دهد یا اینکه به همه قوانین و مقررات شرعی و اخلاقی دهن کجی می‌کند. این ثمره افراطگری خانواده‌هاست. اگر خانواده‌ها، راه اعتدال و میانه‌روی را در پیش بگیرند، فرزندان سالم به جامعه تحویل می‌دهند، نه فرزندان اسرافگر و بی‌مبالات یا عقده‌ای و سهل‌انگار. حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّكَ إِنْ تَتْرَكَ أَوْلَادَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَتْرُقَهُمْ عَالَةً. (۱)

اگر پس از تو، فرزندان بی‌نیاز باشند، بهتر است از اینکه نیازمند رهایشان سازی.

رضایت خلق

اگر آدمی، علت العلل و سبب الاسباب را فراموش کند، دچار سردرگمی می‌شود. علت‌ها را اشتباه می‌گیرد و تصور می‌کند که گره مشکلات او به دست بندگان گشوده می‌شود. از این‌رو، دست‌نیاز به سوی آنان دراز می‌کند و برای جلب رضایتشان به هر کاری دست می‌زند تا به اهداف دنیوی خود دست یابد. چنین تفکری، جز فروتنی در برابر دارندگان مقام و ثروت، چیزی به همراه ندارد. در این حال، انسان ارزشمند و اشرف مخلوقات برای به دست آوردن زر و زیور و مال و مقام، به خواسته‌های انسان‌های صاحب ثروت و مکتن تن می‌دهد و چه بسا که درخواست‌های این افراد، مخالف دین بوده و غضب و روی گردانی خداوند را نیز در پی داشته باشد. انسان مادی‌گرا و مقام‌طلب به تنها چیزی که توجه ندارد، رضوان الهی است؛ چون راه را گم کرده و پناه‌گاه را اشتباه گرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این افراد می‌فرماید:

ص: ۹۹

مَنْ طَلَبَ رِضَى الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ سَلَّطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْمَخْلُوقَ. (۱)

کسی که به سبب خشنود ساختن شخصی، کاری را انجام دهد که خدا از آن کار ناراضی و خشمگین باشد، خداوند، همان شخص را بر آن کس مسلط می‌گرداند.

رفع نیازمندی‌ها

بعضی افراد به دلیل پاکدلی و خدمت خالصانه به مردم، از لطف خاص الهی برخوردار شده‌اند و همواره شوق خدمت به مردم در قلب آنان فروزان‌تر می‌شود.

این توفیق بزرگی است که تنها نصیب انسان‌های بلند همت می‌شود. اینان در راه خدمت به مردم، از لذت‌های روحانی سرشار می‌شوند و در پی رفع نیاز حاجت‌مندان، سر از پا نمی‌شناسند. به راستی، چه زیباست که انسان‌های توانمند در پی شادمان ساختن بندگان خدایند. اینان بندگان خاص خدا هستند که پاداشی بی‌حساب در انتظارشان خواهد بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا صَيَّرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ. (۲)

وقتی خدا بخواهد به بنده‌ای نیکی رساند، حاجت‌های مردم را در دست او قرار می‌دهد.

روش تبلیغ

یکی از عوامل موفقیت در تبلیغ، سخن گفتن به اندازه درک مخاطبان است. سخنان پرمغز و پرمعنا برای کسانی که ظرفیت‌های بالایی ندارند، نامفهوم

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۲.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۱۴۴.

ص: ۱۰۰

خواهد بود، همان گونه که سخنان سبک و ساده برای افراد زیرک خسته کننده است. در صورتی که مبلغ به اندازه درک مخاطب سخن نگوید، آنان از دور او پراکنده می شوند و مقصود نهایی به دست نمی آید. مبلغ آن گاه که دل های مردم را مستعد و آماده می بیند، باید با ظرافت و زیرکی، بذر دانش را در آن پاشد تا بهترین محصول که همانا رسیدن به قرب و کمال است، به دست آید. پیامبران الهی کاملاً به این مهم توجه داشتند و آن را در برخورد با مخاطبان خویش به کار می بستند. پیامبر گرامی اسلام نیز با هر کسی به اندازه عقلش سخن می گفت. انسان های مختلف، خوشه چین کرامت انسانی حضرت بودند و همه از سخن گفتن با رسول الله صلی الله علیه و آله توشه برمی گرفتند و از محضر مبارک ایشان راضی برمی خاستند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

أَنَا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمْرًا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (۱)

ما جماعت پیغمبران مأموریم که با مردم، به اندازه عقل آنان سخن بگوییم.

ز

زهد و پارسایی

زهد به معنای غایب شدن از بین مردم و پناه بردن به غار و بیابان نیست. زهد به معنای تسییح به دست گرفتن و به طور کلی امور دنیا را وانهادن نیست. زهد به معنای بی خبری انسان از عالم سیاست و ناآگاهی از آنچه در پیرامونش می گذرد، نیست. زهد به معنای گوشه گیری و گره گشایی نکردن از امور فردی و اجتماعی دیگران نیست. اینها همه تفسیرهای نادرست از زهد

ص: ۱۰۱

و پارسایی است. در اسلام، زاهد به کسی گفته می‌شود که از دنیاگرایی شدید و محور قرار دادن امور مادی پرهیز می‌کند و اگر هم اندوخته‌ای دارد، بر اساس چارچوبی که دین آن را تعیین کرده است، هزینه می‌کند و به دیگران نیز یاری می‌رساند. حقیقت زهد و پارسایی را باید در سیره رفتاری و کلام نورانی معصومین علیهم السلام جست‌وجو کرد؛ زاهدانی حقیقی که پارسایان شب و شیران روز بودند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در ترسیم گوشه‌ای از حقیقت زهد می‌فرماید:

الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَالْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ. (۱)

زهد در دنیا، کوتاهی آرزو، به جا آوردن شکر هر نعمت و پرهیز از هر چیزی است که خداوند آن را حرام کرده است.

زیبا سخن گفتن

به راستی که کلام، معجزه گر است و می‌تواند تأثیر فراوانی بر مخاطبان خود داشته باشد. سخن زیبا، محکم، مستدل و منطقی، آدمی را ارشاد و راهنمایی می‌کند و او را به راه راست نزدیک می‌سازد. سخن نیکو در خاندان عصمت و طهارت به روشنی دیده می‌شود. آنان هر جا دل‌های مردم را برای شنیدن آماده می‌دیدند، به سخنرانی می‌پرداختند. کوتاه سخن می‌گفتند؛ زیاده‌گو و تناقض‌گو نبودند. شیرین‌سخن‌ترین و شیواگوترین مردمان بودند. آورده‌اند حتی بهشتیان نیز به زبان محمد صلی الله علیه و آله سخن می‌گویند. آنان هیچ‌گاه با نهایت مرتبه عقل و فهم خویش با کسی سخن نمی‌گفتند. به اندازه عقل و فهمشان حرف می‌زدند. حتی دشمنان نیز در رویارویی با سخنان دل‌نشین معصومین علیهم السلام، لب به اعتراف و اقرار می‌گشودند و بر زیبایی کلامشان صحه

ص: ۱۰۲

می گذاشتند. آنان نه تنها خود نیکوسخن بودند، بلکه پیروانشان را نیز به شیوایی، ساده‌گویی و نیکوسخنی دعوت می‌کردند. آنان با رعایت ادب در گفتار، از دیگران می‌خواستند گفتار خویش را پاس بدارند و آن را به ناسزاگویی و سخنان ناپسند آلوده نسازند. آنان سخن زیبا را با ارزش‌تر و اثرگذارتر از چهره زیبا می‌دیدند. پیامبر گرامی اسلام، سرسلسله نیکوسخنان فرموده است:

الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ. (۱)

زیبایی در زبان است

س

سست ایمانی و تجمل‌گرایی

بعضی مردم عادت کرده‌اند زندگی تجملی داشته باشند. اینان که به رفاه‌طلبی و دنیادوستی رو آورده‌اند، ساده‌زیستان را که در راهی جز راه آنان گام برمی‌دارند، عقب افتاده و واپس‌گرا می‌نامند. آنان چنان در تجمل‌گرایی خویش فرورفته‌اند که به کلی از کاروان انسانیت عقب مانده‌اند و ساده‌زیستی را که هنر مردان خداست، به باد تمسخر و استهزا می‌گیرند. خانه دل و جان تجمل‌گرایان از معنویت تهی است و همیشه سزاوار نکوهشند. ساده‌زیستی، روش پسندیده پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام است و آنان اسوه و الگوی دیگرانند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

أَخْشَى مَا خَشِيَتْ عَلَى أُمَّتِي كِبْرَ الْبَطْنِ وَ مُدَاوَمَةَ النَّوْمِ وَ الْكَسْلُ وَ ضَعْفُ الْيَقِينِ. (۲)

بر امت خویش بیشتر از هر چیز، از شکم‌پرستی و پرخوابی و کسالت و سست‌ایمانی بیم‌ناکم.

سپردن کار به کاردان

۱- ۱. تحف العقول، ص ۳۷.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۱۰۹.

ص: ۱۰۳

تجربه ثابت کرده است هر کاری را باید به اهلش سپرد تا از عهده انجام دادن آن برآید. بسیار اتفاق افتاده که برای برخی ملاحظه کاری‌ها و به اصطلاح مصلحت‌سنجی‌ها، این امر نادیده گرفته شده است. همین امر، زیان‌های بسیار سنگین بر بنیان‌های اجتماعی وارد کرده است؛ زیرا هنگامی که کار به ناکار دان سپرده می‌شود، باید منتظر آثار مخرب آن نیز باشیم. دقت در این امر همان است که امروزه به آن «شایسته سالاری» می‌گویند.

شایسته سالاری آن است که هر کس بر اساس لیاقت و توانایی خود، به کاری گمارده شود؛ چون در این صورت، بازده کارها دوچندان خواهد شد.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می‌فرماید:

اِذَا وُسِّدَ الْأَمْرُ إِلَىٰ غَيْرِ أَهْلِهِ فَانْتَظِرِ السَّاعَةَ. (۱)

آن‌گاه که کار به دست غیر اهلش بسپارند، منتظر رستاخیز باش.

ستایش بدکار

بی‌شک، هر انسانی به تشویق و تنبیه نیاز دارد تا از کارهای نیک و بد خود آگاه شود و در به کار بستن روش درست دقت کند. آدمی با تشویق، انگیزه قوی‌تری نسبت به انجام دادن کار می‌یابد و با تنبیه می‌کوشد از تکرار آن پرهیز کند. این اصل مسلم باید در جای خود به کار گرفته شود. اگر شخص بدکاری از تشویق و تحسین بهره‌مند شود، نه تنها نوعی بی‌عدالتی نسبت به نیکوکاران خواهد بود، بلکه این کار به زیان بدکاران هم است؛ زیرا او را به ادامه دادن و تکرار کار زشتش مصمم‌تر خواهد کرد. از آن گذشته، تحسین

ص: ۱۰۴

فرد بدکار در حقیقت نشانه رضایت از کار زشت او خواهد بود که چنین تمجیدی خلاف عقل و منطق است. این رویه حتی تعادل اخلاقی جامعه را برهم می‌زند و روز به روز بر شمار زشت‌کاران می‌افزاید. بنابراین، تشویق و تنبیه هر چند اهرم‌های کارسازی در انجام عمل و بازدارندگی هستند، ولی شیوه استفاده بجا از آنها بسیار مهم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نهی از ستایش بدکاران می‌فرماید:

اِذَا مَدِحَ الْفَاجِرُ اهْتَرَّ الْعَرْشُ وَ غَضِبَ الرَّبُّ. (۱)

هنگامی که از آدم بدکار ستایش شود، عرش الهی به لرزه درمی‌آید و خداوند خشمناک می‌شود.

ستایش فریب‌کارانه

هنگامی که انسان را می‌ستایند، نفس آدمی شادمان می‌شود، ولی باید دانست که بیشتر این مدح و ثناها با صداقت و خلوص انجام نمی‌شود، بلکه بسیاری از ستایشگران، آن را برای فریب دیگران به کار می‌برند. در طول تاریخ، بزرگان و علمای بسیاری با همین حيله به زانو درآمده‌اند. جاه طلبان برای جلب نظر این افراد از آنان تعریف و تمجید می‌کنند تا ایشان را دچار خودباختگی سازند و در شرایط گوناگون بتوانند از آنان بهره‌کشی کنند. انسان آگاه باید احتیاط کند که با تعریف و تمجید دیگران، تصمیم‌گیری نکند و بداند که بیشتر تعریف‌ها و تشویق‌ها و ترغیب‌ها با هدف‌های شناخته یا ناشناخته سودجویان همراه است. پیامبر ارجمند اسلام درباره تأثیر ناپسند تعریف‌های نابجا می‌فرماید:

ص: ۱۰۵

حُبُّ الثَّنَاءِ مِنَ النَّاسِ يُعْمَى وَ يُصَّمُّ. (۱)

علاقه به تعریف از مردم، چشم را کور و گوش را کر می‌کند.

ستایش‌های بی‌جا

اگر کسی را به دلیل کار با ارزش او ستایش کنیم، مطلوب و پسندیده است، ولی گاهی، مدح و ستایش نه تنها خوب نیست، بلکه بسیار ناپسند است. آن هم زمانی است که انگیزه آن، مادی باشد یا برای شاد کردن زورمداران انجام گیرد. این کار، چاپلوسی است و چه بسا فرد ستایش شده، می‌پندارد انسان والا مقامی است. بدین ترتیب، پرده غرور، دیدگان او را می‌پوشاند، عیب‌های خود را نمی‌بیند و راه نجات را نمی‌پیماید. از این رو، پیامبر درباره کسانی که فردی را بی‌جا می‌ستایند، چنین فرموده است:

اِخْتُوا التُّرَابَ فِي وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ. (۲)

بر چهره ستایش‌گران (نابجا) خاک بیافشانید.

سخرخیزی و بی‌نیازی

سخرخیزی و بی‌نیازی از ویژگی‌های مردان خداست. آنان در سایه سخرخیزی، روحی سرشار از عشق الهی و صفای باطن دارند، به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه در نگاه نافذ آنان گم می‌شود و تحت تأثیر عظمت و بزرگواری آنان قرار می‌گیرد. اینان هرچند از امکانات مادی بی‌بهره‌اند، ولی چنان عزت نفسی دارند که هیچ کس نمی‌تواند از اسرارشان آگاه شود. آنان نزد همه کس حتی دشمنان خود، عزیز و قابل احترامند. سخن‌شان اثرگذار و کارشان

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۳۴۱.

۲- ۲. همان، ش ۹۱.

ص: ۱۰۶

مورد تأیید همگان است. این بزرگ‌مردان همیشه از الطاف الهی برخوردار بوده‌اند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز وجود این خصلت‌های نیکو را در آنان می‌ستاید:

شَرَفَ الْمُؤْمِنِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ. (۱)

شرف مؤمن در شب زنده‌داری اوست و عزت وی در بی‌نیازی از مردم است.

سخنان دل‌نشین

بعضی افراد به جای به کار بردن سخنان ساده و همه‌فهم، کلمات سنگین و مشکل به کار می‌برند که این مسئله، شنونده را به زحمت می‌افکند. باید با مردم به قدر فهم‌شان سخن گفت و از چاشنی پند و لطافت نیز بهره برد تا برای آنان قابل درک باشد. دشوارگویی و اظهار فضل گوینده، سبب رنجش خاطر شنوندگان می‌شود. در این صورت، شنوندگان خواهند کوشید از او دوری کنند؛ زیرا می‌پندارند وی با این گفته‌ها می‌خواهد دانش خود را به رخ مردم بکشد و دیگران را پایین‌تر از خود بداند. پیامبر اسلام به زبان مردم سخن می‌گفت و به دیگران نیز توصیه می‌فرمود:

حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ أَتُرِيدُونَ أَنْ يُكَذِّبَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ. (۲)

با مردم آن‌گونه که می‌فهمند، سخن بگویید. آیا می‌خواهید (با به کار بردن کلماتی که نمی‌فهمند)، خدا و پیامبرش را تکذیب کنند؟

سد معبر

یکی از عادت‌های ناپسند برخی افراد این است که برای پاک نگه داشتن خانه خود، سنگ، کلوخ، پاره آجر و زباله‌هایشان را در کوچه و خیابان محل گذر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۸۱۵.

۲- ۲. همان، ش ۱۳۵۳.

ص: ۱۰۷

مردم رها می‌کنند. این مسئله سبب می‌شود که آلودگی در کوچه و خیابان پخش شود و سلامت اجتماعی به خطر افتد. گروهی از رانندگان بی‌مبالات نیز وسیله نقلیه خود را جلوی در خانه‌ها یا کارگاه‌ها متوقف می‌کنند و ساعت‌ها از محل غایب می‌شوند و راه عبور مردم را می‌بندند. البته جالب آن است که این افراد از خود راضی که حقوق شهروندان را رعایت نکرده‌اند، با چهره‌ای حق به جانب حتی با معترضان درگیر هم می‌شوند. پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با توجه به این مهم می‌فرماید:

مَنْ أَدَّى الْمُسْلِمِينَ فِي طُرُقِهِمْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ لَعْنَتُهُمْ. (۱)

هر کس بر سر راه مسلمانان مزاحمت ایجاد کند، استحقاق لعنت آنان را دارد.

سراشیبی سقوط

پیروی از هوا و هوس، به بخل رو کردن، به حرص در آویختن، به خود بالیدن، خود بزرگ بینی و مانند آن، آدمی را به ورطه هلاکت و نابودی نزدیک می‌سازد و او را به سراشیبی سقوط می‌کشاند. انسان در هر حال به راهبری قابل اعتماد نیاز دارد که با یادآوری، او را از پیروی هوا و هوس و گرایش به رذایل اخلاقی باز دارد و جاده سلامت دنیا و سعادت عقبی را به او نشان دهد. این راهنمایان، پیامبران الهی هستند که همواره در کنار مردم می‌زیستند. ایشان با گفتار و رفتار نیکوی خود، اسوه‌های عملی برای بشریت به شمار می‌روند. آنانی که پیش از سفارش کاری به دیگران، خود، عامل آن کار بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستوری سعادت آفرین و نجات بخش به آدمیان هدیه کرده است:

ص: ۱۰۸

ثَلَاثٌ مُّوْبِقَاتٌ: هَوَىٰ مُتَّبِعٌ وَ شُحٌّ مُطَاعٌ وَ اَعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. (۱)

سه چیز موجب هلاکت است: هوا و هوس که پیروی می شود؛ حرص و بخلی که از آن فرمان برند و خود پسندی که عاید انسان شود.

سرعت در خیرات

برخی مردم، دارایی و اندوخته های خود را در راه خدا انفاق می کنند و هنگام دیدار خدا، سبک بارند؛ زیرا زاد و توشه سفر آخرت را از پیش فرستاده اند.

گروهی دیگر، تنها هنگامی به اندیشه انفاق می افتند که سلامت جسم را از دست داده و در یک قدمی مرگ قرار گرفته اند. در این حال، چون از نبود زاد و راحله سفر آخرت، وحشت کرده اند، با شتاب، به انفاق و بخشش می پردازند. هرچند این عمل نیز از پاداش برخوردار است، ولی بخششی که برای رضای خداست، با بخششی که از ترس مرگ است، بسیار فرق دارد. گروه سوم، کسانی هستند که حتی هنگام مرگ نیز دست بخشش ندارند و آشکار نیست که دارایی شان پس از مرگ، در چه راهی مصرف خواهد شد. بر این اساس، پیامبر اسلام می فرماید:

لَأَنْ يَتَصَدَّقَ الْمَرْءُ فِي حَيَاتِهِ بِدِرْهَمٍ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِمِائَةٍ عِنْدَ مَوْتِهِ. (۲)

اگر انسان در حیات خود، درهمی صدقه دهد، بهتر است از اینکه هنگام مرگش، صد درهم صدقه بدهد.

سستی در عبادت

سستی در هر کاری ناپسند است و سبب می شود که کارها به درستی انجام نشود و در نتیجه، اثر مطلوبی در پی نداشته باشد. عبادت هم از کارهایی است که به

۱- ۱. تحف العقول، ص ۸.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۲۲۱۰.

ص: ۱۰۹

اخلاص، نشاط و سرزندگی نیاز دارد. اگر یکی از این عوامل نباشد، به همان اندازه به عبادت آسیب می‌رساند. در این میان، سستی و کاهلی و بی‌میلی در عبادت به شدت، از دامنه اثر آن می‌کاهد. بی‌میلی نشانه بی‌انگیزه بودن است و هنگامی که شوق و علاقه در کار نباشد، عبادت، اثر روحی و معنوی نخواهد داشت.

نمازی آدمی را از منکر و زشتی باز می‌دارد که با رعایت تمام شرطها انجام شود تا اثر گذار و بازدارنده باشد. در غیر این صورت، عبادت زبانی که تنها لقلقه زبان آدمی است، نمی‌تواند آدمی را از زشتی‌ها باز دارد. پیامبر گرامی اسلام به نماز اهمیت فراوان می‌داد. با شادابی و نشاط بسیار، برای برگزاری نماز آماده می‌شد و نماز تا عمق جان او می‌نشست، به گونه‌ای که گفته‌اند پیامبر در حال نماز بود و آوای گریستن او همچون آوای جوشیدن دیگ بود. ایشان نماز خواندن را چنان سازنده می‌دانست که با اشتیاق تمام، وقت نماز را انتظار می‌کشید و آن را با آداب کامل بجا می‌آورد. ایشان در سفارشی زیبا به علی علیه السلام برای آموزش پیروانشان این گونه سخن می‌گوید:

يَا عَلِيُّ أَفَّهُ الْعِبَادَةُ الْفَتْرَةُ. (۱)

ای علی! آفت عبادت، سستی است.

سلام

سلام، بهترین هدیه‌ای است که با کمترین هزینه و بیشترین فایده به همدیگر می‌بخشیم. سلام، واژه‌ای معجزه آفرین است که غبار کدورت را می‌زداید و رشته‌های محبت را مستحکم می‌سازد. از درود و سلام فرستادن دریغ نورزیم و این کلمه زیبا را با تکان دادن سر یا برداشتن کلاه یا اشاره و

ص: ۱۱۰

رفتارهای ماشینی عوض نکنیم. سلام را آشکار کنیم و صداقت و صفا و احترام به دیگران هدیه دهیم. در سیره پیامبر گرامی اسلام آمده است که ایشان در سلام دادن حتی به کودکان، پیش قدم بود و کسی نتوانست در این مسابقه، گوی سبقت را از ایشان برآید. آن پیامبر رحمت می فرماید:

افشُوا السَّلَامَ تَسَلَّمُوا. (۱)

سلام را آشکار سازید تا سلامت بمانید.

سودمندی

کارگشایی و سودمندی در دین اسلام، جایگاه والایی دارد. اسلام از همگان خواسته است تا آنجا که می توانند به دیگران سود برسانند. سودمند بودن هم به گونه های مختلف است. گاهی رسیدگی مالی است و گاهی هم ممکن است معنوی باشد. همان گونه که یک انسان ثروتمند با تأمین نیاز مستمندان یا تأمین وسایل ضروری ازدواج برای یک زوج جوان، تأمین مخارج درمان یک بیمار، احداث یک مرکز آموزشی یا بهداشتی، برای افراد و جامعه سودمند است؛ یک نویسنده، با قلم خود و دعوت کردن از مردم به بوستان کتاب و یک خطیب با سخنرانی و موعظه، وظیفه خدمت رسانی خویش را به انجام می رساند. پیامبر گرامی اسلام، خدمت رسانی و سودمندی را در کنار ایمان به خداوند از نیکی های مهم انسانی می شمارد و می فرماید:

حَصَلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِّنَ الْبِرِّ شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَالنَّفْعُ لِعِبَادِ اللَّهِ. (۲)

دو صفت است که در نیکی، چیزی فراتر از آنها نیست: ایمان به خدا و سودمند بودن برای بندگان خدا.

سوغات سفر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۳۸۲.

۲- ۲. تحف العقول، ص ۳۵.

ص: ۱۱۱

سوغات سفر، صرف نظر از ارزش مادی، نشان‌دهنده محبت و علاقه افراد به یکدیگر است. در واقع، مسافر با این کار می‌فهماند که در سفر نیز به یاد دوست خود بوده است. در حقیقت، این کار، یکی از بهترین راه‌های تحکیم پیمان دوستی و جلب محبت طرف مقابل است. بنابراین، بسیار شایسته است انسان هنگام بازگشت از مسافرت، در حد توان، سوغات دوستان و خویشان را تهیه کند. البته در این رهگذر، نباید خود را به تکلف و سختی افکند و به ارزش مادی اشیا توجه کند؛ زیرا راضی کردن دیگران به بهای به زحمت انداختن بیش از حد خود، مطلوب نیست. پیامبر اسلام برای احیای این سنت حسنه می‌فرماید:

اِذَا قَدِمَ احَدُكُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلْيُقَدِّمْ مَعَهُ بِهَدِيَّةٍ وَّ لَوْ يَلْقَى فِي مِخْلَاتِهِ حَجْرًا. (۱)

هرگاه کسی از سفر می‌آید، باید با خود سوغاتی بیاورد، اگر چه سنگی در توپره خود بیاندازد.

سوگند ناصواب

بعضی افراد عادت کرده‌اند برای اثبات گفته‌های خود در امور کوچک و بزرگ، قسم می‌خورند. اگر سوگند به دروغ باشد، حرام و غیرشرعی است.

اگر راست باشد و برای امور ضروری باشد، مانند اثبات حق یا برطرف کردن ستم، مانعی ندارد. با این حال، اگر فرد در امور جزئی و پیش پا افتاده قسم بخورد، خدا را کوچک می‌کند و رفته رفته از عظمت و قداست الهی می‌کاهد.

البته انسان برای ترک هر عادت بی‌باید رنج آن را بر خود هموار کند تا عادت‌های

ص: ۱۱۲

نکو هیده از او دور شوند و خود را به خلق نیکو بیاراید. پیشوایان معصوم، این عادت ناپسند را بر نمی تابند و از پیروان خود می خواهند آن را ترک کنند.

پیامبر محبوب اسلام می فرماید:

لَا تَحْلِفُ بِاللَّهِ كَاذِبًا وَلَا صَادِقًا مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَلَا تَجْعَلِ اللَّهَ عُرْضَةً لِيَمِينِكَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَزْحَمُ وَلَا يَزْعَى مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا. (۱)

سوگند دروغ به خدا مخور و سوگند راست هم بدون ضرورت یاد مکن و خداوند را در معرض قسم خود قرار مده؛ زیرا خدا به کسی که به نام او سوگند دروغ می خورد، رحم نمی کند و او را مورد ملامت خود قرار نمی دهد.

ش

شادی چشمها

وحشتی بی سابقه، دهشتی بی مانند، هولی پریشانزا و هیبتی بیچاره کننده همه مردم را در بر می گیرد. همه دلها مضطرب و در تشویش؛ همه بدنها لرزان؛ همه چشمها گریان و همه در اندیشه فرجام کار خویشند. جایی برای فرار نیست. نمی توان به مکر و حيله روی آورد و به گونه ای از مهلکه خود را رهانید و نام آن را زرنگی نهاد. گاهی در دنیای خاکی، بعضی افراد از این راهها برای گریز و رهایی سود می جستند، ولی اینجا پایان دنیاست. جایی که انسانها همه در پیش گاه عدل الهی قرار می گیرند و کردارها سنجیده می شود.

جملگی در اضطراب و هراسند جز مؤمنان و فرمانبرداران؛ آنان که توشه از پیش فرستاده و امنیت را با بندگی خریده و اینک در سایه سار لطف الهی قرار گرفته اند. آنان چنین فرجام نیکی را با شب زنده داری و حرکت در دایره

ص: ۱۱۳

شریعت برای خویش مهیا ساخته‌اند. همان وعده‌ای که رسول رحمت به ایشان داده بود:

كُلُّ عَيْنٍ بَاكِئَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً: عَيْنٌ سَهْرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ حَسْبِيَةِ اللَّهِ. (۱)

هر چشمی در روز قیامت گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا شب بیداری کشیده باشد؛ چشمی که به چیزهایی که خدا حرام کرده است، نگاه نکرده باشد؛ چشمی که از خوف خدا اشک بسیار ریخته باشد.

شایسته‌سالاری

باید گفت هر کسی اگر در جایگاه خود قرار گیرد، می‌تواند در کارها پیشرفت کمی و کیفی ایجاد کند، ولی اگر در راستای انگیزه‌ها، توانایی‌ها و علاقه‌های خود قرار نگیرد، نه تنها پیشرفتی در کار ایجاد نمی‌کند، بلکه عامل رکود و افت در کارها می‌شود. بنابراین، شایسته است در تقسیم کارها بین نیروهای انسانی به این مهم توجه شود. همچنین اگر کسی نابجا در جای دیگری که استحقاق آن کار را دارد، قرار گیرد، جلو رشد فردی و اجتماعی خودش گرفته می‌شود؛ زیرا شخصی که دارای تخصص، اطلاعات و توانایی مناسب باشد و در جای خود قرار داده شود، عامل پیشرفت و موفقیت در کارها می‌گردد. بنابراین، بهتر است برای پیشرفت

ص: ۱۱۴

کیفی در کارها و پیش‌گیری از رکود و کم‌کاری افراد، کارها به دست اهلش سپرده شود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ عَمِلَ عَلَى غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ. (۱)

کسی که از روی نادانی کاری انجام دهد، افساد او بیش از اصلاحش خواهد بود.

شُتاب در توبه

کاروان مرگ بی‌خبر به سراغ ما می‌آید. همیشه بیماری، مقدمه مرگ نیست. چه بسا حوادث گوناگون به انسان مهلت نمی‌دهد تا چشمان باز خود را ببندد یا چشمان بسته‌اش را باز بگشاید. پس چرا اکنون که فرصت باقی است، از گذشته‌های خود باز نگردیم و ره به سوی سلامت و سعادت نسپاریم تا رحمت بی‌منت‌های الهی شامل حالمان شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هشدار ارزنده می‌فرماید:

تُوبُوا إِلَى رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمُوتُوا (۲)

پیش از آنکه مرگتان فرا رسد، به سوی خدای خود توبه کنید

شرکت در مجلس ختم

انسان با از دست دادن عزیزان خود به رنج و اندوه فراوان دچار می‌شود. طبیعی است در چنین شرایطی، اظهار هم‌دردی و تسلیت‌گویی، تا اندازه زیادی می‌تواند از رنج و ناراحتی‌های او بکاهد. بنابراین، ادب و جوان‌مردی ایجاب می‌کند انسان با شرکت در مجالس ختم و عرض تسلیت، روح آزرده صاحب‌عزا را التیام بخشد. البته باید با چهره‌ای گرفته و اندوهگین وارد

۱-۱. تحف العقول، ص ۴۷.

۲-۲. نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۸.

ص: ۱۱۵

مجلس شد و از گفت‌وگوی زیاد خودداری کرد. خواندن قرآن و دعا برای آموزش میت بهترین و مهم‌ترین کار است. همچنین توصیه شده است که حتماً خود را به صاحب عزا نشان دهید تا دریابد که در فراز و نشیب‌های زندگی، او را تنها نگذاشته‌اید. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره پاداش این عمل می‌فرماید:

مَنْ عَزَى مُصَابًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ. (۱)

هر کس مصیبت‌زده‌ای را تسلیت گوید، پاداشی همانند او دارد.

شغل مناسب

اسلام، افرادی را که سست اراده‌اند و از کار و تلاش دوری می‌کنند، بسیار نکوهش می‌کند. با این حال، اسلام اجازه نمی‌دهد که انسان، هر شغلی را انتخاب کند؛ زیرا شغل باید برای فرد و جامعه، مفید باشد. متأسفانه بعضی شغل‌های واسطه‌ای، نه تنها سودی برای جامعه ندارد، بلکه با دست به دست کردن کالا، قیمت کالاها را چند برابر افزایش می‌دهند. در این بین، واسطه‌گران بدون تحمل هیچ رنج و تلاشی، به مراتب بیشتر از تولیدکننده سود می‌برند. بعضی افراد نیز فقط به شغل‌های کم تحرک و دفتری علاقه‌مندند که اگر وجدان کاری داشته باشند و کار ارباب رجوع را به فردا محول نکنند، تا حدودی پذیرفتنی است. در مقابل، ولی چنانچه با بی‌تفاوتی و سستی، فقط به پشت میزنشینی و دریافت ماهیانه از بیت‌المال بسنده کنند، بسیار ناپسند است و اسلام، آن را نکوهش می‌کند. پیامبر ارجمند اسلام می‌فرماید:

أَطْيَبُ الْكَسْبِ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ. (۲)

بهترین کسب‌ها این است که انسان با دست خود، کار کند.

شکار بی‌دلیل حیوانات

۱-۱. همان، ش ۲۷۹۲.

۲-۲. همان، ش ۳۳۲.

ص: ۱۱۶

هر انسان باعاطفه‌ای، در غیر موارد ضرورت، از شکار حیوانات بیزار است. بعضی افراد نیز هستند که این کار را وسیله تفریح و خوش گذرانی خود قرار می‌دهند و از ریختن خون حیوانات لذت می‌برند. چه بسا حیوانی را شکار می‌کنند که بچه‌هایش در انتظار او لحظه شماری می‌کنند. کدام وجدان بشری می‌پذیرد پرنده‌ای را که برای جوجه‌هایش دانه می‌برد، به خون غرقه کنند؟

این کار به تدریج، سبب قساوت قلب می‌شود و انسان را از مقام انسانیت فرسنگ‌ها دور می‌سازد. پیامبر مهربان اسلام می‌فرماید:

مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا بِغَيْرِ حَقٍّ سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر کس گنجشکی را به ناحق بکشد، خداوند در روز قیامت از او بازخواست می‌کند.

شکر نعمت

نعمت‌های الهی بسیار ارزشمند است و انسان زمانی به اهمیت آنها پی می‌برد که در حادثه‌ای ناخوشایند، عضوی از بدن خود یا نعمتی از نعمت‌های مادی را به طور موقت یا دایم از دست بدهد. این گونه است که درمی‌یابد چه نعمت بزرگی را از دست داده است. انسان شاکر و مخلص، با عمل خود، دیگران را نیز از حالت غفلت و بی‌خبری بیرون می‌آورد و به فکر و تأمل در قدرت لایزال الهی وا می‌دارد.

البته باید دقت شود که آشکار ساختن شکر، جنبه ریا و خودنمایی پیدا نکند. رسول گرامی اسلام در توصیه به سپاس‌گزاری آشکار از نعمت الهی می‌فرماید:

مِنْ شُكْرِ النَّعْمَةِ إِفْشَاؤُهَا. (۲)

از مصداق‌های شکر نعمت، آشکار کردن آن است.

شنیدن سخنان خوب

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۱۸.

۲- ۲. همان، ش ۳۰۴۵.

ص: ۱۱۷

مؤمن - همچون عاشقی که در راه رسیدن به معشوق سر از پا نمی‌شناسد - نه تنها از آموختن مطالب حکمت‌آمیز و هر آنچه او را به سوی محبوب هدایت کند، خسته نمی‌شود، بلکه اشتیاق او برای شنیدن حکمت، روز به روز افزایش می‌یابد. وی چنان در این راه مصمم است که هیچ‌گونه ضعف و سستی در او دیده نمی‌شود. مؤمن حیات معنوی خود را به این سخنان خوب و باارزش وابسته می‌داند و از هم‌نشینی با عالمان مهذب و مطالعه کتاب‌های سودمند لذت می‌برد. هم‌نشینی با خوبان، خواه ناخواه آثار مثبتی در انسان بر جا می‌نهد. پس بکوشیم حقّ گوش را که شنیدن نیکوست، ادا کنیم. پیامبر اسلام در تحسین این رویه پسندیده می‌فرماید:

لَنْ يَشْبَعَ الْمُؤْمِنُ مِنْ خَيْرٍ يَسْمَعُهُ حَتَّى يَكُونَ مُنْتَهَاهُ الْجَنَّةَ. (۱)

مؤمن هرگز از شنیدن سخنان خیری که می‌شنود، خسته نخواهد شد تا به بهشت برسد.

شهادت دروغ

دروغ یکی از گناهان بزرگ است و دروغ‌گو نزد مردم ارزش و جایگاهی ندارد، ولی بدترین دروغ آن است که شخص برای پای مال کردن حق دیگران، شهادت دروغ بدهد. این کار، روح فرد را به ناپاکی می‌آلاید و حقوق دیگران را ضایع می‌کند. شاهد دروغین، افکار را به راه خطا و ناصواب می‌کشاند. در نتیجه، طرف مقابل نیز برای احقاق حق خود، به ستیزه‌جویی روی می‌آورد. پیامبر رحمت در هشدار به شهادت‌دهندگان دروغین می‌فرماید:

ص: ۱۱۸

لَنْ تَزُولَ قَدَمُ شَاهِدٍ الزُّورِ حَتَّى يُوجِبَ اللَّهُ لَهُ النَّارَ. (۱)

شاهد دروغین از جای نمی‌جنبد، مگر اینکه خداوند، دوزخ را بر او واجب می‌کند.

ص

صدا زدن به بهترین نام‌ها

کسانی که از ادب و اخلاق اسلامی بهره‌مندند، می‌کوشند دیگران را به زیباترین نام‌ها بخوانند و آنان را به نامی که از آن نفرت دارند، صدا نکنند، ولی با کمال تأسف، برخی به این مسئله مهم که با روح و روان آدمی ارتباط مستقیم دارد، توجه ندارند و گاه به عمد و با قصد و غرض، اشخاص را به نام‌هایی صدا می‌زنند که از آن ناراحت می‌شوند. هنگامی که اینان با برخورد تند طرف مقابل، روبه‌رو می‌شوند، نام کار خود را شوخی می‌گذارند، در حالی که این توجیه، غلط و نادرست است. پیامبر محبت و مهربانی می‌خواهد دیگران را با بهترین نام‌ها بخوانند:

... وَ تَدْعُوهُ بِأَحَبِّ أَسْمَائِهِ (۲)

... و آنان را با نیکوترین نام‌هایشان بخوانید

صداقت در تجارت

اگر تجارت و معامله، عادلانه و بر اساس قانون الهی باشد، بسیار پسندیده است، ولی بعضی سودجویان، از این رهگذر، به انواع بی‌رحمی‌ها دست می‌یازند. این زیاده‌طلبان، برای غارت اموال مردم، با انواع و اقسام حيله و

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۲۸۷.

۲- ۲. همان، ش ۱۳۸۷.

ص: ۱۱۹

بازار گرمی، اجناس خود را به چندین و چند برابر می‌فروشند و همچنان می‌پندارند که سرمایه مفیدی اندوخته‌اند. آیا درست است که افزون‌خواهان، با پنهان ساختن و انبار کردن اجناس مورد نیاز مردم، آن را به قیمت گزاف بفروشند و با گستاخی تمام، خود را مسلمان نیز بدانند؟ پیامبر خدا در توصیه به راستی و صداقت در کسب و کار می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ إِنَّ اللَّهَ بَاعِثُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فُجَّارًا إِلَّا مَنْ صَدَقَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ. (۱)

ای گروه تاجران! خدا شما را فاجر محشور می‌کند جز آنان که امین و درست‌کار هستند.

صله رحم

اسلام بر دیدار و رسیدگی به حال خویشاوندان بسیار تأکید کرده است. این امر، محبت و دوستی را بین اقوام و خانواده‌ها پدید می‌آورد و سبب می‌شود آنان در گاه گرفتاری، با انگیزه بیشتری به یاری یکدیگر بشتابند. البته باید کوشید این دیدارها، به محفلی برای بدگویی و غیبت دیگران تبدیل نشود.

این دیدارها زمانی سودمند است که با بحث‌های مفید و آگاهی دادن به یکدیگر همراه باشد. پیامبر گرامی اسلام نیز برای دیدار و رسیدگی به خویشاوندان، اهمیت بسیاری قائل بود. ایشان می‌فرماید:

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قاطِعٌ رَحِمٍ. (۲)

قطع کننده صله رحم وارد بهشت نخواهد شد.

ض

ضیافت مقبول

۱-۱ همان، ش ۳۲۰۴.

۲-۲ همان، ش ۲۵۳۳.

ص: ۱۲۰

ترتیب دادن مجلس مهمانی کار بسیار خردمندانه و پسندیده‌ای است، اگر:

۱. برای تحکیم رشته‌های محبت باشد.
 ۲. به شکرانه اعطای نعمتی از جانب خداوند باشد.
 ۳. سبب اسراف و هدر رفتن نعمت‌های الهی نگردد.
- در این صورت، نشست و برخاست‌ها، وسایل رشد مادی و معنوی افراد را فراهم می‌آورد. بنابراین، باید تلاش شود تا افزون بر پذیرایی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، دیگران را به وظایف انسانی‌شان آگاه سازیم. در این میان، آنچه مورد نکوهش اولیای الهی است، این است که دعوت شدگان تنها از میان ثروت‌مندان و صاحبان قدرت و شوکت باشند. به راستی آیا می‌توان انسان‌هایی را که تنها گناهشان، نداشتن مال و قدرت ظاهری است، از ورود به چنین مجالسی منع کرد؟ آیا این بزرگ‌ترین توهین به مقام انسانیت نیست؟ حضرت ختمی مرتبت می‌فرماید:

بِئْسَ الطَّعَامُ طَعَامُ الْعُرْسِ يَطْعَمُهُ الْأَغْنِيَاءُ وَيُمْنَعُهُ الْمَسَاكِينُ. (۱)

چه بد است خوراک عروسی که ثروت‌مندان از آن بخورند و فقیران محروم بمانند.

ط

طلب عافیت برای دیگران

برخی انسان‌ها پیش از دعا برای خود، در حق دیگران دعا می‌کنند و این نشان‌دهنده علاقه و محبتی است که نسبت به دوستان و نزدیکان خود دارند.

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۰۸۰.

ص: ۱۲۱

تجربه نشان داده است چنین کسانی زودتر از دیگران به حاجت خود می‌رسند. شاید این موفقیت سریع آنان به دلیل گذشت و نیت پاک آنان باشد؛ زیرا چه بسا دعای خالصانه آنان بدون اطلاع و تقاضای طرف مقابل، صورت می‌گیرد و این، نشان‌دهنده اخلاص و علاقه بسیار آنان به شخص دعا شده است. رسول اسلام یکی از رمزهای اجابت دعا را چنین معرفی می‌کند:

اطْلُبِ الْعَافِيَةَ لِعَيْرِكَ تَزُوقَهَا فِي نَفْسِكَ. (۱)

برای دیگران عافیت بخواه تا نصیب تو گردد.

ع

عالم به دنیا و جاهل به آخرت

دانش زمانی ارزشمند است که به مسائل مادی و دنیوی محدود نگردد و سعادت دنیا و آخرت صاحب دانش را تأمین کند. امروز بیشتر ویرانی‌ها و خرابی‌ها، به دلیل نگاه یک بُعدی به علوم بوده است. به گونه‌ای که برخی در مسائل مادی اطلاعات بسیار ریز و دقیقی دارند، ولی متأسفانه در مسائل دینی و اخروی بسیار کم‌خبرند. بنابراین، چنانچه علوم مادی با علوم مربوط به دین و آخرت همراه شود، بشر را به سعادت و سربلندی می‌رساند. هر عالمی باید با توجه به فایده‌های دنیوی و اخروی هر علم، با پیشی درست و حساب شده، آن را به کار برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انَّ اللَّهَ يُغَضُّ كُلَّ عَالِمٍ بِالدُّنْيَا جَاهِلٍ بِالْآخِرَةِ. (۲)

خداوند هر کسی را که به کار دنیا، دانا و در کار آخرت، نادان است، دشمن می‌دارد.

عبادت مخفی

۱-۱. همان، ش ۳۲۶.

۲-۲. همان، ش ۷۹۶.

ص: ۱۲۲

برخی عبادت‌ها در دین اسلام، جنبه شعاری دارند؛ یعنی برای تعظیم شعایر، باید آنها را آشکارا انجام داد. عبادت‌هایی چون اذان، نماز جماعت، حج و جهاد، روح یگانگی را در همگان تقویت می‌کند و مردم را در راه اجرای آنها مصمم‌تر می‌سازد. بعضی دیگر از عبادت‌ها باید مخفیانه انجام گیرد.

عبادت‌هایی مانند نماز شب، روزه و دستگیری از مستمندان اگر پنهانی انجام گیرد، ارزشمندتر و مطلوب‌تر است؛ زیرا بیم ریاکاری و وسوسه‌های شیطانی در این موارد زیاد است. پیامبر گرامی اسلام تأکید دارد که این‌گونه کارها پنهانی صورت گیرد تا جنبه خودنمایی به خود نگیرد و پاداش آن از بین نرود. بنابراین می‌فرماید:

اعْظَمُ الْعِبَادَةِ اجْرًا اَخْفِيهَا. (۱)

بالاترین عبادت از نظر پاداش، مخفی‌ترین آنهاست.

عذرپذیری

گاهی انسان در برخورد‌های اجتماعی خویش، با دیگران اختلاف پیدا می‌کند که گاه به مشاجره لفظی یا برخورد فیزیکی می‌انجامد، ولی سرانجام ممکن است خود آن فرد یا با واسطه نزدش بیاید و عذرخواهی کند. در چنین حالی، مرؤت و جوان‌مردی اجازه نمی‌دهد دست رد به سینه او بزنیم؛ زیرا وی خودش را شرمسار می‌داند و از عذاب وجدان رنج می‌برد. پسندیده است که

ص: ۱۲۳

با برخوردی بزرگوارانه، عذرش را بپذیریم و برای انجام این کار نیک، از او سپاس‌گزاری کنیم. رسول گرامی اسلام در این باره می‌فرماید:

مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعُذْرَ مِنْ مُتَّصِلٍ صَادِقًا كَانَ أَوْ كَاذِبًا لَمْ يَنْلِ شَفَاعَتِي. (۱)
هر کس عذر پوزش‌گری را - راست باشد یا دروغ - نپذیرد، به شفاعت من نمی‌رسد.

عزت نفس

برخی نیازمندان چون طبع بلند دارند، همواره می‌کوشند خود را بی‌نیاز نشان دهند و به اصطلاح «با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارند». در مقابل، به افرادی برمی‌خوریم که با داشتن رفاه و برخورداری از امکانات مالی، همچنان دست‌نیاز به سوی این و آن دراز می‌کنند. اینان، فرومایگانی هستند که به آسانی، عزت نفس خود را از دست می‌دهند و دین و شخصیت خود را می‌فروشند. آیین اسلام به پیروانش دستور می‌دهد که هیچ‌گاه شخصیت والای خود را به بهای ناچیز ن فروشند و برای به دست آوردن نیازهای مادی خویش، به سوی این و آن دست دراز نکنند. پیامبر عظیم‌الشان اسلام می‌فرماید:

إِسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَ لَوْ بِشَوْصِ السُّوَاكِ. (۲)
از مردم بی‌نیاز باشید و از آنان، یک قطعه چوب مسواک هم نخواهید.

عزیزان به ذلت فتاده

اخلاق پسنندیده اسلامی حکم می‌کند از افرادی که در میان قوم و قبیله خود احترامی داشته و اکنون به هر دلیل به ذلت و خواری افتاده‌اند، دل‌جویی کنیم.

۱-۱. همان، ش ۲۷۵۷.

۲-۲. همان، ش ۲۸۳.

ص: ۱۲۴

این افراد به دلیل از دست دادن مقام و موقعیت خود، به مهر و محبت اطرافیان خود بسیار نیازمندند. ممکن است آنان در از دست دادن موقعیت خود، تقصیر چندانی نداشته باشند و حادثه‌ای ناگوار، ایشان را از سریر اقتدار به حضيض ناتوانی کشانده باشد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

اَرْحَمُوا عَزِيزًا ذُلًّا ... (۱)

به عزیزی که خوار گردیده است، احترام بگذارید

عفت کلام

زبان، وسیله بدبختی و خوشبختی انسان را فراهم می‌آورد. اگر زبان در اختیار آدمی قرار گیرد و وی با نیروی تعقل و تدبیر، آن را به کنترل خویش درآورد، از بسیاری مفسد و گناهان در امان می‌ماند. زبان، تنها عضوی است که منشأ بسیاری از گناهان و انحراف‌ها است. از زبان می‌توان برای شهادت حق و ناحق، حفظ آبرو و بی‌آبرویی، دروغ و صداقت، غیبت و سکوت، تهمت و واقعیت استفاده کرد. انسان بدزبان در نظر دیگران متنفر است و همگان از نیش زبانش که چون شمشیر برنده و تیز است، فرار می‌کنند. با این وصف، سعادت انسان در گرو آن است که از شرّ زبان به خدا پناه ببرد و آن را به کنترل خود درآورد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

إِحْفَظْ لِسَانَكَ. (۲)

زبانت را حفظ کن.

عفو به هنگام قدرت

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۶۲.

۲- ۲. همان، ش ۱۰۰.

ص: ۱۲۵

هر انسانی حق دارد نسبت به آن مقدار حقی که از او ضایع شده است، دادخواهی کند و حق خود را باز پس گیرد. با این حال شایسته است انسان خود را به گونه‌ای تربیت کند که عفو و بخشش را اصل قرار دهد و فقط در مواردی که ضرورت دارد، از حق انتقام استفاده کند. این خصلت، ویژه کسانی است که از کرامت نفس و روحیه والای گذشت برخوردارند. چه بسا ممکن است با این روح بزرگوارشان، انسان‌های گناه کار و متجاوز را دگرگون سازند و به پاسداری از حقوق دیگران، رهنمون شوند. پیامبر رحمت در این باره می‌فرماید:

إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. (۱)

وقتی بر دشمنت چیره شدی، عفو را شکرانه این چیرگی قرار ده.

علاقه به کار

یکی از بزرگ‌ترین عوامل موفقیت در کارها، علاقه به کار است. کسی که به کاری علاقه‌مند باشد، با تمام توان در انجام دادن آن می‌کوشد. بر عکس، یکی از عوامل مهم در شکست انسان، نداشتن انگیزه است که نه تنها انسان را به پیشرفت نمی‌رساند، بلکه روز به روز به شکست و ناکامی نزدیک‌تر می‌کند.

بنابراین، اگر خواهان آسایش جسمی و روحی هستید، باید کاری را انتخاب کنید که به آن علاقه‌مند باشید. پیامبر اسلام در نکوهش علاقه نداشتن به کار و به اجبار کسی را به کار گماشتن می‌فرماید:

إِذَا حَاكَ فِي نَفْسِكَ شَيْئًا فَدَعَّهُ. (۲)

وقتی دل تو از کاری چرکین است، از آن چشم‌پوش.

عیادت از بیماران

۱-۱. همان، ش ۲۲۷.

۲-۲. همان، ش ۱۹۶.

ص: ۱۲۶

نشاط روحی و روانی تأثیر فراوانی در بهبودی بیماری دارد. بیمار به دلیل درد و رنج، به غم و اندوه مبتلا می‌شود و با فرو رفتن در خود، خزیدن در گوشه تنهایی و دوری از اجتماع، بر عذاب روح خود می‌افزاید. پیامبر عزیز اسلام به دوستان و خویشان بیمار توصیه می‌کند که به دیدار وی بروند؛ چون برای قدم‌هایی که در این راه برمی‌دارند، ثواب‌های فراوانی در نظر گرفته شده است. آن‌گاه که کنار بیمار می‌نشینید، از خوشی‌ها و امیدها و سلامتی سخن بگویید تا حالت نشاط و سرزندگی و امید در او پدید آید و با روحیه مناسب با بیماری مبارزه کند. ایشان در سخنی جاودانی می‌فرماید:

عَائِدُ الْمَرِيضِ يَمْشِي فِي طَرِيقِ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْجِعَ. (۱)

کسی که بیماری را عیادت می‌کند، تا هنگامی که باز می‌گردد، در راه بهشت قدم می‌زند.

عیادت بیماران، آداب و شرایط ویژه‌ای دارد. بیمار به استراحت و آرامش جسمی و روحی نیاز دارد. از این رو، عیادت طولانی نه تنها او را شادمان نمی‌کند، بلکه مایه رنجش خاطر وی نیز خواهد شد. همچنین شایسته است عیادت کننده هنگام دیدار، ارمغانی را که با ذایقه بیمار سازگار است، به او هدیه کند. عیادت کننده نباید بسیار سخن بگوید، بلکه باید برای سلامتی بیمار دعا کند و وعده بهبودی بدهد تا او را به آینده امیدوار سازد. پیامبر ارجمند اسلام در ستایش این عمل پسندیده و توجه به آداب آن می‌فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ أَجْرًا سُرْعَةُ الْقِيَامِ مِنْ عِنْدِ الْمَرِيضِ. (۲)

از بهترین عبادت این است که از نزد بیمار، زودتر برخیزی.

ع

غذای دسته جمعی

۱- ۱. نهج الفصاحة، ش ۱۹۲۶.

۲- ۲. همان، ش ۴۱۲.

ص: ۱۲۷

یکی از آسیب‌های زندگی ماشینی و صنعتی این است که به دلیل کثرت مشاغل و نیازهای مادی، میان افراد خانواده‌ها جدایی انداخته است. کمتر اتفاق می‌افتد که همه اعضای یک خانواده، بر سر یک سفره مشترک، غذا بخورند. این وضعیت، به تدریج، روح انزواطلبی را در افراد خانواده پدید می‌آورد و از محبت و الفت آنان نسبت به یکدیگر می‌کاهد. هم‌نشینی و گرد آمدن بر سر سفره مشترک، صمیمت و صفای خاصی دارد و حتی لذت خوردنی‌ها را در ذایقه انسان افزایش می‌دهد. چه بسا مشکلات خانوادگی هم پس از خوردن غذا، قابل بررسی و نتیجه‌گیری است. پیامبر رحمت درباره دل‌چسب بودن خوردنی‌ها می‌فرماید:

أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْإِيدَى. (۱)

بهترین غذاها آن است که گروه زیادی بر گرد آن بنشینند.

غزور علمی

بی‌شک، بهره‌مندی از دانش، کمال انسانی است و همه مردم، دوستدار دانش و دانشمندانند. دانشمندان همانند درختان میوه، هر چه پر بارتر باشند، بیشتر فروتن خواهند شد. گذشته از عالمان واقعی، عده‌ای نیز بی‌دلیل، ادعای برخورداری از دانش را دارند. در حقیقت، این مدعیان دروغین که با تبلیغات نادرست، برای خویش، مقام و موقعیتی کسب کرده‌اند، از تجربه‌های علمی

ص: ۱۲۸

بی بهره‌اند. دانشمندان واقعی هیچ‌گاه در دانش خود، تظاهر نکرده‌اند و از دانش خود، برای تکامل مادی و معنوی جامعه استفاده می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام به مدعیان دانش هشدار می‌دهد:

مَنْ سَمِعَ النَّاسَ يَعْلمُهُ سَمِعَ اللَّهُ بِهِ مَسَامِعَ خَلْقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حَقَّرَهُ وَ صَغَّرَهُ. (۱)

هر کس، گوش مردم را از علم خود پر کند [و به آن بیالدد]، خداوند در روز رستاخیز، گوش مردم را از رسوایی وی پر و او را حقیر و ناچیز می‌سازد.

غوغا سالاری

برخی افراد برای اینکه حق و باطل را در هم آمیزند، به جار و جنجال می‌پردازند. اینان با هیاهوگری، خود را صاحب حق جلوه می‌دهند و اشک تمساح می‌ریزند، به گونه‌ای که افراد ساده لوح، بسیار زود فریب می‌خورند.

در این صورت، ساده لوحان به کمک آنان می‌شتابند. البته پس از مدتی، به نادرستی ادعای آنان پی می‌برند و خود را سرزنش می‌کنند که چرا بی تأمل، زیر پرچم غوغا سالاران گرد آمدند. بسیار پسندیده خواهد بود که انسان با شنیدن هر صدای بلندی به آن سو کشیده نشود و حساب شده و سنجیده رفتار کند. پیامبر بزرگوار می‌فرماید:

دَعَّ قَيْلَ وَ قَالَ وَ كَثْرَةُ السُّؤَالِ وَ إِضَاعَةُ الْمَالِ. (۲)

از جنجال و هیاهوگری و سؤال زیاد و تلف کردن مال پرهیز.

ف

فداکاری برای دین

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۲۱.

۲- ۲. همان، ش ۱۵۶۶.

ص: ۱۲۹

در اسلام، مال و جان و دین اهمیت ویژه‌ای دارند و انسان مسلمان باید در برابر به خطر افتادن هر یک از آنها حساسیت نشان دهد و برای احیای آنها مبارزه کند. البته اهمیت اینها به یک اندازه نیست. درست است که مال و جان ارزشمندند و به دفاع نیاز دارند، ولی وقتی پای دین به میان می‌آید، همه چیز را تحت الشعاع قرار می‌دهد. پیشوایان ما نیز وقتی صحبت دین به میان می‌آمد، دشوارترین سختی‌ها و از دست دادن اموال را به راحتی تحمل می‌کردند تا دین پاینده بماند. این گذشت‌ها در زندگی ائمه معصومین به ویژه پیامبر گرامی اسلام به خوبی دیده می‌شود. ایشان در ۲۳ سال سخت‌ترین شرایط را در مکه و مدینه تحمل کرد تا نهال اسلام بارور شود و انسان‌ها بتوانند در پرتو آموزه‌های دینی راه کمال و سعادت پیمایند. ایشان در پندی گران‌بها به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

وَ ابْدُلْ مَالَكَ وَ نَفْسَكَ دُونَ دِينِكَ. (۱)

مال و جان را در راه دین خود فدا کن.

فروش مسکن

تجربه نشان می‌دهد کسانی که بی‌دلیل، خانه مسکونی خویش را می‌فروشند، پس از مدتی کوتاه، پشیمان می‌شوند. این افراد با همسایگان و راه و چاه محله قدیمی خود کاملاً آشنا بوده‌اند و اینک درمی‌یابند که چه نعمت بزرگی را از دست داده‌اند. همچنین اگر سریع‌تر مسکن جدید تهیه نکنند، بسیار زودتر از

ص: ۱۳۰

آنچه تصور می‌کنند، پول خانه را از دست می‌دهند و تا مدت‌های مدید باید در خانه‌های استیجاری به سر ببرند. همچنین ممکن است در مدتی که در جست‌وجوی مسکن جدید هستند، ارزش مسکن افزایش یابد که در این صورت، با پول موجود نمی‌توانند یک خانه حتی در متراژ قبلی و در یک نقطه دوردست به دست آورند. پس شایسته است پیش از فروش خانه، همه جنبه‌های کار را بسنجند و بی‌اندیشه به چنین معامله خطیری روی نیاورند. پیامبر اسلام می‌فرماید:

مَنْ بَاعَ عَقْرًا دَارٍ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ سَلَطَ اللَّهُ عَلَى ثَمَنِهَا تَالِفًا يَتْلَفُهُ. (۱)

هر کس، بی‌دلیل، خانه‌ای را بفروشد، خدا تلف کننده‌ای را می‌فرستد که قیمت آن را تلف کند.

فریب‌کاران

مردم سه دسته‌اند؛ گروهی راه صواب می‌پیمایند و دیگران را یا از هم‌نوعان خود یا از هم‌کیشان خویش می‌شمارند. از این‌رو، در برخوردهای فردی و اجتماعی با صداقت و سلامت با آنان روبه‌رو می‌شوند. گروه دیگر، در پی حيله‌گری و فریب دادن دیگران برای به دست آوردن مقام و موقعیت اجتماعی یا زرق و برق دنیایی برمی‌آیند و برای به دست آوردن توشه دو روزه دنیا، از زیان رساندن به دیگران هیچ‌گونه پروایی ندارند. اینان در روابط اجتماعی خود با دیگران از در نیرنگ وارد می‌شوند. بی‌شک، مردم در رویاروی با این افراد سودجو، آرامش خویش را از دست می‌دهند و تلاش می‌کنند از شر نقشه‌های آنان رها شوند. این افراد، اعتماد اجتماعی را از میان می‌برند و امنیت روانی را نابود می‌سازند. چگونه است که بعضی افراد، از

ص: ۱۳۱

مسلمانی و پیروی از اسوه فضیلت و تقوا؛ یعنی پیامبر گرامی اسلام دم می‌زنند، ولی در عمل، هیچ بهره‌ای از رفتار پیامبر ندارند. حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله این افراد را از دایره مسلمانی جدا می‌سازد و می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَكَرَهُ. (۱)

کسی که با مسلمانی غل و غش کند یا به او زیان برساند یا با او از در مکر و خدعه درآید، از ما نیست.

ق

قرض گرفتن

برخی عادت کرده‌اند که به شیوه‌های گوناگون از دیگران، پول قرض بگیرند.

این افراد به دلیل فزونی بدهی‌ها، آسایش روحی و روانی خود را از دست می‌دهند و همیشه در اندیشه بازپرداخت دین‌های خود هستند و چه بسا آرزو می‌کنند که کاش به این کار دست نمی‌زدند. اگر این اشخاص با چشم‌پوشی از زیاده‌خواهی، به آنچه داشتند، راضی می‌شدند و زندگی اجتماعی خود را متناسب با دارایی خویش تنظیم می‌کردند، به چنین بلایی گرفتار نمی‌شدند. رعایت اعتدال در فراهم آوردن امکانات رفاهی زندگی سبب خواهد شد افراد، بی‌دلیل زیر بار سنگین قرض‌های متعدد فرو نروند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، دین و بدهی را به از دست دادن آزادی تعبیر کرده و فرموده است:

أَقْلَ مِنْ الدَّيْنِ تَعِشُ حُرًّا. (۲)

از بدهی خود بکاهد، تا آزاد زندگی کند.

قضاوت

۱- ۱ تحف العقول، ص ۴۲.

۲- ۲ نهج الفصاحه، ش ۴۳۲.

ص: ۱۳۲

قضاوت، یکی از مهم‌ترین پست‌های اجتماعی است. قضاوت درست، زمینه‌ساز گسترش عدالت در جامعه اسلامی و بازستاندن حق مظلوم از ظالم است. به دلیل حساسیت و ظرافت موجود در قضاوت، این کار از عهده هر کسی ساخته نیست؛ زیرا ممکن است به دلیل کوچک‌ترین بی‌توجهی در صدور حکم، بنیان خانواده‌ها متزلزل و انسان بی‌گناهی گرفتار شود. بر این اساس، اسلام افزون بر لازم دانستن علم و عدالت و صبر و شجاعت برای قاضی، به صدور زمان حکم نیز توجه کرده است. اسلام می‌خواهد قاضی در بهترین شرایط ممکن و با فراغت بال، به دور از هرگونه حب و بغض، تصمیم بگیرد و حکم صادر کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیانی شیوا درباره اهمیت شغل قضاوت می‌فرماید:

مَنْ جُعِلَ قَاضِيًا فَقَدْ ذُبِحَ بِغَيْرِ سَكِينٍ. (۱)

هر کس را قاضی قرار دهند، مانند آن است که با چیزی جز چاقو، او را ذبح کرده‌اند.

قناعت

قناعت‌پیشگان در برابر حوادثی که به گونه‌ای شرف و عزت آنان را به خطر می‌اندازد، پایدارند. قناعت، فرصت مناسبی را برای آدمی فراهم می‌کند تا جنبه‌های معنوی خویش را تقویت کند و به آسایش و خوشبختی جاودان برسد. قناعت از حرص و آزمندی انسان پیش‌گیری می‌کند و به او اعتدال می‌بخشد. فرد قانع، وقت گران‌بهای خود را صرف خواسته‌های نابجا نمی‌کند

ص: ۱۳۳

و آسان تر می تواند نردبان تعالی و تکامل را بیماید. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به پیروان خود توصیه می کند که به این ویژگی پسندیده آراسته شوند:

عَلَيْكُمْ بِالْقَنَاعَةِ فَإِنَّ الْقَنَاعَةَ مَالٌ لَا يُنْفَدُ. (۱)

به قناعت خو کنید؛ که به راستی، قناعت مالی پایان ناپذیر است.

ک

کارگشایی

بعضی افراد، کلید خیر هستند؛ یعنی گفتار و رفتارشان به گونه ای است که انسان احساس می کند منشأ کارهای خیر و پسندیده خواهند شد. اینان همواره می کوشند از گرفتاری و مشکلات دیگران بکاهند و در این راه از هیچ گونه فداکاری، دریغ نمی ورزند. آنان چون خورشیدی هستند که با شعاع وسیع و گرمابخش خود، همه جا را روشنایی می بخشند و تلاش می کنند موجی از شادمانی به دیگران ارزانی دارند. در مقابل، با کسانی روبه رو می شویم که رفتارهای منفی و قفل کننده دارند؛ یعنی به جای گره گشایی، مشکلات جدید بر آن می افزایند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به کارگشایی می فرماید:

إِنَّ مِنَ النَّاسِ نَاسًا مَفَاتِيحُ لِلْخَيْرِ مَغَالِيقُ لِلشَّرِّ (۲)

بعضی از مردم، کلید خیر و قفل شر هستند

کردار نیک

کارهای نیک بسیار است و راه های خدمت رسانی فراوان. انسان با راهنمایی حجت درون و بیرون که همانا عقل و معصومین علیهم السلام هستند، راه را از بیراهه و خوب را از

۱-۱ همان، ش ۱۹۸۰.

۲-۲ همان، ش ۹۲۰.

ص: ۱۳۴

بد تشخیص می‌دهد. پیروی از عقل و شریعت، آدمی را از جمله نیکان و نیکوکاران قرار می‌دهد. نیکان جهان، نه تنها خود را به زیور فضایل و کردار نیک می‌آراستند، بلکه به دیگران نیز سفارش می‌کردند تا زینت احسان و نیکی را بر گردن خود بیاویزند و محبوب خدا و خلق شوند. نیک‌مردانی که زیر آسمانی کبود زیستند و با کردار نیکشان، نامی جاودانه برای خویش به یادگار گذاشتند، فراوانند و سرسلسله آنان؛ برترین انسان‌ها، یعنی پیامبر رحمت و کرامت می‌فرماید:

ثَلَاثٌ مِنْ ابْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ وَ طَيِّبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى (۱)

سه چیز از نیکی‌هاست: سخاوت و بخشش، سخن نیک و شکیبایی در برابر آزار.

کسب حلال

عبادت، تنها در برپایی نماز خلاصه نمی‌شود، بلکه انسان مسلمان می‌تواند در واجبات توصلی نیز قصد قربت کند و بسیاری از کارهای خداپسندانه را در دایره عبادی قرار دهد. کسی که دانش می‌آموزد، به عیادت بیمار می‌رود، برای به دست آوردن نیازمندی‌های زندگی خود و خانواده، رنج و کار و تلاش را برای خویش هموار می‌سازد؛ اگر همه اینها را با قصد قربت و برای رضای خدا انجام دهد، عبادت کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با وجود سفارش‌های فراوان به فعالیت اقتصادی، هشدار می‌داد به گونه‌ای در جست‌وجوی دنیا برآید که از آن جهان روی گردان نشوید. رعایت حلال و حرام در

ص: ۱۳۵

کسب روزی از مهم‌ترین سفارش‌های آن حضرت به تمام مسلمانان است.

ایشان در سخنی زیبا می‌فرماید:

الْعِبَادَةُ سَبْعَةُ أَجْزَاءٍ أَفْضَلُهَا كَسْبُ الْحَلَالِ. (۱)

عبادت هفت بخش است که بالاترین آن کسب حلال است.

کم حوصله بودن

کم حوصله بودن یا نشانه بیماری جسمی است یا از ضعف روحی حکایت دارد.

انسانی که از روح و جسمی سالم برخوردار است، توانِ رویارویی با مشکلات را دارد و هیچ‌گاه خود را نمی‌بازد و هیاهو به راه نمی‌اندازد. در مقابل، انسان‌های کم حوصله، به تدریج محبوبیت خویش را از دست می‌دهند و در مواقع حساس، از قضاوت و تصمیم‌گیری درست باز می‌مانند. انسان‌های صبور و مقاوم که از نعمت صبر و دقت نظر بهره‌مندند، هیچ‌گاه در کارها و اظهارنظرهای خود، شتاب نمی‌کنند. به گفته پیامبر گرامی اسلام، در امور مربوط به دنیا با حوصله و تأمل اقدام کنید، ولی در کارهای خیر و فراهم ساختن توشه آخرت، به خود تردید راه ندهید:

التَّوَدُّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَيْرٌ أَلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ. (۲)

حوصله کردن در همه چیز خوب است جز در کار آخرت.

کمک به تحصیل فرزندان

یکی از مهم‌ترین حقوق فرزندان این است که آنان از دانش برخوردار باشند.

بنابراین، هرگونه کوتاهی در این مورد، ستمی نابخشودنی است بر فرزندان.

فرزندان، امانت‌هایی الهی هستند و نگه‌داری و رسیدگی به آنان به والدین سپرده

۱-۱. همان، ص ۳۷.

۲-۲. نهج‌الفصاحه، ش ۱۲۰۸.

ص: ۱۳۶

شده است که اندک کوتاهی در راه کمال آنان، مورد بازخواست قرار می گیرد.

بنابراین، باید همواره شعله دانش طلبی را در نهاد فرزندان مان روشن نگه داریم تا آینده تابناک در انتظارشان باشد. انسان بی سواد، آینده روشنی ندارد و نمی تواند در برابر مشکلات زندگی از خود واکنش های مناسبی نشان دهد. از این رو، با تنگناهای بسیاری در زندگی صنعتی کنونی روبه رو خواهد شد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تحصیل دانش را از حقوق مسلم فرزند می شمارد و می فرماید:

أَنَّ مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ (۱)

یکی از حقوق فرزند بر پدرش، این است که به او نوشتن بیاموزد

کمک به نابینایان

هرچند انسان ها از نظر شخصیتی با هم فرقی ندارند، ولی ممکن است افرادی به دلیل نداشتن قدرت بینایی، در انجام دادن بعضی کارها، نیازمند کمک دیگران باشند. انسان مسلمان در این باره، وظیفه ای دارد و نباید آسوده خاطر باشد. هر انسان با وجدان و آزاده ای، وظیفه دارد به هم نوعان خود کمک کند.

شکرانه دست توانا و نعمت های فراوان الهی، گرفتن دست ناتوان است. اگر ما بگوییم دیگران به او کمک می کنند و به کمک من نیازی ندارد، ممکن است دیگران نیز چنین تصویری داشته باشند. در نتیجه، انتظارهای آن نیازمند بی پاسخ می ماند. پیامبر گرامی ما درباره کمک و یاری رساندن به نابینایان می فرماید:

مَنْ قَادَ أَعْمَى أَرْبَعِينَ خُطْوَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. (۲)

هر کس، نابینایی را تا چهل قدم بکشد، گناهایی که تاکنون کرده است، آمرزیده خواهد شد.

کمک در ابلاغ پیام

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۹۲۳.

۲- ۲. همان، ش ۲۹۱۶.

ص: ۱۳۷

بسیاری از اوقات به افرادی برمی‌خوریم که از اعلام نیاز و ابلاغ پیام خویش ناتوانند و در جست‌وجوی کسانی هستند تا یار و مددکار آنان باشند. انسان‌ها در برابر نیازهای یکدیگر مسئولند؛ زیرا ممکن است با رساندن پیامشان به مسئولان، گره مشکل‌ها گشوده شود. این کار، دل مسلمانان را شاد می‌کند و رحمت و گشایش الهی بر آن فرد سایه‌گستر می‌شود. پیامبر اسلام در توصیه‌ای ارزنده می‌فرماید:

أَبْلَغُوا حَاجَةَ مَنْ لَا يَسْتَطِيعُ ابْلَاغَ حَاجَتِهِ (۱)

حاجت کسی را که از ابلاغ آن ناتوان است، به مسئولان برسانید

کم‌گویی

زبان، عضوی از بدن است که می‌تواند منشأ بسیاری از گناهان مانند: تهمت، غیبت، دروغ و سخن‌چینی شود. هر چه انسان، زیاده‌تر سخن بگوید، گناهانش افزایش می‌یابد و هر چه سکوت او طولانی‌تر باشد، به سعادت و سلامت نزدیک‌تر است. انسان عاقل کسی است که بیشتر می‌اندیشد و کمتر سخن می‌گوید. خاموشی، عیب‌های احتمالی انسان را پوشش می‌دهد و شخصیت او را نزد دیگران محفوظ می‌دارد. برعکس، پرگویی به سرعت، باطن انسان را نزد دیگران آشکار می‌سازد. انسان‌های پرسخن معمولاً برای اثبات سخنان نابجای خود به تلاش بیهوده دست می‌یازند و در این راه، با از دست دادن سلامت روحی و روانی خویش، در نگاه دیگران، منفور جلوه می‌کنند. پیامبر

ص: ۱۳۸

راستین اسلام برای حفظ سلامت و شخصیت فرد مسلمان، در توصیه ارزنده‌ای می‌فرماید:

سُكُوْتُ اللِّسَانِ، سَلَامَةٌ لِلْإِنْسَانِ. (۱)

خاموشی مایه سلامت است.

کوچک شمردن دیگران

یکی از بدترین صفاتی که ممکن است در انسان وجود داشته باشد، این است که گاهی برای آنکه خود را بزرگ جلوه دهد، دیگران را کوچک‌تر از آنچه هستند، نشان می‌دهد. در حقیقت، افراد فرومایه برای پوشاندن نادانی خود می‌کوشند مقام دیگران را پایین بیاورند تا احساس خود بزرگ‌بینی‌شان ارضا شود. البته آنچه به دست می‌آورند، چیزی نیست که منتظر آن بوده‌اند؛ زیرا مردم، سره را از ناسره و حقیقت را از دروغ باز می‌شناسند. در این حالت، ماهیت او نزد دیگران آشکار می‌شود، گرچه دیدگاه او چیز دیگری باشد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این باره چه زیبا می‌فرماید:

أَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ. (۲)

خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمارد.

کوچک شمردن مشکلات

اگر انسان اراده کند، می‌تواند به تدریج، به نیرویی دست یابد که تحمل مشکلات را آسان پندارد. این مسئله با قدرت تحمل آدمی، رابطه مستقیم دارد. اگر مشکلات را کوچک شمارد و با آن مبارزه کند، می‌تواند به راحتی بر

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۷۶۹.

۲- ۲. همان، ش ۲۵۰.

ص: ۱۳۹

مشکلات بزرگ نیز چیره شود. این همه در سایه پشتکار و ایستادگی ممکن است و مهم این است که در برابر گرفتاری‌ها، خود را نبازد و از میدان به در نرود. گاهی انسان در رویایی با مشکلات، از آن معضل، تصویر نادرستی در ذهن خود ترسیم می‌کند؛ یعنی مشکل بسیار بزرگ‌نمایی می‌شود. در حالی که با کوچک شمردن مشکلات بزرگ، می‌توان بر آن چیره شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

لَا سَهْلَ إِلَّا مَا جَعَلْتَ سَهْلًا. (۱)

هر قدر آسان بگیری، آسان می‌گذرد.

کیفیت بخشیدن به کار

برخی عادت کرده‌اند که با سهل‌انگاری کارهای خود را بدون کیفیت انجام دهند و پیش از انجام درست یک کار، به کار دیگری بپردازند. آشکار است که در این صورت، انسان نمی‌تواند از کارهای آنان بهره‌برداری کند. در مقابل، افراد نیکی هستند که به دلیل تعهد خویش، کارهایی که به آنان سپرده می‌شوند، به بهترین صورت انجام می‌دهند و محبوبیت مردمی و رضایت الهی را از آن خود می‌سازند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به این مهم می‌فرماید:

يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسَنَ. (۲)

خداوند دوست دارد که انسان وقتی کاری انجام می‌دهد، آن را خوب و کامل کند.

ک

گذشت

۱-۱. همان، ش ۲۴۹۸.

۲-۲. همان، ش ۳۲۱۷.

ص: ۱۴۰

داشتن روحیه گذشت، نشانه همت بلند و قدرت استقامت فرد است. کسانی که روحیه گذشت دارند، افزون بر اینکه می‌توانند در برابر سختی‌های روزگار استقامت کنند، بر نیروی خشم خود نیز مسلط خواهند شد. چنین افرادی این قدرت را دارند تا در مقابل بی‌ادبی، آرامش خویش را حفظ و حتی در بعضی موارد، از تقصیر دیگران چشم‌پوشی کنند. از نظر اسلام، انسان‌های با گذشت در این جهان، به ناراحتی و ناملایمات گرفتار نمی‌شوند و در آخرت نیز از لطف و محبت خاص الهی بهره‌مند خواهند شد. در حقیقت، آنان بلند همتند و خداوند به دلیل عظمت وجودی‌شان، آنان را در پناه لطف و عنایت خاص خود قرار می‌دهد. پیامبر رحمت می‌فرماید:

اسْمَحْ يُسْمَحْ لَكَ. (۱)

آسان گیر تا بر تو آسان گیرند.

ایشان در حدیث دیگری می‌فرماید:

خُلِقَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ ... فَأَمَّا اللَّذَانِ يُحِبُّهُمَا اللَّهُ فَالسَّخَاءُ وَالسَّمَّاحَةُ. (۲)

خدا، دو صفت را دوست دارد ... ولی آن دو چیزی که خدا دوست دارد، بخشش و گذشت است.

گردش ایام

انسان خردمند، از گردش روزگار و پیشامدها و حوادث غافل نیست و از همه آنها درس عبرت و سازندگی می‌آموزد. افراد بسیاری از بهترین امکانات

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۹۳.

۲- ۲. همان، ش ۱۴۵۴.

ص: ۱۴۱

مادی برخوردار بودند، ولی اینک به تکه‌ای نان محتاج شده‌اند یا چه بسا آدم‌هایی که آه در بساط نداشتند، ولی امروز صاحب مال و منال فراوانند. چه افراد توان‌مندی که نعمت سلامتی و قدرت جسمانی داشتند، ولی اینک زمین گیر شده‌اند. آیا بهتر نیست انسان از آنچه در پیرامونش می‌گذرد، درس عبرت بگیرد و به قدرت جسمانی و مال و دارایی خود مغرور نشود؟

به یاد آوریم این سخن ظریف قائم مقام فراهانی را:

روزگار است این، که گه عزت دهد، گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها، بسیار دارد

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

كَفَى بِالذَّهْرِ وَاِعْظًا وَبِالْمَوْتِ مُفَرِّقًا. (۱)

چه آموزگاری است روزگار و چه جماعت پراکنی است مرگ!

گشاده‌روی

بسیار اتفاق می‌افتد که انسان حال مناسبی دارد، ولی در برخورد با افراد اخم‌آلود و در خود فرورفته، حال خوش خود را از دست می‌دهد. همچنین چه بسا از پیشامدی، اندوهگین است، ولی با افرادی که چهره‌ای بشاش و خوش‌رو دارند، روبه‌رو می‌شود و غم و غصه‌های خویش را از یاد می‌برد. در حقیقت، گشادگی چهره یا درهم کشیدن آن، به اختیار انسان است؛ با خوش‌رویی، می‌تواند توجه دیگران را به خود جلب کند و با اخم و ناراحتی، دیگران را از خود خواهد راند.

پیامبر گرامی اسلام، گشاده‌رویی را نوعی صدقه شمرده است و می‌فرماید:

مِنَ الصَّدَقَةِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَى النَّاسِ وَأَنْتَ طَلِقُ الْوَجْهَ. (۲)

از جمله صدقات این است که با گشاده‌رویی به مردم سلام کنی.

گشایش در زندگی

۱-۱. همان، ش ۲۱۲۶.

۲-۲. همان، ش ۳۰۶۸.

ص: ۱۴۲

خداوند به هر کس به اندازه مناسب، نعمت و روزی می‌دهد و دوست دارد بنده‌ای به اندازه گشایش در زندگی، برای خود و اهل و عیالش تسهیلاتی فراهم آورد. بعضی از انسان‌ها فکر می‌کنند هرچه آدمی ناچیزتر باشد و از امکانات مالی بهره‌نگیرد، رضایت الهی را بهتر به دست آورده است، در حالی که چنین اندیشه‌ای درست نیست. استفاده متعادل از زندگی متناسب با شأن آدمی، مطلوب خداوند و توصیه ائمه معصومین علیهم السلام است. درست است که آدمی نباید برای به دست آوردن زندگی بهتر، از عزت و آبرومندی خود هزینه کند و دست نیاز به سوی این و آن بگشاید، ولی وقتی خداوند، گشایشی در زندگی او ایجاد کرد و نعمتی را به او ارزانی داشت، حق استفاده از آن را دارد.

در این صورت، خداوند نیز راضی‌تر است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَيْهِ وَيُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَالتَّبَوُّسَ. (۱)

هر وقت خداوند نعمتی به بنده‌ای داد، دوست دارد اثر آن نعمت را بر آن بنده ببیند و از فقر و حالت ناداری به خود گرفتن، بدش می‌آید.

گوهرهای درخشان

دست‌یابی به اهداف انسانی در پرتو داشته‌های کمالی امکان‌پذیر خواهد بود.

ایمان از عواملی است که آدمی را در برابر لغزش حفظ می‌کند و همچون سپری است محکم در برابر هجوم افکار شیطانی و حصاری است که سعادت و سلامت دنیوی و اخروی را در خود جای داده است. در کنار ایمان و

ص: ۱۴۳

پرهیزگاری، علمی که بتواند برای او و دیگران ثمربخش باشد و همچنین تدبری که وی را به نرم‌خویی فرا خواند تا با دیگران به مدارا رفتار کند، بسیار ارزشمند است. اگر آدمی، پرهیزگار باشد، خود را نیز به زیور دانش بیاراید و وسیله سنجش اعمالش، عقل و تدبیر باشد، می‌تواند منشأ عمل خیر باشد.

رسول گرامی اسلام نیز بر این سه گوهر ارزشمند تأکید کرده است و می‌فرماید:

ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ لَمْ يَقُمْ لَهُ عَمَلٌ: وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ السَّفِيهِ وَ عَقْلٌ يُدَارِي بِهِ النَّاسَ. (۱)

سه چیز است که اگر در کسی نباشد، عملی از او سر نمی‌زند: پرهیزگاری که او را از نافرمانی‌های خداوند متعال باز دارد؛ دانشی که با آن، نادانی آدم نادان را برطرف سازد؛ عقلی که به وسیله آن، با مردم به مدارا رفتار کند.

ل

لبخند

بعضی چهره‌ای گرفته و خشن دارند، به گونه‌ای که آدمی با دیدن آنان به یاد گرفتاری‌های خویش می‌افتد. بعضی نیز چهره‌ای تبسم‌آمیز و روحیه‌ای شاد دارند که دیگران با دیدن آنان، رنج و مصیبت خود را از یاد می‌برند و دوست دارند ساعت‌ها با آنان باشند. افراد خنده‌رو به سرعت در قلب دیگران، نفوذ و محبت آنان را به خود جلب می‌کنند. به گونه‌ای که انسان، ناخودآگاه احساس می‌کند سالیان درازی است با آنان آشنایی و صمیمیت دارد.

باری، اولیای الهی نیز همواره با چهره‌ای گشاده و شاد با مردم روبه‌رو

ص: ۱۴۴

می‌شوند که در این میان، پیامبر رحمت، زبائرد خاص و عام است. آن وجود نازنین می‌فرماید:

تَبَسُّمُكَ فِي وَجْهِ أَخِيكَ لَكَ صَدَقَةٌ. (۱)

لبخند تو بر روی برادرت، برای تو صدقه‌ای است.

لجابت و ستیزه‌جویی

افراد ستیزه‌جو، انسان‌های خودخواه و بی‌گذشتی هستند که می‌کوشند با لجابت و دشمنی با دیگران، رنج و ناراحتی درونی خویش را کاهش دهند.

این در حالی است که هرچه میزان لجابت و ستیزه‌جویی آنان بیشتر شود، فشار روحی و جسمی آنان نیز افزایش می‌یابد. برعکس، آدم‌های معتدل همواره می‌کوشند تحت تأثیر احساسات ناشی از خشم و غریزه قرار نگیرند و بی‌درنگ به ستیزه‌جویی و لجابت نپردازند. بسیار اتفاق افتاده است که کنترل نفس و بردباری، نتیجه شیرین و خوشایندی چون مودت و دوستی به همراه داشته است و فردی که ممکن بود با یک برخورد تند و ناسنجیده، در شمار مخالفان و دشمنان انسان درآید، به یکی از دوستان و مریدان او تبدیل شده است. نه تنها افراد جامعه به انسان لجوج، بی‌اعتنا می‌شوند، بلکه خداوند نیز او را از عنایت خود محروم می‌کند. پیامبر عطا و مدارا می‌فرماید:

ابْغَضُ الرَّجَالِ إِلَى اللَّهِ الْإِلْدُ الْخَصِمُ. (۲)

منفورترین مردان نزد خدا، مرد لجوج و ستیزه‌جوست.

م

مبارزه با هوای نفس

۱- ۱. نهج‌الفصاحه، ش ۱۱۱۹.

۲- ۲. همان، ش ۱۸.

ص: ۱۴۵

به هر میزان که انسان خواهان امیال نفسانی باشد، به همان اندازه، از نیروی عقل و اراده فاصله می‌گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد. از نظر اسلام، منشأ همه گناهان، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس رهیده باشد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، هوس‌گريزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد و می‌فرماید:

اشْجَعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ. (۱)

شجاع‌ترین مردم کسی است که بر خواسته‌های نفسانی چیره شود.

مدارا با بدهکاران

چون برخی افراد، امکانات مالی بسیاری ندارند، ممکن است در پاره‌ای موارد، وام بگیرند، ولی از بازپرداخت آن در زمان تعیین شده، ناتوان باشند. در این حال، برخورد وام‌دهندگان متفاوت است. گروهی با سعه‌صدر و واقع‌نگری، درصدد تمدید بازپرداخت برمی‌آیند یا حتی در پاره‌ای موارد، آن را می‌بخشند که البته از پاداش فراوانی برخوردار خواهند شد. گروهی دیگر با سرسختی و لجاجت بسیار تلاش می‌کنند که به هر شکل ممکن، حتی با آبروریزی و فشار و سخت‌گیری بر بدهکار، طلب خود را باز پس بگیرند که کار بسیار نکوهیده‌ای است. به یقین، اگر

ص: ۱۴۶

کسی با بزرگواری و درک موقعیت طرف مقابل، با بدهکار مدارا کند، در پیش گاه خداوند روسپید خواهد بود. بر این اساس، رسول الله صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ نَفَسَ عَنْ غَرِيمِهِ أَوْ مَحَى عَنْهُ كَانَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر که به بدهکار خویش مهلت دهد یا قرض او را ببخشد، روز قیامت در سایه عرش الهی خواهد بود.

مدارا با مردم

برخی می‌پندارند که خواسته‌های آنان باید همواره بی‌کم و کاست اجرا شود.

از این رو، انتظار دارند تا دیگران به بهترین صورت ممکن، به کمک آنان بشتابند و زمانی هم که به مطلوب نمی‌رسند، دیگران را مقصر می‌دانند و به ناسازگاری و بداخلاقی با آنان می‌پردازند. بعضی نیز روح گذشت و بخشش ندارند و کوچک‌ترین لغزش دیگران را با شدیدترین شیوه ممکن، مجازات می‌کنند. اینان بسیار خودخواهند و از مردم، توقع زیادی دارند. اینان با چنین روحیه‌ای، پایگاه خود را در میان مردم از دست می‌دهند و به زیان‌های جبران‌ناپذیر دچار می‌شوند.

حضرت رسول در توصیه به مدارا با هم‌نوعان می‌فرماید:

اعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ. (۲)

خردمندترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند.

مدارای مشروط

تا آنجا که می‌توان و شریعت به ما اجازه داده، نرمش و مدارا با مردم پسندیده است. در حقوق شخصی و امور جاری، باید از لغزش دیگران چشم پوشید و

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۴۹.

۲- ۲. همان، ش ۳۵۸.

ص: ۱۴۷

با گذشت، با آنان روبه‌رو شد. البته مدارا با مردم آن‌گونه نیست که در صورت آسیب‌دیدن دین، حیثیت و عزت آدمی با دیگران کنار بیاییم؛ زیرا کوتاه آمدن در این موارد، رفته رفته از ارزش و اهمیتشان می‌کاهد و آنها را به اموری معمولی و ابتدایی تبدیل می‌کند. اگر قرار باشد آدمی در برابر حق‌کشی یا حق‌گریزی، در برابر دیگران کنار بیاید، چگونه می‌توان دوام و قوام ارزش‌ها را انتظار داشت.

ارزش‌ها حساسند و واکنش مدافعانه در برابر آنها لازم و ضروری است، ولی همان‌گونه که گفته شد، در برابر چیزهای کم‌ارزش و غیراصولی نباید سخت‌گیری نشان داد؛ زیرا با گذشت می‌توان دیگران را نسبت به شخصیت خود و دستوره‌های اخلاقی و ظریف پیامبر گرامی اسلام متمایل ساخت.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره نوع مدارا با مردم می‌فرماید:

رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَزَكٍّ حَقًّا. (۱)

عقلانه‌ترین کارها پس از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم است، به گونه‌ای که حقی ضایع نشود.

مداومت بر کار خیر

هرگاه انسان در حال انجام دادن کار خیر از دنیا برود، با رضایت الهی روبه‌رو خواهد شد؛ چون بنده‌ای فرمان بردار بوده است، ولی اگر کسی در حال انجام دادن معصیت از جهان فانی رخت بربندد، در جهان دیگر نیز با خشم و غضب پروردگار روبه‌رو می‌شود؛ زیرا حق بندگی را به جا نیاورده است. هرچند ممکن است او نیز در نهایت از رحمت و مغفرت الهی برخوردار شود، ولی شرمندگی در پیش‌گاه او را چگونه تحمل خواهد کرد؟ آیا بهتر نیست انسان در محضر خدا گناه نکند و خود را برای

ص: ۱۴۸

روزی آماده سازد که هیچ چیز حتی مال و فرزند نمی‌توانند پشتیبان او باشند؟ پیامبر ارجمند اسلام در توصیه به انجام کارهای پسندیده می‌فرماید:

مَنْ مَاتَ عَلَى خَيْرٍ عَمَلُهُ فَارْجُوا لَهُ خَيْرًا وَمَنْ مَاتَ عَلَى شَرٍّ عَمَلُهُ فَخَافُوا عَلَيْهِ وَلَا تَيَأَسُوا. (۱)

هر کس بر خیری که انجام داده است، بمیرد، برایش امیدوار باشید و هر کس بر شری که انجام داده است، بمیرد، برایش بیم‌ناک باشید، ولی ناامید نشوید.

مردم آزاری

مردم آزاری در اجتماع نمودهای گوناگونی دارد. برای مثال، همسایه‌ای با بی‌مبالاتی و سر و صدای زیاد، کارمندی با بی‌پاسخ گذاشتن خواسته ارباب رجوع، راننده‌ای با بوق‌های زدن‌های ممتد و بی‌جا و نیز دیگران با صدها کردار خلاف و دور از نزاکت، سبب رنجش خاطر اطرافیان می‌شوند. از آن بدتر وقتی است که در برابر هر گونه اعتراض، خود را بی‌گناه و حتی صاحب حق می‌دانند. آیا پسندیده است که آسایش و آرامش دیگران را به هم بریزیم و خود را بی‌گناه نیز بدانیم؟

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در نکوهش این رفتار ناپسند می‌فرماید:

كُلُّ مُؤَذِّ فِي النَّارِ. (۲)

هر آزارگری در دوزخ است.

مزد کارگر

بنا بر وظیفه اخلاقی و انسانی، انسان باید حق کارگر را با احترام به او بپردازد و حتی اگر پرداخت مزد بدون درخواست کارگر انجام گیرد، پسندیده‌تر است.

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۲۸۳۱.

۲- ۲. همان، ش ۲۱۷۱.

ص: ۱۴۹

بعضی افراد نه تنها پس از انجام کار، قدردانی نمی‌کنند، بلکه با منت نهادن، حقوق کارگر را می‌پردازند که اسلام، این کار را بسیار نکوهش کرده است.

همچنین بسیار شایسته است اگر کارگری بیش از مقدار کارش، تلاش کرد و کار را به خوبی به پایان رساند، مزد بیشتری به او پرداخت شود. پرداخت مزد نیز باید در زودترین وقت ممکن انجام شود. پیامبر گرامی اسلام، دست کارگران را می‌بوسید و به آنان بسیار احترام می‌گذاشت. ایشان می‌فرماید:

... اعْطِ الْأَجِيرَ حَقَّهُ قَبْلَ أَنْ يَجُفَّ عَرَقُهُ. (۱)

... پیش از اینکه عرق کارگر خشک شود، حق او را بپردازید.

مشارکت در کارخانه

برخی می‌پندارند خدمت در خانه منحصر به همسران است و مردان کوچک‌ترین وظیفه‌ای در این زمینه ندارند. از این رو، به اصطلاح دست به سیاه و سفید نمی‌زنند و خانه را با مهمان‌خانه اشتباه می‌گیرند. انجام دادن کارهای خانه، وظیفه‌ای است مشترک میان زن و مرد و اداره نیکوی خانه به وسیله زن، وظیفه شرعی و اخلاقی او نیست، بلکه تلاش خالصانه‌ای است که وی برای محبت به همسر و فرزند انجام می‌دهد. نباید پنداشت که زن موظف است همه کارهای خانه را انجام دهد؛ زیرا وجود رابطه همسری، هرگز به معنای خدمت‌گزاری برای مرد نیست. بنابراین، زن و مرد باید با مشارکت و هم‌یاری به کارهای خانه بپردازند و نظام خانواده را اصلاح کنند. حضرت ختمی مرتبت در این باره می‌فرماید:

خِدْمَتُكَ زَوْجَتَكَ صَدَقَةٌ. (۲)

خدمت تو به همسرت، صدقه است.

مشورت

۱-۱. همان، ش ۳۴۷.

۲-۲. همان، ش ۱۴۳۵.

ص: ۱۵۰

انسان در هر مرتبه از آگاهی و دانش قرار داشته باشد، هرگز از مشورت بی‌نیاز نخواهد شد. تجربه ثابت کرده است که گاهی انسان در مسائل ساده نیز دچار اشتباه و غفلت می‌شود، در حالی که اگر با افراد آگاه و با تجربه مشورت می‌کرد، به این اشتباه دچار نمی‌شد. هنگامی که انسان با کسی مشورت می‌کند، فکر او را با فکر خود شریک می‌سازد. در حقیقت، نیروی فکری او قوی‌تر می‌شود و بدین ترتیب، از اشتباه در امان می‌ماند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیه به مشورت می‌فرماید:

لَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقَ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ. (۱)

پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره نیست.

ملاحظه‌کاری

اخلاص و خدامحوری در انجام دادن کارها سبب موفقیت و ذخیره‌سازی پاداش آن برای جهان آخرت می‌شود. اخلاص، اکسیری است که در برخورد با کار و تلاش، آن را پربها و مانا می‌سازد و در جریده عالم ثبت می‌کند؛ همان‌گونه که ریا و خودنمایی از ارزش کار می‌کاهد و آن را مانند کف روی آب، زودگذر و بی‌دوام می‌سازد. بنابراین، مغز کارها، اخلاص و انجام عمل برای خداوند است و باید به کارها رنگ خدایی زد تا ماندگار شود. وقتی کاری مورد رضایت الهی است، هرگز نمی‌توان آن را برای ملاحظه یا خوشامد خلق رها کرد. چگونه می‌توان رضایت مخلوق را بر رضای خدا ترجیح داد یا بر اثر شرم و حیای نکوهش شده، از انجام کاری طفره رفت. از این رو اگر کسی در جمعی است

ص: ۱۵۱

که با او هم عقیده نیستند یا از آنها شرم دارد، باید با صلابت به پاخیزد و کارش را بدون شرم و ملاحظه کاری انجام دهد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِّنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَلَا تَدَعُهُ حَيَاءً. (۱)

هیچ کار خیری را برای ریا انجام مده و هیچ کار نیکی را به سبب خجالت کشیدن رها مکن.

مهمان ناخوانده

برخی مردم با آنکه از وضع مالی خوبی برخوردارند، ولی می‌کوشند بدون دعوت به خانه این و آن بروند و در این راه، چه بسا اعضای خانواده یا دوستانشان را نیز با خود همراه می‌سازند. این کار پسندیده نیست؛ زیرا صاحب‌خانه را به زحمت می‌افکنند و بی‌اطلاع میزبان، او را غافل گیر و در برابر مهمان ناخوانده، شرمسار می‌کنند. بنابراین، بدون هماهنگی و دعوت، به خانه کسی نرویم؛ چون این کار در هر مکتب و مرامی ناشایست و خلاف اخلاق است. پیامبر گرامی اسلام در یکی از هشدارهای شدید می‌فرماید:

مَنْ مَشَى إِلَى طَعَامٍ لَمْ يُدْعَ إِلَيْهِ فَقَدْ دَخَلَ سَارِقًا وَ خَرَجَ مُعْتَرًا. (۲)

هر که بی‌دعوت به طعامی رود، دزد می‌رود و ننگین بیرون می‌آید.

میزان سنجش عقل

عقل چیست و عاقل کیست؟ هر کسی، عقل را بر اساس فهم و خرد خود معنی می‌کند. از این رو، ممکن است برداشت بعضی افراد، با تفسیری که پیشوایان

۱- ۱. تحف العقول، ص ۵۸.

۲- ۲. نهج الفصاحه، ش ۲۷۶۷.

ص: ۱۵۲

دینی از عقل و خرد دارند، متفاوت باشد. چه بسا کسانی از نظر افراد معمولی، عاقل شمرده می‌شوند، ولی بر اساس معیارهای معصومین علیهم السلام در شمار افراد عاقل قرار نگیرند.

آورده‌اند: مردی نصرانی از اهل نجران به مدینه آمد. او مردی خوش‌بیان، باوقار و با فضیلت بود. مردم به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتند: این مرد نصرانی چقدر با عقل و خرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شنیدن این سخنان، معیار داوری برای انسان خردمند را چنین بیان فرمود:

مَهْ اِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ وَحَدَّ اللَّهُ وَ عَمِلَ بِطَاعَتِهِ. (۱)

دست نگه دار! خردمند کسی است که خدا را به یگانگی بشناسد و به فرمان او عمل کند.

ن

نزدیک‌ترینان به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

رسول رحمت و هدایت آمد تا چراغ راه آدمیان به سوی خیر و نیک‌بختی باشد. ایشان برای رسیدن انسان به کمال و سعادت، دستورهایی داده است که انسان‌ها با عمل به آنها، خود را به خلق و خوی محمدی خواهند آراست.

انسان‌ها اگر چنین کنند، در سایه لطف پیامبر قرار می‌گیرند و از آسیب‌های روز واپسین در امان می‌مانند. در این صورت، در آخرت نیز از یاران و نزدیکان آن حضرت خواهند بود. در مقابل، کسانی که دستورهای نبوی را نادیده بینگارند و در دنیا، خود را از نبی مکرم اسلام جدا سازند، در آخرت نیز از ایشان دور خواهند بود. بنابراین، چه خوب است که با آراسته

ص: ۱۵۳

شدن به اوصاف نبوی، خود را مشمول رحمت الهی و قرین عطوفت محمدی قرار دهیم که آن پیامبر مهرپرور می‌فرماید:
 اقْرَبُكُمْ مِنِّي غَدًا فِي الْمَوْقِفِ اصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ اَدَاكُمْ لِلْاَمَانَةِ وَ اَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَ احْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ اقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ. (۱)
 نزدیک‌ترین شما به من در فردای قیامت، آن کسی است که بیش از همه سخن راست بگوید، ادای امانت کند، به پیمان وفا کند و اخلاق وی نیکوتر و به مردم نزدیک‌تر باشد.

نفرین ستم‌دیدگان

مظلومان، دل‌های پرانده و خاطری افسرده از ستم‌بیدادگران دارند و مباد که دست دعا به نفرین بلند کنند؛ زیرا آتش دل‌سوختگان، ویرانی‌ها به بار می‌آورد و از این آتش سوزان، گریزی نیست. اصولاً واژه‌ای زیباتر از عدالت وجود ندارد و این مهم، از اهداف عالی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام بوده است. چگونه انسان می‌تواند گلبانگ عدالت را نشنیده انگارد و به سوی ستم و تعدی ره بپوید. منادی قسط و عدل و مبارزه با جور و ستم می‌فرماید:

اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَصْعَدُ إِلَى السَّمَاءِ كَأَنَّهَا شَرَارَةٌ. (۲)

از نفرین ستم‌دیده بترسید؛ که چون شعله آتش به آسمان می‌رود.

نگاهی به دنیا، نگاهی به آخرت

انسان به کلی نمی‌تواند از علاقه به دنیا پرهیز کند؛ زیرا در طبیعت رشد کرده است و به مسائل طبیعی علاقه خاصی دارد. البته نباید آن چنان در دنیا

۱- ۱. همان، ص ۴۶.

۲- ۲. نهج‌الفصاحه، ش ۴۷.

ص: ۱۵۴

فرو برد و اسیر تعلق‌ها شود که تمام فکر و ذکرش به آنها مشغول باشد و برای آخرت خود کوچک‌ترین گامی برندارد. انسان عاقل کسی است که در عین بهره‌مندی از طبیات دنیا، ره‌توشه آخرت را نیز فراهم می‌آورد و بخشی از ذهن و روح خود را با مسائل معنوی پر می‌کند؛ زیرا اگر جز این باشد، چیزی جز زیان متوجه او نخواهد شد. دنیادوست، به تدریج از انسانیت، تهی و به درنده‌ای انسان‌نما تبدیل خواهد شد. چنین فردی چنان در منجلاب دنیا فرومی‌رود که جز به تأمین منافع شخصی نمی‌اندیشد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

لَا تَشْغَلُوا قُلُوبَكُمْ بِدِكْرِ الدُّنْيَا. (۱)

دل‌های خود را فقط با یاد دنیا پر نکنید.

نماز

ترک نماز، بزرگ‌ترین گناه است. نماز برای تربیت و تکامل روحی انسان‌ها واجب شده است، ولی برخی افراد برای گریز از انجام تکلیف و پیروی از هوای نفس یا تنبلی و کسالت، آن را انجام نمی‌دهند. این بندگان به جای شکرگزاری به درگاه حق و همراهی و هم‌نوایی با برگ درختان سبز و زمین و زمان و پرندگان و خزندگان در مدح خدای روزی‌رسان، به بهانه‌های گوناگون از زیر بار این مسئولیت انسان‌ساز می‌گریزند. گاهی می‌گویند:

«خداوند به نماز ما احتیاج ندارد». در پاسخ باید گفت نخستین چیزی که در قیامت از مسلمان می‌پرسند، درباره ستون دین است و برای ترک‌کنندگان نماز، عذاب دردناکی مقرر شده است. آیا شایسته است انسان به دلیل تنبلی و

ص: ۱۵۵

کسالت، در دسته ناسپاسان قرار گیرد و از به جا آوردن نماز که وظیفه بندگی است، سرباز زند؟ پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الصَّلَاةُ. (۱)

نخستین چیزی که از آن حساب‌رسی می‌کنند، نماز است.

نماز شب

اسلام به جز نمازهای واجب، بر ادای بعضی نمازها به دلیل آثار بسیار مهم تربیتی که در پی دارند، تأکید کرده است. در این میان، نماز شب از اهمیت بیشتری برخوردار است. وقت این نماز، از نیمه‌های شب تا نزدیک نماز صبح است و سحرخیزان و شب زنده‌داران با راز و نیازهای شبانه خود، به حال و هوای معنوی ویژه‌ای دست می‌یابند. اینان در خلوت ربانی خود، محو دیدار معشوق حقیقی می‌شوند و جز خدا، همه چیز را به فراموشی می‌سپارند. رمز موفقیت بسیاری از علما و اولیای الهی را در ادای نافله نماز شب دانسته‌اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ترغیب به ادای نماز شب می‌فرماید:

مَنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ حَسُنَ وَجْهُهُ بِالنَّهَارِ. (۲)

هر کس در شب، نماز بسیار بخواند، در روز، چهره‌اش نورانی می‌شود.

نماز صبح در مسجد

آن گاه که تاریکی همه جا را فرا گرفته و سکوتی سنگین بر زمین حاکم است، بندگان صالح خدا از بستر برمی‌خیزند و برای به جا آوردن نماز صبح، به سوی مسجد می‌روند. این حرکت و خیزش به سوی مساجد، صفای خاصی دارد. در فضای

۱-۱. همان، ش ۹۷۹.

۲-۲. همان، ش ۲۸۱۳.

ص: ۱۵۶

سراسر ملکوتی مساجد و در این تماشاگه راز، بندگان خاص خدا را در حالت‌های گوناگون می‌توان دید. یکی در حال رکوع، دیگری با چشمان گریان از خدا طلب عفو می‌کند و با او در راز و نیاز است و آن دیگر، غرق در تفکر و تعمق. چه زیباست همراه شدن با این جماعت عاشق. در آن سو می‌بینیم که گروهی بی‌خبر از عالم معنا در خوابی عمیق فرو رفته‌اند و به دور از این غوغای ملکوتی، تنها به این می‌اندیشند که پاسی از صبح گذشته از خواب برخیزند و زندگی تکراری فردا و فرداها را آغاز کنند. رسول الله صلی الله علیه و آله در بشارتی نیکو به سحرخیزان می‌فرماید:

بَشِّرِ الْمَشَّائِينَ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

به آنان که در ظلمات شب به سوی مساجد می‌روند، بشارت بده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.

نیکوکاری

هر کاری می‌تواند آثار مثبت یا منفی در برداشته باشد. خداوند بزرگ به انسان، حق انتخاب داده است و انسان‌های شایسته کسانی هستند که راه‌های مفید را می‌پیمایند. اینان فرصت‌های الهی را از دست نمی‌دهند و با نیت خداپسندانه، برای رفع نیاز خود و دیگران می‌کوشند. بر عکس، انسان‌های ناسپاس، نعمت‌های الهی را به رایگان از دست می‌دهند و در برخورد با نیازمندان، آنان را به تمسخر می‌گیرند. اینان می‌گویند: «اگر خدا می‌خواست به فقیران روزی می‌داد و به کمک ما نیازی نیست.» این گونه افراد نمی‌دانند که کمک به نیازمندان، انسان را از سقوط به پستی‌ها و حوادث ناگوار و ناگهانی در امان نگاه می‌دارد. نیکوکاری و صدقه پنهانی و آشکار از کارهایی است که مایه

ص: ۱۵۷

سپیدرویی انسان در جهان آخرت خواهد شد. پیامبر گرامی اسلام در توصیه به این عمل پسندیده می‌فرماید:
 صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ الشُّوْءِ. (۱)
 نیکوکاری، انسان را از مرگ‌های ناگوار در امان نگاه می‌دارد.

9

وساطت در ازدواج

در فرهنگ اسلام این کار از ارزشمندترین وساطت‌ها به شمار آمده است. البته این کار به دلیل اهمیت و حقانیتش نیازمند تجربه و دقت و امانت‌داری است. فرد میانجی باید ویژگی‌های دو طرف را به خوبی و بدون کم و کاست برای یکدیگر بیان کند و زمینه شناخت آن دو را فراهم آورد. در این صورت است که می‌تواند زمینه سعادت و آرامش دو جوان را فراهم کند و فرد میانجی را نیز به پاداش الهی برساند. از این رو، پیامبر خدا، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:
 مِنْ أَفْضَلِ الشَّفَاعَةِ أَنْ تَشْفَعَ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي النِّكَاحِ. (۲)
 از جمله بهترین وساطت‌ها این است که میان دو نفر در ازدواج، وساطت کنید.

وصیت‌نامه

بی‌شک، همه موجودات، طعم تلخ مرگ را خواهند چشید جز ذات لایزال الهی که همیشه بوده و خواهد بود. مخلوقات دیر یا زود، از این جهان فانی خواهند رفت، ولی نیاز به سفارش پس از مرگ، بسیار ضروری است تا نظام

۱- ۱. همان، ش ۱۸۵۲.

۲- ۲. همان، ش ۳۰۷۳.

ص: ۱۵۸

خانوادگی و روابط اجتماعی دچار مشکل نگردد. چه بسا انسان‌هایی که بدون وصیت، از این جهان رفته‌اند و پس از مرگ آنان، اختلاف‌های شدید مالی میان اعضای خانواده اتفاق افتاده است یا اشخاص بیگانه، ادعای طلب‌کاری داشته‌اند. آیا بهتر نیست انسان با نوشتن وصیت‌نامه، از رخ دادن این غایله‌ها پیش‌گیری کند و خدای نکرده زیر دین دیگران قرار نگیرد و سبب اختلاف خانواده نیز نشود. پیامبر اسلام می‌فرماید:

تَزُكُّ الْوَصِيَّةُ عَارًا فِي الدُّنْيَا وَ نَارًا وَ سَنَارًا فِي الْآخِرَةِ. (۱)

وصیت نکردن، مایه ننگ این جهان و آتش آن جهان است.

وظایف والدین

خانواده، نخستین و مهم‌ترین خاستگاه تربیتی فرزندان است. پدران و مادران باید برای تربیت صحیح فرزندان، سرمایه‌گذاری کنند تا این گل‌های زندگی شکوفا شوند و باقیات صالحاتی باشند برای والدین؛ زیرا به یادگار نهادن فرزندان صالح از نعمت‌های الهی است. پدر و مادر در آشنا کردن فرزندان با هنجارهای اجتماعی، نقش اساسی دارند. از این رو، باید آنان را به گونه‌ای پرورش دهند که با اصول دینی و مبانی اعتقادی آشنا شوند. نام‌گذاری نیکو و پسندیده یکی از این موارد است؛ زیرا تأثیر روانی بسزایی بر فرزند دارد. پیامبر بزرگوار اسلام در توصیه‌ای به والدین، پاره‌ای از وظایف آنان را چنین برمی‌شمارد:

حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ يُحَسِّنَ مَوْضِعَهُ وَ يُحَسِّنَ آدَبَهُ. (۲)

حق پسر بر پدر آن است که نام نیکو بر او نهد و بر جایگاه نیکو نشانند و ادب نیک بیاموزد.

وفای به عهد

۱-۱. نهج الفصاحه، ش ۱۱۴۱.

۲-۲. همان، ش ۱۳۹۳.

ص: ۱۵۹

وفای به عهد و پیمان، نشان‌دهنده طبع والا و فضایل اخلاقی آدمی است. از انسان مسلمان انتظار می‌رود که اگر توان انجام کاری را ندارد، با عذرخواهی و پاسخ صریح، ناتوانی خود را اعلام کند تا درخواست کننده، تکلیفش را بداند و با بهره‌گیری از وسایل دیگر، آن نیاز را برآورد. متأسفانه گاهی با افرادی روبه‌رو می‌شویم که وعده‌های بیهوده می‌دهند و چه بسا به دلیل از دست رفتن فرصت، سائل نیز به مطلوب خود نمی‌رسد. پیامبر بزرگ اسلام، عهدشکنان را در شمار بی‌دینان شمرده است و می‌فرماید:

لا دینَ لِمَنْ لا عَهْدَ لَهُ. (۱)

هر که پیمان نگاه ندارد، دین ندارد.

هدیه

هدیه، محبت میان انسان‌ها را افزایش می‌دهد. در حقیقت، هدیه دهنده با این کار، علاقه و محبت خود را بیان می‌کند. قیمت و ارزش بالای هدیه، معیار و ملاک جلب محبت نیست؛ زیرا ممکن است هدایای غیرمادی که نشان‌دهنده حسن نیت و صداقت اهدا کننده است، بسیار کارسازتر باشد. در اسلام، نفس و اصل عمل مورد توجه است. بنابراین، تهیه هدایای گران‌بهای مادی را خردمندانه نمی‌دانند.

اصالت هر هدیه، مفید و معنوی بودن آن است و ارزش مادی آن اهمیتی ندارد. از سوی دیگر، اگر هدیه پر قیمت باشد، طرف مقابل نیز برای جبران آن گرفتار سختی و دردسر می‌شود. گاهی اوقات، تهیه هدیه‌ای هم‌سنگ هدیه

ص: ۱۶۰

آشنایان، از عهده فرد خارج است. از این رو، به ناچار از او فاصله می‌گیرد. در این حالت، هدیه نه تنها محبت را افزون نکرده، بلکه رشته‌های مودت و دوستی پیشین را نیز از هم گسیخته است. بر این اساس، برای تقویت رشته‌های محبت باید شئون و توانایی طرف مقابل در نظر گرفته شود.

پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید:

تَهَادُوا تَحَابُّوا. (۱)

به یکدیگر هدیه دهید تا رشته‌های محبت‌تان استوار گردد.

هدیه معنوی

گاهی افرادی را می‌بینیم که وقتی سخن خوبی را می‌شنوند یا مطلب سودمندی را در کتابی می‌خوانند و آن را سودمند می‌یابند، بی‌درنگ یادداشت می‌کنند تا در زمان مقتضی، به اطلاع دوستان و آشنایان و دیگران برسانند. این کار، شیوه بسیار پسندیده‌ای است و در طول تاریخ، بسیاری از انسان‌ها، از همین راه به آگاهی‌های بسیار ارزشمندی دست یافته‌اند. چه بسا اگر این کار انجام نمی‌شد، امروز بسیاری از دانستی‌های ما وجود نداشت. پس بکوشیم سخنان و گفتار سودمند را به آگاهی همگان برسانیم تا با ثبت و ضبط آن در حافظه‌ها و عمل به آن، راه هدایت را بیابیم. حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره هدایای کلامی می‌فرماید:

نعم العَطِيَّةُ كَلِمَةٌ حَقٌّ تَسْمَعُهَا ثُمَّ تَحْمِلُهَا إِلَىٰ أَخٍ لَّكَ مُسْلِمٍ. (۲)

چه نیکو عطایی است کلمه حقی که آن را می‌شنوی، سپس به برادر مسلمانان می‌رسانی.

هم‌نشینی با فقیران

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۱۸۹.

۲- ۲. همان، ش ۳۱۲۷.

ص: ۱۶۱

بعضی افراد همیشه از فقیران و نیازمندان فاصله می‌گیرند تا مبادا از ایشان چیزی بخواهند یا اینکه شأن خود را از آنان بالا-تر می‌دانند. این در حالی است که ارزش هر کسی با تقوای او محک زده می‌شود و چه بسا فقیری با جامه مندرس، در پیش‌گاه الهی صاحب مقام و موقعیت والا- باشد. هم‌نشینی با فقیران و رسیدگی به آنان در سیره تابناک اولیای الهی کاملاً نمایان است. آنان همواره با فقیران نشست و برخاست داشتند و کسانی را که از فقیران فاصله می‌گرفتند، به شدت نکوهش می‌کردند. پیامبر عظیم الشان اسلام درباره دوستی با فقیران می‌فرماید:

اتَّخِذُوا عِنْدَ الْفُقَرَاءِ أَيْدِيَ فَإِنَّ لَهُمْ دَوْلَةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

با فقیران دوستی کنید؛ زیرا آنان در روز قیامت، منزلت بزرگی دارند.

هم‌نشینی با نیکان

انسان همیشه نیازمند آموختن مسائل اخلاقی و تربیتی است تا راه کمال و پویایی را در پیش گیرد. یکی از راه‌هایی که آدمی را در پیمودن نردبان قرب و تهذیب نفس یاری می‌کند، هم‌نشینی با خوبان است. نیکان کسانی هستند که فضایل و تجربه کافی دارند و انسان با خیال آسوده می‌تواند به آنان اعتماد کند؛ از گفتار و رفتارشان، توشه سفر، فراهم آورد و روح و روان خویش را پالایش کند. آن‌گاه هم چون فرشته‌ای سبک‌بال، با عطر صفا و محبت، پروازی دل‌نشین را بیازماید و از لذت علم و عمل بهره‌مند شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره معاشرت با نیک‌منشان می‌فرماید:

ص: ۱۶۲

جَالِسُوا الْكِبْرَاءَ وَ سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَالَطُوا الْحُكَمَاءَ. (۱)

با بزرگان هم‌نشین شوید، از دانشمندان بپرسید و با حکیمان ارتباط داشته باشید.

ی

یادداشت دانستی‌ها

یکی از بهترین کارها این است که انسان، آموخته‌های خود را یادداشت کند.

بعضی افراد به این مسئله توجهی ندارند و فکر می‌کنند که می‌توانند آن آندوخته‌ها را در حافظه خود نگه‌داری کنند، ولی به تدریج، معلومات خود را به فراموشی می‌سپارند. همه انسان‌ها ذهن قدرت‌مندی چون ابن‌سیناها ندارند و مانند ماشین حساب و رایانه نیز نیستند که اگر چنین هم بود به دلیل اختلال و نقص، همه حافظه خود را از دست می‌دادند. انسان برای نگه‌داری آندوخته‌های خود به ناچار باید آنها را ثبت و ضبط کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز به این امر توجه کرده و فرموده است:

قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ. (۲)

دانش را با نوشتن ثبت کنید.

یاد کرد نیکی مردگان

چون انسان معصوم نیست، خواه ناخواه در طول زندگی مرتکب اشتباه و خطا می‌شود. پس همه در پرونده کار خود، رفتار نیک و بد دارند. با این حال

۱- ۱. نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۰.

۲- ۲. همان، ش ۲۱۰۵.

ص: ۱۶۳

شایسته است پس از درگذشت آنان، رفتارهای خوبشان را بازگو کنیم و از بدی‌های آنان سخنی نگوییم؛ زیرا:

۱. شاید خداوند، وی را به دلیل کارهای نیکش، آمرزیده باشد.
۲. اینک او در گذشته است و زنده نیست تا از خود دفاع می‌کند.
۳. این کار، بازماندگانش را بسیار ناراحت می‌کند.
۴. در آموزه‌های اسلامی آمده است که از درگذشتگان به نیکی یاد کنیم.

پیامبر وارسته اسلام می‌فرماید:

اذْکُرُوا مَحَاسِنَ مَوْتَاکُمْ وَ کُفُّوا عَنِّ مَسَاوِیْهِمْ. (۱)

نیکی‌های مردگان را یاد کنید و از بدی‌هایشان چشم‌پوشید.

یتیم‌نوازی

کودکان یتیم به مهر و محبت، بسیار نیاز دارند و مهرورزی به آنان می‌تواند تا اندازه‌ای، غم جان‌گناه از دست دادن والدین را جبران کند. از این رو، اسلام توصیه می‌کند که مسلمانان، چتر محبت و مهربانی را بر سر آنان بگسترانند و مانند آنچه را برای فرزندان خود مهیا می‌کنند، برای آنان نیز فراهم آورند.

بی‌تردید، کسانی که به این وظیفه انسانی بی‌توجه باشند یا مایه آزار آنان شوند، به خشم پروردگار دچار خواهند شد. رسول گرامی اسلام درباره ارزشمندی این رفتار نیکو و پسندیده می‌فرماید:

خَيْرُ بَيْوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ. (۲)

بهترین خانه‌های شما، خانه‌ای است که یتیمی در آن گرامی داشته شود.

۱-۱. همان، ش ۲۴۹.

۲-۲. همان، ش ۱۵۱۱.

ص: ۱۶۴

بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی الله علیه و آله

فصل اول: خوشه‌های نور

اشاره

ص: ۱۶۵

بخش دوم: سیری در گلستان نبوی صلی الله علیه و آله

ص: ۱۶۷

فصل اول: خوشه‌های نور

سعدی از تربیت یافتگان و شاگردان مکتب اسلام و از شیفتگان و ارادتمندان خاندان نبوت و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. وی بسیاری از پندها و اشعار خود را متأثر از آیه‌ها و روایت‌ها سروده است. استاد مطهری در این باره می‌گوید:

«سعدی نصایح بسیار بسیار سودمندی دارد که از متن اسلام گرفته شده است».^(۱)

در سالی که با نور نام محمد صلی الله علیه و آله تاییدن آغاز کرده، بسیار شایسته است تا با یادکردی از این شاعر توانا، اشعاری را که برگرفته از سخن تابناک و انسان ساز پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله است، زینت بخش این نوشتار سازیم.^(۲) باشد که نور محمد صلی الله علیه و آله فرا راهمان را همواره فروزان و دست‌یابی به راه کمال را بر ما آسان گرداند.

ارزش عمر

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

كُنْ عَلَى عُمْرِكَ اشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهِمِكَ وَ دِينَارِكَ.^(۳)

بر عمر خویش بخیل‌تر باش تا بر درهم و دینار خود.

۱-۱. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۸۹.

۲-۲. این مطالب با استفاده از سعدی در گلستان حدیث آل محمد صلی الله علیه و آله، نوشته: سید عبدالوهاب محصل، با تغییر و تلخیص تنظیم شده است.

۳-۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

ص: ۱۶۸

قیمت عمر اگر بداند مرد پس بگرید بر آنچه ضایع کرد
 طفل را سیبکی دهند به نقش بستانند از او نگین بدخش (۱)
 جوهری را که این بصیرت هست ندهد بی بهای خویش از دست

بریدن سخن دیگران

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ عَرَّضَ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ فِي حَدِيثِهِ فَكَأَنَّمَا حَدَّثَ وَجْهَهُ. (۲)

هر که در میان سخن برادر مسلمانش بدود، مانند این است که چهره‌اش را خراشیده باشد.
 سخن را سر است ای خردمند و بن میاور سخن در میان سخن
 خداوند تدبیر و فرهنگ (۳) و هوش نگوید سخن تا نبید خموش

به دنبال مال حلال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى عَبْدَهُ تَعَبًا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ. (۴)

خداوند دوست دارد که بنده‌اش را در جست‌وجوی مال حلال، خسته ببیند.
 چو خورد شیر شرز در بن غار؟ باز افتاده را چه قوت بود؟
 گر تو در خانه صید خواهی کرد دست و پایت چو عنکبوت بود

تکریم سالمندان

۱- ۱ ولایتی در افغانستان که در کوهستان آن لعل فراوان یافت می‌شود.

۲- ۲ الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

۳- ۳ صاحب نظر.

۴- ۴ کنز العمال، ج ۴، ص ۲.

ص: ۱۶۹

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ أَجْلَالِ اللَّهِ أَجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ. (۱)

از جمله تجلیل خداوند، بزرگداشت مسلمان سپید موی است. دلم می دهد وقت وقت این امید که حق شرم دارد ز موی سپید عجب دارم ار شرم دارد ز من که شرمم نمی آید از خویشتن

توبه در جوانی

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود:

التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ. (۲)

توبه نیکوست، ولی در جوانی نیکوتر است.

جوانا! ره طاعت امروز گیر که فردا جوانی نیاید ز پیر

فراغ دلت هست و نیروی تن چون میدان فراخ است، گویی بزن

قضا روزگاری ز من در ربود که هر روزی از وی شبی قدر بود

من آن روز را قدر نشناختم بدانستم اکنون که در باختم

به غفلت بدادی ز دست، آب پاک چه چاره کنون جز تیمم به خاک

چو از چابکان در دویدن گرو نبردی هم افتان و خیزان برو

گر آن بادپایان برفتند تیز تو بی دست و پای از نشستن بخیز

خلوت انسی

۱- ۱ کافی، ج ۲، ص ۶۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۷.

۲- ۲ کنز العمال، ح ۴۴۱۶۸.

ص: ۱۷۰

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

لِي مَعَ اللَّهِ وَقْتُ لَا يَسْعُنِي فِيهِ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ. (۱)

برای من با خداوند وقتی است که در آن وقت، نه فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل می گنجد.

یکی پرسید از آن گم کرده فرزند (۲) که ای روشن گهر پیر خردمند

ز مصرش بوی پیراهن شنیدی چرا در چاه کنعانش ندیدی؟

بگفت احوال ما برق جهان است دمی پیدا و دیگر دم نهان است

گهی بر طارم اعلی نشینم گهی در پیش پای خود نیستم

اگر درویش در حالی بماندی سر دست از دو عالم برفشاندی

خودشناسی و خداشناسی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ. (۳)

کسی که خود را بشناسد، خدایش را شناخته است.

نزید تو را با چنین سروری که سر جز به طاعت فرود آوری

به انعام خود، دانه دادت، نه گاه نکردت چو انعام، سر در گیاه

ولیکن بدین صورت دل پذیر فریبا مشو، سیرت خوب گیر

ره راست باید، نه بالای راست که کافر هم از روی صورت چو ماست

۱- ۱ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۴۳.

۲- ۲ حضرت یعقوب.

۳- ۳ بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲؛ غرر الحکم، ص ۲۳۲.

ص: ۱۷۱

تو را آن که چشم و دهان داد و گوش اگر عاقلی، در خلافتش مکوش
گرفتم که دشمن بکوبی به سنگ مکن باری از جهل، با دوست، جنگ
خردمند طبعان منت شناس بدوزند نعمت به میخ سپاس

دانشوری

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. (۱)

فراگرفتن علم بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

طلب کردن علم شد بر تو فرض اگر واجب است از پی اش قطع ارض
برو دامن علم گیر استوار که علمت رساند به دارالقرار

دشمن ترین دشمن ها

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

اعْدَى عَدُوَّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ. (۲)

دشمن ترین دشمنانت، نفس توست.

مبارزان طریقت که نفس بشکستند به زور بازوی تقوا و للحروب رحال
مراد نفس ندادند از این سرای غرور که صبر پیش گرفتند تا به وقت مجال
قفا خورند و ملامت برند و خوش باشند شب فراق به امید بامداد وصال

دوای نادانی

۱- ۱ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۹.

۲- ۲ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶.

ص: ۱۷۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَمَّا شِفَاءُ الْعَمَى السُّؤَالُ. (۱)

شفای نادانی، پرسش است.

امید عافیت آن‌گه بود موافق عقل که نبض را به طبیعت شناس بنمایی

پرس هر چه ندانی که ذلّ پرسیدن دلیل راه تو باشد به عزّ دانایی

راست‌گویی

رسول اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

الصِّدْقُ مَبَارَكٌ. (۲)

راست‌گویی، فرخنده است.

دلا راستی گر کنی اختیار شود دولت همدم و بخت یار

نیچند سر از راستی هوشمند که از راستی نام گردد بلند

دم از راستی گر زنی صبح وار ز تاریکی جهل‌گیری کنار

مزن دم به جز راستی زینهار که دارد فضیلت یمین بر یسار

به از راستی در جهان کار نیست که در گلبن راستی خار نیست

زن شایسته

حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود:

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الزَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ. (۳)

داشتن زن شایسته از خوشبختی مرد است.

۱-۱. مواظب العددیه، باب اول، فصل سوم.

۲-۲. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۶۰.

۳-۳. کافی، ج ۵، ص ۳۲۷.

ص: ۱۷۳

زن خوب فرمانبر پارسا کند مرد درویش را پادشا
 برو پنج نوبت (۱) بزن بر درت چو یاری موافق بود بر درت
 همه روز اگر غم خوری، غم مدار چو شب غمگسارت بود در کنار
 چو مستور باشد زن و خو بروی به دیدار او در بهشت است شوی
 کسی بر گرفت از جهان کام دل که یک دل بود با وی آرام دل

سربار جامعه

پیامبر گرامی اسلام فرمود:

مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّةً عَلَى النَّاسِ. (۲)

از رحمت خدا دور است کسی که بار زندگی خود را بر دوش دیگران می‌نهد.
 به چنک آر و با دیگران نوش کن نه بر فضله دیگران گوش کن
 بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیاات بود در ترازوی خویش
 چون مردان ببر رنج و راحت رسان مخنث (۳) خورد دسترنج کسان
 بگیر ای جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر
 خدا را بر آن بنده بخشایش است که خلق از وجودش در آسایش است
 کرم ورزد آن سر، که مغزی در اوست که دون همتانند بی مغز و پوست
 کسی نیک بیند به هر دو سرای که نیکی رساند به خلق خدای

سودمندترین مردم

۱- ۱ پنج نوبت نقاره زدن به علامت جاه و جلال سلطنت در گذشته مرسوم بوده است.

۲- ۲ تحف العقول، ص ۳۷.

۳- ۳ نامرد.

ص: ۱۷۴

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اِنْتَفَعَ بِهِنَّ النَّاسُ. (۱)

بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره‌مند گردند.

اگر نفع کس در نهاد تو نیست چنین گوهر و سنگ خارا یکی است

غلط گفتم ای یار شایسته خوی که نفع است در آهن و سنگ و روی

چنین آدمی مرده به ننگ را که بروی فضیلت بود سنگ را

نه هر آدمی زاده از دد به است که دد ز آدمی زاده بد به است

به است دد، از انسان صاحب خرد نه انسان که در مردم افتد چو دد

طمع ورزی

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

عَزَّ مَنْ قَنَعَ وَ دَلَّ مَنْ طَمَعَ. (۲)

عزیز کسی است که قناعت کند و خوار است کسی که طمع ورزد.

قناعت سرافرازد ای مرد هوش سر پر طمع بر نیاید ز دوش

طمع، آبروی توقّر بریخت برای دو جو، دامنی در بریخت

چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی چرا ریزی از بهر برف، آبروی؟

۱-۱ بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳.

۲-۲ معراج السعاده، ص ۳۰۴.

ص: ۱۷۵

مگر از تنعم شکبیا شوی و گرنه ضرورت به درها شوی
 برو خواجه کوتاه کن دست از چه می‌بایدت ز آستین دراز
 کسی را که درج طمع در نوشت نباید به کس عبد و خادم نبشت
 توقع براند ز هر مجلسست بران از خودش تا نراند کست

عزت مؤمن

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

عَزُّ الْمُؤْمِنِ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ وَ فِي الْقِنَاعَةِ الْحُرِّيَّةُ وَالْعِزُّ (۱)

عزت مؤمن در بی‌نیازی از مردم است و آزادگی و عزت در قناعت نهفته است.

دلا گر قناعت به دست آوری در اقلیم راحت کنی سروری

اگر تنگ‌دستی، ز سختی منال که پیش خردمند هیچ است مال

ندارد خردمند از فقر عار که باشد نبی را ز فقر افتخار

غنی را ز سیم و زر آرایش است ولیکن فقیر اندر آسایش است

قناعت به هر حال اولی‌تر است قناعت کند هر که نیک اختر است

ز نور قناعت برافروز جان اگر داری از نیک‌بختی نشان

مسافرت

ص: ۱۷۶

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

سَافِرُوا فَأَنْتُمْ أَنْ لَمْ تَعْمُوا مَالًا أَفَدْتُمْ عَقْلًا. (۱)

مسافرت کنید؛ زیرا اگر مالی هم به دست نیاورید، بر عقلتان افزوده می شود.

تا به دکان و خانه در گروهی هرگز ای خام، آدمی نشوی

برو اندر جهان تفرج کن پیش از آن روز کز جهان بروی

هدیه نیکو

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

خَيْرُ اخْوَانِكُمْ مَنْ اَهْدَى اِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. (۲)

بهترین برادر شما کسی است که عیبت هایتان را به شما هدیه کند.

از صحبت دوستی برنجم که اخلاق بدم، حسن نماید

عیبم، هنر و کمال بیند خارم، گل و یاسمن نماید

گو دشمن شوخ چشم (۳) ناپاک تا عیب مرا به من نماید؟

آیین برادری و شرط یاری آن نیست که عیب من هنر پنداری

آن است که گر خلاف، شایسته روم از غایت دوستی ام، دشمن داری ام

فصل دوم: ۸۵ مروارید محمدی صلی الله علیه و آله**۱. ادای حق**

۱-۱ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳.

۲-۲ تنبیه الخواطر، ج ۳، ص ۱۲۳.

۳-۳ گستاخ.

ص: ۱۷۷

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَوَادَ فِي حَقِّهِ. (۱)

همانا خداوند کسی را که در پرداخت حقش سخاوتمند باشد، دوست دارد.

۲. امانت‌داری

الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. (۲)

امانت داری، روزی می‌آورد و خیانت کاری، نداری.

۳. انتظار فرج

أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ. (۳)

بهترین کوشش امت من، انتظار فرج است.

۴. بخشندگی

۱- ۱ تحف العقول، ص ۳۵.

۲- ۲ همان، ص ۴۵.

۳- ۳ همان، ص ۳۱.

ص: ۱۷۸

الْأَيْدِي ثَلَاثَةٌ: سَائِلَةٌ وَ مُنْفِقَةٌ وَ مُمَسِكَةٌ وَ خَيْرُ الْإَيْدِي الْمُنْفِقَةُ. (۱)

دست‌ها سه گونه‌اند: خواهنده، دهنده و بازدارنده و بهترین دست‌ها، دهنده است.

۵. بخل و بدزبانی

ابْعُدْكُمْ بِبِي شَبَهًا الْبَخِيلُ الْبَذِي الْفَاحِشُ. (۲)

بخیل، بد زبان و ناسزاگو، دورترین (بیگانه‌ترین) شما از من است.

۶. بدگمانی

اخْتَرِسُوا مِنَ النَّاسِ بِسُوءِ الظَّنِّ. (۳)

پرهیزید از بدگمانی نسبت به مردم.

۷. بهترین اخلاق

إِلَّا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرِ اخْتِلَاقِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ تَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَ تَغْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَ تَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ. (۴)

آیا شما را به بهترین اخلاق در این جهان و آن جهان راهنمایی نکنم؟

پیوندی با کسی که از تو ببرد و ببخشی به کسی که از تو دریغ دارد و بگذری از کسی که به تو ستم کرده است.

۸. پرسشگری

۱-۱ تحف العقول، ص ۴۴.

۲-۲ همان، ص ۴۳.

۳-۳ همان، ص ۵۳.

۴-۴ همان، ص ۴۳.

ص: ۱۷۹

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ تُوجَرُ أَرْبَعَةٌ: السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ. (۱)

دانش، گنجینه‌ها است و کلیدهایش، پرسش است. خداوند شما را رحمت کند، پرسید؛ زیرا چهار کس مزد دارند: پرسشگر، سخن‌گو، شنوده و دوست‌دار آنان.

۹. پرهیزگاری

فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَأَفْضَلُ دِينِكُمُ الْوَرَعُ. (۲)

فضیلت علم نزد من از فضیلت عبادت محبوب‌تر است و برترین [عمل در] دین شما پرهیزگاری است.

۱۰. پستی دنیا

وَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ جَنَاحَ بُعُوضَةٍ مَا سَقَى فِيهَا كَافِرًا شَرْبَةَ مَاءٍ. (۳)

اگر دنیا نزد پروردگار به اندازه بال مگسی ارزش داشت، جرعه‌ای آب به کافر نمی‌نوشانید.

۱۱. پشیمانی از گناه

النَّدَمُ تَوْبَةٌ. (۴)

پشیمانی، خود توبه است.

۱۲. تراشیدن شارب (سبیل)

۱- ۱ تحف العقول، ص ۳۹.

۲- ۲ همان، ص ۳۹.

۳- ۳ همان، ج ۷۳، ص ۸۷.

۴- ۴ تحف العقول، ص ۵۵.

ص: ۱۸۰

لَا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَحْبَبًا يَسْتَتِرُ بِهِ. (۱)

شارب (سبیل) خود را بلند نکنید؛ چون شیطان آن را پناه گاه خود قرار می دهد و در آن پنهان می شود.

۱۳. ترک ازدواج

شَرَّارُ أُمَّتِي عَزَائِبُهَا. (۲)

بدترین افراد امتم، کسانی هستند که تجرد را برمی گزینند.

۱۴. ترک جهاد

فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ الْبَسَهُ اللَّهُ ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ. (۳)

کسی که جهاد را ترک کند، خداوند لباس خواری به او می پوشاند و او را در زندگی تهی دست می گرداند.

۱۵. ترویج فساد

مَنْ إِذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا وَمَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرُكَبَهُ. (۴)

کسی که فحشا و منکرات را منتشر کند، مانند کسی است که آن را آغاز کرده است و کسی که مؤمنی را به چیز ناشایستی سرزنش کند، نمی میرد تا اینکه خودش نیز به آن گرفتار شود.

۱۶. تقویت حافظه

۱-۱. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲.

۲-۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۱.

۳-۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵.

۴-۴. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۷۷.

ص: ۱۸۱

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَيُذْهِبْنَ السُّقَمَ اللَّبَانُ وَالسُّوَاكُ وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. (۱)

ای علی! سه چیز سبب زیادی حافظه و از میان رفتن بیماری می‌شود:

استفاده از کندر، مسواک کردن و قرآن خواندن.

۱۷. تفرقه‌افکنی میان زن و شوهر

مَنْ عَمِلَ فِي فُرْقَةٍ بَيْنَ امْرَأَتِهِ وَزَوْجِهَا عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ وَكَفَّرَتْهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۲)

هر کس برای جدایی زن و شوهری قدمی بردارد، مورد غضب و نفرین خداوند در دنیا و آخرت قرار می‌گیرد.

۱۸. تنبلی

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ الْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ. (۳)

نفرین شده است کسی که بار زندگی خود را بر عهده دیگران می‌گذارد.

۱۹. توبه‌کار

عَلَامَةُ النَّائِبِ اِرْبَعَةٌ: النَّصِيحَةُ لِلَّهِ فِي عَمَلِهِ وَتَرْكُ الْبَاطِلِ وَكُلُّوْمُ الْحَقِّ وَالْحِرْصُ عَلَى الْخَيْرِ. (۴)

نشانه توبه‌کننده چهار چیز است: کردار برای رضای خدا، ترک باطل، پیروی از حق و شوق به انجام دادن کار خیر.

۲۰. توکل

۱-۱. خصال، ج ۱، ص ۶۲.

۲-۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۷.

۳-۳. تحف العقول، ص ۳۲.

۴-۴. همان، ص ۲۰.

ص: ۱۸۲

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. (۱)

هر کس می‌خواهد نیرومندترین مردم باشد، باید بر خدا توکل کند.

۲۱. تهمت

لَا يَزَالُ الْمَسْرُوقُ مِنْهُ فِي تَهْمَةٍ مَنْ هُوَ بَرِيءٌ حَتَّى يَكُونَ اعْظَمَ جُزْماً مِنَ السَّارِقِ. (۲)

دزدزده، پیوسته در حال تهمت زدن به بی‌گناهان است تا جرمش از دزد بزرگ‌تر شود.

۲۲. ثروت‌طلبی

الدِّينَارُ وَالدَّرْهَمُ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَاكُمْ. (۳)

دینار و درهم، انسان‌های پیش از شما را به هلاکت رساند و با شما نیز چنین خواهد کرد.

۲۳. حب و بغض

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَبُغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا. (۴)

به راستی که خدا، دل بنده‌های خود را به دوستی کسی که به آنها احسان کند و به دشمنی کسی که بدان‌ها بد کند، سرشته است.

۲۴. حقیقت بی‌نیازی

۱-۱. تحف العقول، ص ۲۷.

۲-۲. همان، ص ۳۵.

۳-۳. خصال، ج ۱، ص ۴۳.

۴-۴. همان، ص ۵۲.

ص: ۱۸۳

لَيْسَ الْغِنَىٰ عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَا لَكِنَّ الْغِنَىٰ عَنِ النَّفْسِ. (۱)

توانگری به داشتن کالای بسیار نیست، بلکه توانگری، بی‌نیازی دل است.

۲۵. حیا

الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ. (۲)

حیا از ایمان است.

۲۶. خدمت‌رسانی

دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضِنِ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَىٰ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ بِهِ. (۳)

بنده‌ای داخل بهشت می‌شود؛ چون شاخه چوبی را از سر راه مسلمانان برمی‌دارد تا افراد به راحتی بتوانند رفت و آمد کنند.

۲۷. جاودانه‌ها

ارْبَعَةٌ لَا تَبْلَىٰ: الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ وَالْعُلَمَاءُ وَحَمَلَةُ الْقُرْآنِ. (۴)

چهار دسته‌اند که از بین نمی‌روند (همیشه جاویدند): پیامبران، شهیدان، دانشمندان و حاملان قرآن.

۲۸. جایگاه عقل

۱-۱. همان، ص ۵۶.

۲-۲. همان، ص ۵۵.

۳-۳. خصال، ج ۱، ص ۳۲.

۴-۴. مواظب العددیه، ص ۱۲۵.

ص: ۱۸۴

أَمَّا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ. (۱)

همانا هر کار نیک و خیری با عقل سنجیده می‌شود و آن که عقل ندارد، دین ندارد.

۲۹. خشم

وَقَالَ رَجُلٌ: أَوْصِنِي، فَقَالَ: لَا تَغْضَبْ، ثُمَّ أَعَادَ عَلَيْهِ فَقَالَ: لَا تَغْضَبْ ثُمَّ قَالَ:

لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصَّرْعَةِ، أَمَّا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ. (۲)

مردی به پیامبر گفت: به من سفارشی کن. فرمود: خشم مکن. باز درخواست کرد، فرمود: خشم مکن. سپس فرمود: پهلوانی، به زمین زدن حریف نیست، بلکه پهلوان کسی است که هنگام خشم، خوددار باشد.

۳۰. خودنمایی

لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ رِثَاءً وَلَا تَدَعُهُ حَيَاءً. (۳)

هیچ کار خیری را برای خودنمایی مکن و از انجام آن به خاطر شرم و حیا دست مکش.

۳۱. خوش خلقی

إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ اخْلَاقًا. (۴)

کامل‌ترین مؤمنان در ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنان است.

۳۲. خویشتن‌داری

۱-۱. تحف العقول، ص ۵۳.

۲-۲. همان، ص ۴۷.

۳-۳. همان، ص ۵۷.

۴-۴. همان، ص ۴۷.

ص: ۱۸۵

مَنْ كَفَّ نَفْسَهُ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ أَقَالَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (۱)

هر کس خود را از آبرو و ناموس مردم دور نگاه دارد، خداوند، او را در قیامت در پناه خود می گیرد.

۳۳. دانشوری

سَأَلُوا الْعُلَمَاءَ وَ خَاطَبُوا الْحُكَمَاءَ وَ جَالَسُوا الْفُقَرَاءَ. (۲)

از دانشمندان پرسید و با حاکمان گفت و گو کنید و با فقیران هم نشین شوید.

۳۴. دروغ و خیانت

يَطْبَعُ الْمُؤْمِنُ عَلَى كُلِّ خِصْلَةٍ وَلَا يَطْبَعُ عَلَى الْكِذْبِ وَلَا عَلَى الْخِيَانَةِ. (۳)

مؤمن به هر خصلتی خو کند و بر دروغ و خیانت خو نکند.

۳۵. درهای نیکی

ثَلَاثٌ مِنْ ابْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ وَ طَيْبُ الْكَلَامِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْاَذَى. (۴)

سه چیز از دروازه های نیکی است: سخاوت مندی دل، شیرین سخنی و شکیبایی بر آزار.

۳۶. ذکر

۱-۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۸۷.

۲-۲. تحف العقول، ص ۳۹.

۳-۳. همان، ص ۴۴.

۴-۴. همان، ص ۹.

ص: ۱۸۶

ذِكْرُ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ. (۱)

ذکر خداوند از صدقه بهتر است.

۳۷. رحمت الهی

مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَى عَمَلٍ ثَوَابًا فَهُوَ مُنْجَزٌ لَهُ وَمَنْ أُوْعَدَهُ عَلَى عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ بِالْخِيَارِ. (۲)

خدا به هر که وعده ثواب در کاری داده است، بدان وفا می کند و به هر که تهدید کیفر در کاری کرده است، اختیار دارد.

۳۸. رضایت همسر

وَيْلٌ لِمَرْئَةٍ أَغْضَبَتْ زَوْجَهَا وَطُوبَى لِمَرْئَةٍ رَضِيَ عَنْهَا زَوْجُهَا. (۳)

وای بر زنی که شوهرش را خشمگین کند و خوشا به حال زنی که موجب شادی و خشنودی شوهرش شود.

۳۹. روزی

لَا تَهْتَمَّ لِرِزْقِ غَدٍ فَإِنَّ كُلَّ غَدٍ يَأْتِي رِزْقُهُ. (۴)

غم روزی فردا مخور؛ زیرا روزی هر فردایی می رسد.

۴۰. زهد

۱-۱. تحف العقول، ص ۴۲.

۲-۲. همان، ص ۴۸.

۳-۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۶.

۴-۴. تحف العقول، ص ۱۵.

ص: ۱۸۷

الرُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ. (۱)

زهت در دنیا، کوتاه کردن آرزو است و شکر هر نعمت و خودداری از آنچه خدا حرام کرده است.

۴۱. سخن‌چینی

اخْذِرِ الْغِيْبَةَ وَ النَّمِيْمَةَ، فَإِنَّ الْغِيْبَةَ تُفْطِرُ وَ النَّمِيْمَةَ تُوجِبُ عَذَابَ الْقَبْرِ. (۲)

از غیبت و سخن‌چینی بر حذر باش؛ زیرا غیبت، روزه را بشکند و سخن‌چینی مایه شکنجه در گور است.

۴۲. سرمایه عمر

كُنْ عَلَى عُمْرِكَ اشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَ دِينَارِكَ. (۳)

بر عمر خود، بخیل تر از درهم و دینارت باش.

۴۳. سلام

سَلِّمْ عَلَى مَنْ لَقِيتَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي حَسَنَاتِكَ وَ سَلِّمْ فِي بَيْتِكَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي بَرَكَتِكَ. (۴)

به هر مسلمانی برخورد کردی، سلام کن؛ چون خداوند بر حسنات تو می‌افزاید و به اهل منزلت سلام کن؛ زیرا خداوند برکت‌هایش را به تو افزایش می‌دهد.

۴۴. شکرگزاری

۱-۱. همان، ص ۵۷.

۲-۲. همان، ص ۱۴.

۳-۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۶.

۴-۴. همان، ج ۷۶، ص ۳.

ص: ۱۸۸

الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّائِمِ الصَّامِتِ. (۱)
آنکه بخورد و شکر کند، بهتر است از روزه‌دار خاموش.

۴۵. صبر و شکر

الْإِيمَانُ نِصْفَانِ: نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ. (۲)
ایمان دو نیم است؛ نیمی صبر است و نیمی شکر.

۴۶. صلوات

مَنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ أَخْطَأَ طَرِيقَ الْجَنَّةِ. (۳)
هر کس صلوات فرستادن بر من را فراموش کند، راه بهشت را گم خواهد کرد.

۴۷. صله رحم

صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ. (۴)
صله رحم، عمر را طولانی می‌کند.

۴۸. عامل کوری و گری

إِيَّاكُمْ وَالْهَوَىٰ فَإِنَّ الْهَوَىٰ يُعْمَىٰ وَ يُصَمُّ. (۵)
از هوای نفس خود بر حذر باشید؛ زیرا آدمی را نایینا و ناشنوا می‌سازد.

۴۹. عبرت

۱-۱. تحف العقول، ص ۴۸.

۲-۲. همان، ص ۴۷.

۳-۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۲۱.

۴-۴. تحف العقول، ص ۹.

۵-۵. نهج الفصاحه، ش ۱۰۰۱.

ص: ۱۸۹

كَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظَاً وَكَفَى بِالْاِتْقَانِ غَيْ. (۱)
مرگ برای پندآموزی و پرهیزگاری برای توانگری بس است.

۵۰. عطابخشی

مُرُوْنَا اَهْلَ الْبَيْتِ الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا وَ اَعْطَاءٌ مِّنْ حَرَمِنَا. (۲)
جوان مردی خاندان ما، گذشت از کسی است که به ما ستم کند و عطابخشی به کسی است که از ما دریغ دارد.

۵۱. عفو و گذشت

اَوْصَانِي رَبِّي بِاَنْ اَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي. (۳)
پروردگارم به من سفارش کرده است که از کسی که به من ستم کند، درگذرم.

۵۲. عیب پوشی

مَنْ سَتَرَ عَوْرَةَ اَخِيهِ سَتَرَهُ اللهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. (۴)
کسی که عیب برادرش را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت، عیب هایش را پنهان می‌دارد.

۵۳. غفلت

عَلَامَةُ الْغَافِلِ اَرْبَعَةٌ: الْعَمَى وَ السَّهُوُ وَ اللُّهُوُ وَ النَّسْيَانُ. (۵)
نشانه غافل چهار چیز است: کوری، سهو، لهو و فراموشی.

۵۴. فال بد

۱-۱. تحف العقول، ص ۳۴.

۲-۲. همان، ص ۳۷.

۳-۳. همان، ص ۳۵.

۴-۴. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۲۷.

۵-۵. تحف العقول، ص ۲۳.

ص: ۱۹۰

إِذَا تَطَيَّرْتَ فَامُضٍ وَإِذَا ظَنَنْتَ فَلَا تَقْضِ وَإِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَبْغِ. (۱)

چون فال بد زدی، پیش برو؛ چون گمانی بردی، داوری مکن و چون حسد بردی، تجاوز نکن.

۵۵. فضیلت امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام

الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَأَبُوهُمَا خَيْرٌ مِنْهُمَا. (۲)

حسن و حسین علیهما السلام دو سرور اهل بهشت هستند و پدر ایشان علی علیه السلام بهتر از آنها است.

۵۶. کسب حلال

الْعِبَادَةُ سَبْعَةٌ أَجْزَاءُ أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ. (۳)

عبادت هفت بخش است و برتر از همه کسب حلال است.

۵۷. کمال دین

يَا عَلِيُّ! اَرْبَعٌ مَنْ يَكُنْ فِيهِ كَمَلٌ اسْلَامُهُ: الصُّدْقُ وَالشُّكْرُ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ. (۴)

یا علی! چهار چیز در هر کس باشد، اسلامش کامل است: راستی، شکر گزاری، شرم و خوش رفتاری.

۵۸. کمال عقل

۱-۱. تحف العقول، ص ۵۰.

۲-۲. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۳.

۳-۳. تحف العقول، ص ۳۶.

۴-۴. همان، ص ۱۰.

ص: ۱۹۱

قَسَمَ اللَّهُ الْعَقْلَ ثَلَاثَةَ أَجْزَاءٍ فَمَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ عَقْلِهِ وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ فَلَا عَقْلَ لَهُ:
حُسْنُ الْمَعْرِفَةِ لِلَّهِ وَ حُسْنُ الطَّاعَةِ لِلَّهِ وَ حُسْنُ الصَّبْرِ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ. (۱)

خداوند خرد را سه بخش کرده است. هر که همه را دارد، خردش تمام است و هر که هیچ از آنها ندارد، خردی ندارد: خوب شناختن خدا، خوب طاعت کردن برای خدا و خوب صبر کردن بر کار خدا.

۵۹. کم‌خوری

مَنْ اجْعَاعَ بَطْنَهُ عَظُمَتْ فِكْرَتُهُ وَ فَطِنَ قَلْبُهُ. (۲)

کسی که شکمش را خالی نگه دارد، زیرک و هوشیار و خوش استعداد خواهد شد.

۶۰. کنترل زبان

أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ حِفْظُ اللِّسَانِ. (۳)

بهترین صدقه، کنترل زبان است.

۶۱. گناهان کوچک

إِنَّ أَيْلِسَ رَضِيَ مِنْكُمْ بِالْمُحَقَّرَاتِ. (۴)

چه بسا شیطان به انجام دادن گناهی کوچک از شما راضی شود.

۶۲. گشاده‌رویی

۱-۱. همان، ص ۵۳.

۲-۲. محجة البيضاء، ج ۵، ص ۱۵۴.

۳-۳. نهج الفصاحه، ش ۴۰۴.

۴-۴. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳.

ص: ۱۹۲

حُسْنُ الْبِشْرِ يَذْهَبُ بِالسَّخِيمَةِ. (۱)

خوش رویی، کینه را از بین می برد.

۶۳. ل. بازی

إِيَّاكَ وَاللَّجَاجَةَ فَإِنَّ أَوْلَهَا جَهْلٌ وَآخِرَهَا نَدَامَةٌ. (۲)

از ل. بازی بپرهیز؛ که آغازش، نادانی و پایانش، پشیمانی است.

۶۴. مبارزه با هوای نفس

جَاهِدُوا أَهْوَاءَكُمْ تَمْلِكُوا أَنْفُسَكُمْ. (۳)

با هواهای نفسانی خود مبارزه کنید؛ چون مالکِ نفستان خواهید شد.

۶۵. مصلحت اندیشی در گفتار

ثَلَاثٌ يَفْبَحُ فِيهِنَّ الصُّدُقُ: النَّمِيمَةُ وَخَبَارُكَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِهِ بِمَا يَكْرَهُ وَتَكْذِيبُكَ الرَّجُلَ عَنِ الْخَيْرِ. (۴)

راستی در سه چیز، زشت است: سخن چینی، خبر ناراحت کننده دادن به مردی از زنش و تکذیب مردی که دعوی نیکوکاری می کند.

۶۶. مهریه

۱-۱. تحف العقول، ص ۴۴.

۲-۲. تحف العقول، ص ۱۵.

۳-۳. نهج الفصاحه، ش ۱۳۰۲.

۴-۴. تحف العقول، ص ۱۰.

ص: ۱۹۳

أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْحَبُنَّ وَجْهًا وَأَقْلَهُنَّ مَهْرًا. (۱)

بهترین زنان امتم، کسانی هستند که از همه زیباتر و مهریه‌شان از دیگران کمتر باشد.

۶۷. میانجی‌گری

أَصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَةِ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ. (۲)

برقراری صلح و سازش بین افراد بهتر از یک سال نماز و روزه (مستحبی) است.

۶۸. ناسزاگویی

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ بَدِيٍّ قَلِيلٍ الْحَيَاءِ لَأَيُّبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ. (۳)

همانا خداوند بهشت را حرام گردانده است بر هر ناسزاگویی که کم حیا باشد و بی‌باکانه هر چه از دهانش در آمد، بگوید و هر چه شنید، ناراحت نشود.

۶۹. نشان منافق

عَلَامَةُ الْمُنَافِقِ اِرْبَعَةٌ: فَاجِرٌ دَخَلَهُ يُخَالِفُ لِسَانُهُ قَلْبَهُ وَقَوْلُهُ فِعْلُهُ وَسَرِيرَتُهُ عَلَانِيَتُهُ، فَوَيْلٌ لِلْمُنَافِقِ مِنَ النَّارِ. (۴)

۱-۱. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۵۵.

۲-۲. امالی طوسی، ج ۲، ص ۱۳۵.

۳-۳. بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۱۲.

۴-۴. تحف العقول، ص ۲۲.

ص: ۱۹۴

نشانه منافق چهار چیز است: نهادش هرزه است؛ زبان و دلش دو تا است؛ گفتارش جز کردارش است و باطنش جز ظاهر او است. وای بر منافق از آتش دوزخ.

۷۰. نشانه اخلاص

عَلَامَةُ الْمُخْلِصِ اَرْبَعَةٌ: يَسْلَمُ قَلْبُهُ وَ تَسْلَمُ جَوَارِحُهُ وَ بَدَلْ خَيْرُهُ وَ كَفَّ شَرَّهُ. (۱)

نشانه مخلص چهار چیز است: دلش درست است؛ اعضایش بی آزار است؛ خیرش به دیگران می‌رسد و از بدکردن خودداری می‌کند.

۷۱. نشانه بدبختی

اَرْبَعُ خِصَالٍ مِنَ الشَّقَاءِ: جُمُودُ الْعَيْنِ وَ قَسَاوَةُ الْقَلْبِ وَ بُعْدُ الْأَمَلِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا مِنَ الشَّقَاءِ. (۲)

چهار خصلت از بدبختی است: خشک‌چشمی، سخت‌دلی، درازی آرزو و دوست داشتن دنیا.

۷۲. نشانه راست‌گویان

عَلَامَةُ الصَّادِقِ فَاَرْبَعَةٌ: يَصْدَقُ فِي قَوْلِهِ وَ يُصَدِّقُ وَعْدَ اللَّهِ وَ وَعِيدُهُ وَ يُوفِي بِالْعَهْدِ وَ يَجْتَنِبُ الْعَدْرَ. (۳)

۱-۱. تحف العقول، ص ۲۱.

۲-۲. همان، ص ۱۳.

۳-۳. همان، ص ۹.

ص: ۱۹۵

صادق چهار نشانه دارد: راست گویی، باور داشتن خوف و رجا، وفای به عهد و کناره گیری از مکر.

۷۳. نشانه فاسق

عَلَامَةُ الْفَاسِقِ اَرْبَعَةٌ: اللُّهُوُ وَاللَّغُوُ وَالْعُدُوَانُ وَالْبُهْتَانُ. (۱)

نشانه فاسق چهار چیز است: بازیگری، بیهوده گویی، تجاوزگری و تهمت و بهتان زدن.

۷۴. نفاق

اَيَّاكُمْ وَتَخَشَعُ النِّفَاقِ وَهُوَ اَنْ يُرَى الْجَسَدُ خَاشِعًا وَالْقَلْبُ لَيْسَ بِخَاشِعٍ. (۲)

مبادا خشوع منافقانه کنید و آن این است که تن، خاشع باشد و دل، خاشع نباشد.

۷۵. نگارش

قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ. (۳)

دانش را در بند نگارش کشید.

۷۶. نگاه مهربانانه فرزند

نَظْرُ الْوَالِدِ اِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَّهُمَا عِبَادَةً. (۴)

۱-۱ همان، ص ۲۳.

۲-۲ همان، ص ۵۹.

۳-۳ همان، ص ۳۵.

۴-۴ همان، ص ۳۸.

ص: ۱۹۶

نگاه فرزند به پدر و مادرش از روی محبت و دوستی، عبادت است.

۷۷. نماز جماعت

مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ. (۱)

کسی که برای اقامه نماز جماعت به سوی مسجد حرکت کند، برای هر قدمی، هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه و مقام برایش خواهد بود.

۷۸. نماز جمعه

فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ. (۲)

هر مؤمنی به سوی نماز جمعه حرکت کند، خداوند، سختی‌های قیامت را از او برطرف می‌گرداند و آن گاه به بهشت راهنمایی می‌شود.

۷۹. نیرنگ

إِيَّاكَ وَالْمَكْرَ فَإِنَّ اللَّهَ قَضَى «لَا يَحِقُّ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ». (۳)

مبادا نیرنگ ببازی که خدا حکم کرد نیرنگ بد، جز به نیرنگ‌باز، بر نمی‌گردد.

۸۰. نیرنگ

لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَا كَرَهُ. (۴)

از ما نیست کسی که به مسلمانی دغلی و دورنگی کند یا زیان رساند یا نیرنگش زند.

۸۱. وفای به عهد

۱-۱. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۷۲.

۲-۲. همان، ج ۵، ص ۴.

۳-۳. تحف العقول، ص ۳۴.

۴-۴. همان، ص ۴۱.

ص: ۱۹۷

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ. (۱)

هر که به خدا و روز جزا عقیده دارد، باید به وعده خود وفا کند.

۸۲. ولایت‌محموری

يَا عَلِيُّ! لَا يُبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يُحِبُّكَ مُنَافِقٌ. (۲)

ای علی! هیچ مؤمنی تو را دشمن ندارد و هیچ منافقی تو را دوست ندارد.

۸۳. هدیه

الْهَدِيَّةُ عَلَى ثَلَاثَةٍ وَجُوهٍ: هَدِيَّةٌ مُكَافَاةٌ وَ هَدِيَّةٌ مُصَانَعَةٌ وَ هَدِيَّةٌ لِلَّهِ. (۳)

هدیه بر سه گونه است: هدیه با عوض، هدیه ساخت و ساز (کار راه‌اندازی) و هدیه برای خدا.

۸۴. هم‌نشینی

مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۴)

دوستی و هم‌نشینی با افراد دین‌دار سبب شرافت دنیا و آخرت است.

۸۵. یاد خدا

وَمَنْ أَكْثَرَ ذَكَرَ اللَّهَ اجْرَهُ اللَّهُ. (۵)

و هر که بسیار خدا را یاد کند، خدا جزایش می‌دهد.

۱-۱ همان، ص ۴۴.

۲-۲ نهج البلاغه، دشتی، کلمات قصار، ش ۴۵.

۳-۳ تحف العقول، ص ۴۹.

۴-۴ خصال، ج ۱، ص ۵.

۵-۵ تحف العقول، ص ۴۵.

ص: ۱۹۸

کتابنامه

ص: ۱۹۹

۱. اصفهانی، رضا، اخلاق برای همه (جلد ۱)، تهران، مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، انتشارات جاویدان.
۳. حرانی، ابومحمد حسن، تحف العقول، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶ ه. ق.
۴. حکیم، سید محمد تقی، پیام پیامبر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. سجادی، محمد صادق و مرتضی فرید، اخلاق از دیدگاه قرآن و عترت، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۶۸.
۶. صالحی، عبدالله، زندگی و سخنان چهارده معصوم علیهم السلام، قم، دارالنشر، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
۷. صبحی، صالح، نهج البلاغه، بیروت، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه. ق.
۸. صدوق، خصال، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۲ ه. ق.
۱۰. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجۀ البيضاء، تهران، چاپخانه حیدری، ۱۳۴۰.
۱۱. -، وافی، اصفهان، ۱۳۲۴ ه. ق.
۱۲. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، تهران، چاپ افست مروی، بی تا.
۱۳. کلینی، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه. ق.

ص: ۲۰۰

۱۴. متقی هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه. ق.
۱۶. محصل، سید عبدالوهاب، سعدی در گلستان حدیث آل محمد صلی الله علیه و آله، قم، انتشارات محصل، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۷. مفید، الارشاد، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه. ق.
۱۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مد ظله العالی و با پیروی از اوامر بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره، عهده‌دار وظایفی از جمله نیازسنجی، هدفگذاری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی خرد و کلان جهت تحقق حج ابراهیمی و زیارت مطلوب است.

اجرای طرح‌های فرهنگی، آموزشی و سیاسی برای ابواب جمعی حج و زیارت، پاسخگویی به نیازهای معنوی، معرفتی و مذهبی زائران بیت‌الله الحرام و عتبات به ویژه از طریق جذب، سازماندهی و اعزام روحانیون و همچنین ارتباط مستمر با زائران و مسوولان حج دیگر کشورها در موسم حج و عمره و زیارت عتبات به منظور معرفی اسلام، تشیع و انقلاب اسلامی و طرح مسائل جهان اسلام از دیگر اهداف حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت است.

از دیگر اهداف این مرکز می‌توان به ارتباط با محافل و مراکز علمی و مذهبی کشورهای اسلامی و عربستان، تهیه و انتشار کتب، نشریات و دیگر محصولات مکتوب سمعی و بصری و همچنین سازماندهی ارتباطات عمومی و اطلاع‌رسانی در حوزه نمایندگی ولی فقیه اشاره کرد.

همچنین پرتال حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت به عنوان نخستین پایگاه تخصصی حج و زیارت، علاوه بر اینکه پاسخگوی حجم قابل توجه نیازهای مسافران سرزمین وحی، عتبات عالیات و سایر سرزمین‌های مقدس و اماکن متبرکه است، یک مرجع محتوایی و آموزشی در حوزه‌های حج و زیارت برای کاربران اینترنتی است.

پایگاه اطلاع‌رسانی حج تمامی قابلیت‌های یک رسانه دیجیتال برای ارائه نکات آموزشی به زائران اماکن مقدسه و متبرکه را به میدان آورده است. از کتابخانه تخصصی حج می‌توان به عنوان بخشی از ظرفیتی نام برد که این پایگاه در فضای مجازی ایجاد کرده است.

کتابخانه تخصصی حج، مرجعی است که اطلاعات، کتاب‌های الکترونیکی و مجموعه مقالات دو دهه گذشته بعثه مقام معظم رهبری را در خود جمع کرده و پاسخگوی نیازهای مطالعاتی پژوهشگران دینی، زائران حرمین شریفین و عتبات عالیات و ... است. علاوه بر این آخرین اخبار اختصاصی مربوط به حوزه حج و زیارت نیز در پایگاه اطلاع‌رسانی حج منتشر می‌شود. این پایگاه اولین خبرگزاری تخصصی حج و زیارت است.

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت، دارای بخش‌های مختلفی از قبیل خبرگزاری، کتابخانه، اماکن، نگارخانه، آموزش احکام و مناسک حج، بانک صوت و فیلم، نرم‌افزار، پاسخ به شبهات، مناسبت‌های روز، دانشنامه آزاد حج، وبلاگ و مواردی دیگر است که کاربران فضای مجازی به فراخور نیازها و سلیق خود می‌توانند از هر کدام از بخش‌های آن استفاده کنند.

"حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت" آدرس سایت www.hajj.ir

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

www.hajj.ir

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

www.ghaemiyeh.com

